



کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

خطی

۱۵۷۲۳



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب ترجمه منابع الطالع

مؤلف: علامه

مترجم: کاتب فریدی

شماره قفسه: ۱۵۷۳۳

۹۱۲۶۹

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۱۲

۱۲۹۵۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب ترجمه منابع الطالع

مؤلف: علامه

مترجم: کاتب فریدی

شماره قفسه: ۱۵۷۳۳

۹۱۲۶۹

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۱۲

۱۲۹۵۷



۱۵۷۲۲  
۹۱۲۶۹

۴۱۹

کتاب الایمانی  
 المیزان و شرح منافع الفلاح  
 از مولانا صدیق معاصر خانب  
 شرح بنیادی اهل الله مقامه  
 و این تفسیر منقح است و ترجمه  
 انعام خواجه  
 کتابی معتبر و نفیس است

کتاب طریق  
 از شیخ محمد  
 در بیان طریق  
 از شیخ محمد  
 در بیان طریق



بر روی  
 تاریخ روز شنبه ۱۲۰۲  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه ۱۲۰۲  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه ۱۲۰۲  
 در شهر تبریز

تاریخ روز شنبه ۱۲۰۲  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه ۱۲۰۲  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه ۱۲۰۲  
 در شهر تبریز

تاریخ روز شنبه ۱۲۰۲  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه ۱۲۰۲  
 در شهر تبریز

۱۳۲۸

انجمن مفسرین

129

چون رضی حاج ارباب السلام  
طبع و فضل و جلال و کرامت  
۴۴

صحت فی فحش و فحش فی فحش  
مساقی اکوٹ  
صفت صفت  
عزل اطمینان

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دلالة على قدرته وجلاله  
وآياته وبرهانه  
التي لا تحصى ولا تعد  
والله اعلم بالصواب

10V5C

[illegible]



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تَقْدِيسُ وَتَسْبِيحُ بِأَدْنَاءِ قَادِرٍ أَلَمْ يَخْلُقْ عَبَّاسُ  
بِمِفْتَاحِ فَلَاحٍ فَدَفَعَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ  
فِي صَلَواتِهِمْ خَاسِعُونَ أَفْطَالُ خَلَّائِنَ عِبَادِهِ  
وَبَنَدُكِي كَتَبْتَهُ وَمَقَرَّانَ فَدَسَّ عِبَادُهُ شَا ۴  
اعْلَامُ ارْزَاقِي وَحَلَّ بَيْنَ كُرُونِ اللَّهِ فَيَا مَا وَقَعُوا  
وَعَلَى جُودِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ ارْأَيْتُمْ بَارِئًا فَكَيْفَ فَدَسَّ فُلُوسُ ارْزَاقِي

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ يُأْكُلُونَ  
وَأَبَارِقُ وَكَأَنَّهُمْ فِي مَعِينٍ وَحَقِيقٌ حَقِيقٌ  
وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا إِذَا شَاءُوا وَقَدْ  
وَحَلَّ عَرْشَ قَدُوسٍ بَرِئًا فَاذْأَرَعْتَ فَأَنْبَسَ  
وَالْحَى رَبُّكَ قَارِعٌ إِذَا مَنَّ اللَّهُ فَبِئْسَ عَزَّ  
عِزَّتْ قُدْرَتُهُ وَصَلَوْا مَقْدَسَاتٍ وَنَجَّاتٍ مَطَهَّرَاتٍ  
بِرَأْفَتِهِمْ مَقْدَسِينَ وَمُهَلَّلِينَ وَاشْرَفَ مُجَدِّدِينَ  
وَسَمِيمِينَ شَارِبِينَ وَانْفِخُوا مِنْ خَيْرِ لَيْلَةٍ  
لِلنَّاسِ الَّذِينَ تَابَعُوا أَمْلَكَ قَدَّ فِي فَتْلٍ فَتَكَا  
قَابَ فَوْسِينَ أَوَادِي شُصُورِ مِيدَانٍ وَ  
لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى مُحَمَّدٌ بَارِكَا  
وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى صَامِدٌ

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ بِالْكَوَابِ  
وَالْأَرْبَابِ وَكَأْسٌ مِنْ مَعِينٍ وَحَقٌّ خُتْمٌ  
وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا إِنَّ شَارِبِيهِ  
وَحِلَّةَ عَرْشِ فَقْدِشِ بَرَسَايَةِ فَإِذَا فَرَغْتَ فَاقْبَلْ  
وَالِإِيَّايَ فَارْعَبْ أَرَأَيْتَ إِنْ فَتَنَّاكَ  
عَزَّتْ قُدْرَتُهُ وَصَلَوْا مَقْدَسَاتِ وَنَجَّاتِ مَهْدِيَّ  
بِرَاكَةِ نَسْلِ مَقْدَسِينَ وَمَهْلِكِينَ وَاشْرَفِ مُحَمَّدٍ  
وَسُجُونِ شَارِبِ رَحْمَتِ وَأَنْفَارِ مِنْ خَيْرِ لَدُنَّ  
لِلشَّادِينَ تَابِعُوا رَمْلَكَ فَاقْبَلْ فَتَكَا  
قَابَ فَوْسِينَ أَوَادِنِي شَسُورِ مِيدَانِ وَ  
لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى مُحَمَّدٌ بَارَكَاةُ  
وَلَا تُشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى صَامِدُ



[illegible]

جو بروی در نقش روی بیان: بند بر روی و  
 باقیان بخت: گرفته چهارزانشه بخت: مکرده  
 کس مشورت جز خدا: همین از خدا جسته راه می  
 خدا نقش داده در کارزار: مدد کار او احمد شد: چاره  
 خا بر از کیش بفتح و طغ: پیغش بر انداخت بنیادش  
 بعمق پیش و خوش خاکش: خدا با و روح فقط و ناصرش  
 فک برادرش دمان: بزرگیش تمام جهان ۵  
 سخندان دین مقتدای زمان: بهاء محمد سر عالمان  
 کتابی و در ادب طاعت نوشت: در او را در مروت عادت  
 نوشت: بلفظ عرب بود از زبان: بند بر کس با  
 نفع بسیاران: برای غلامان خاقان دین: بغیرش  
 جان کرد این کمترین: چون نام شاه جهان شنید نام



شد ادب عیادتش ز نام امید آنکه مقبول از آن شود  
 و فاش بر شاه جهان بان شود بخشد خدا و عیادتش بان بود  
 بود شمع ایمان فرزندان بان بود و بان از و بان عیادتش  
 و زو ساد عیادتش علی و بان و بان رساله شش بان  
**باب اول** در بیان آنچه از طلوع صبح صادق تا طلوع  
 آفتاب بجای باید آورد **باب دوم** در بیان آنچه از طلوع  
 آفتاب تا وقت ظهر باید آورد **باب سوم** در بیان آنچه  
 از وقت ظهر تا وقت غروب آفتاب باید آورد **باب چهارم**  
 در بیان آنچه از وقت غروب آفتاب تا وقت خواب باید آورد  
 در بیان آنچه از وقت خوابیدن تا نصف شب باید آورد  
**باب پنجم** در بیان آنچه از نصف شب تا طلوع صبح باید آورد  
**باب ششم** در بیان آنچه از طلوع صبح صادق تا طلوع

بجای

آفتاب بجای آورد و در آن مقدمه ایست و بنظر  
**مقاله** بدانکه از اصحاب عیادت سلام الله علیهم  
 حدیث بسیار در فضیلت این وقت نقل شده و  
 این ساعات را وقت غفلت می نامند چنانچه از فرشتگان  
 آفتاب تا هر وقت در شفق را هم ساعت غفلت  
 منتهی که آدمی در این وقت بیدار باشد زیرا که خواب  
 در این وقت شومست محمد بن بابویه فی کتاب من لا  
 یحضر الفجر روایت کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
 فرموده خواب صبح شومست روزی ای می ماند و روز  
 و روز از روز میکند و متغیری سازد و آن خواب بزرگ  
 بتحقیق که خداوند تعالی قسم میکند روزهای بنی آدم را در این وقت  
 در وقتی که میان طلوع و غروب آفتاب است تا طلوع آفتاب پس

و در آن وقت که در میان  
 طلوع آفتاب و غروب آن است  
 در آن وقت که در میان  
 طلوع آفتاب و غروب آن است

رئیس الحاشیه  
 در این وقت که در میان  
 طلوع آفتاب و غروب آن است  
 در این وقت که در میان  
 طلوع آفتاب و غروب آن است



کنید و بهر روز از این خواب و هم در کتاب مذکور  
روایت کرده که حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام  
در تفسیر آیه فَالْمُقْسَمَاتِ فرموده که مراد از  
که قسمت کنند روزهای بنی آدم را میان طلوع صبح  
تا طلوع آفتاب پس کسی که خواب کند در این وقت  
خوابیده است از روزی خود و در حدیث است که  
نماز صبح نیکوترین است و در علمای روزی در علمای  
شرب و روایت کرده که کفایت در کتاب کافی که حضرت  
امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه إِنَّ قُرْآنَ  
الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا فرموده که مراد بقرآن الفجر نماز  
صبح است می بینند از افروختن شرب و فرشتگان  
پس هرگاه بگذارد و بنده نماز صبح را در وقت طلوع بخواند

و بنویسم  
در این کتاب  
در تفسیر آیه  
فَالْمُقْسَمَاتِ  
فرموده که مراد  
از آنست که  
قسمت کنند  
روزهای بنی آدم  
را میان طلوع  
صبح تا طلوع  
آفتاب

می شود برای او دو بار می نویسند از افروختن شرب  
و فرشتگان روز **فصل** بدانکه روز پیش علمی اش  
عشره قدس اند و او را هم از طلوع صبح صادق است  
تا فرو رفتن قرص آفتاب و از طلوع صبح صادق  
تا طلوع آفتاب داخل روز است و بعضی از علمای  
کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که سئوال  
کرد کسی از مضاری از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
از عتی که از ساعتها می شربت و نه از ساعتها می روز  
پس از حضرت فرمود که ساعت میان طلوع فجر است  
تا طلوع آفتاب و این چوالبینا بر مذهب بسیاری است  
نه بر مذهب اشعی عشره زیرا که در روایت است که  
آن مسائل از کشیشان و علمای مضاری بود و از حضرت

و فی حدیث الثانی انما ان صلح  
الصبح مشهوده فان فی البیان  
ایضا حاکم لا تکرر الکلیات  
نیز آمده



مسئله چند پرسید که در مذبح ایشان بود و مطلع  
 بر آن مسایل بود مگر نزد کان علی بن رضای و این  
 مسئله هم از آن مسایل بود **فصل** بدانکه نماز صبح و خل  
 نماز روز است با جماع علی بن ماسیما اعلم ان  
 داخل نماز شب است بدلیل آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله  
 فرمود که صلوة النهار عجمای یعنی نماز روز است  
 و جویش است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و اگر  
 نماز صبح را در این حکم داخل نماز روز کرده اند و این  
 آنحضرت نماز صبح را در تاریکی بخواند و در خانه چون از  
 نماز فارغ می شوند زمان نمازهای خود می بینند و کسی  
 این را نمی شناسد بواسطه تاریکی رواست  
 کرده ابن بابویه در کتاب مس لا یحضر الفقه که می بین این

و شاید که حضرت علی بن  
 او را جواب داده بطریق  
 که موافق مذهب و اعتقاد ایشان  
 بوده و خاص منافاتی ندارد با غیر مذ  
 هب ماست که روز را تاریکی خلوع نماز است  
 تا غروب آفتاب

و شاید که حضرت علی بن  
 او را جواب داده بطریق  
 که موافق مذهب و اعتقاد ایشان  
 بوده و خاص منافاتی ندارد با غیر مذ  
 هب ماست که روز را تاریکی خلوع نماز است  
 تا غروب آفتاب

فلیستخیر فی باب الظل بدلت البوا والمضي  
 کتبه من الهواء ضعيف اذا هو  
 مستعار فلا ينفذ كثيرا في اجزاء  
 الحزوظ بل كل ان داد بعد  
 اذا داد ضعيفا ذن من  
 يكون في وسط الحزوظ  
 يكون في الشد الظلا  
 فاذا غرت الشمس من الارض  
 اليه نال الحزوظ الظل  
 عن سمن الارسل وقوت  
 المستغنية في حوائج الظل  
 بفضيلة الهواء من الجود  
 فيه ادخله فقه فقه كذا  
 عند وقت لصباح و على  
 هذا اكمل ان اذا الشمس  
 من المصلا ان تطلع الشمس  
 و اول ما يظهر القمر عند  
 قبل لصباح يظهر مستند  
 مستطيل كالعمود على البحر  
 الكاذب ويثبت في الماكان  
 لدقة واستطالة الزواري الاول  
 السبعة على القاء الكاذب  
 من من كتاب الشيخ عليه السلام

الشمس سؤال کرد از حضرت امام موسی کاظم علیه  
 السلام که چرا در نماز صبح قرائت بلند میکنند بآنکه از نماز روز  
 پس آن حضرت فرمود که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله  
 نماز صبح را در تاریکی بخواند و در آن وقت که در آن  
 از این نماز شب و اما آنجا این بابویه قدس سره روا  
 کرده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که حضرت  
 در روز نماز می کرد تا زوال آفتاب یعنی تا وقت ظهر  
 غرض رداست بر سنان که نماز جا می شد و اینست  
 و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و اینست و اینست  
**تجسس** در تحقیق نجس اول که هیچ کس نیست و نجس دوم  
 که هیچ مواد نیست و اول وقت نماز صبح است و اما اینجا  
 ذکر کنیم حاصل آنرا که حضرت شیخ جمال الدین مطهری قدس الله



در کتاب مفتی المطلب فرموده روشی روز از آفتاب  
و هر چه روشن شود بشعاع آفتاب او را در جانب دیگر سار  
قیافه و خداوند تعالی نور را بیشتر کرد بدین آفتاب را  
بر کرد زمین سائر زمین بشکل مخروط باشد و از او  
ظل گویند و بیرون مخروط ظل روشن بشعاع آفتاب  
و این روشنی ظل هم باین روشنی بسبب یکی شعاع  
آفتاب و این روشنی بمیان مخروط باشد بلکه هر چند  
بمیان مخروط بود و یکدیگر روشنی کمتر می شود و نه  
تا و یکی در میان مخروط ظل باشد پس چون آفتاب بیشتر  
رسد سیر مخروط ظل در مشرق باشد و هر چه آفتاب  
پایین تر رود سیر مخروط ظل بالاتر آید و چون آفتاب  
فرد رسد مخروط ظل بالای کره و چون از آنجا آفتاب

آفتاب بجانب مشرق رود سیر مخروط ظل از بالای سر  
بجانب مغرب میل کند و چون آفتاب در آخر شب  
بمشرق نزدیک شود آنچه از مخروط ظل روشن شد در بالا  
مشرق نمایان شود باریک و دراز چون بوقت از صبح  
کادک و فجر اول گویند اما در آنوقت مشرق تاریک باشد  
و چون آفتاب اندکی دیگر در بر افق مشرق نزدیک شود  
آن روشنی بیشتر شود و مشرق روشن شود و روشنی در مشرق  
پسین کرد و این صبح صادق است و اول وقت نماز صبح  
است و از این شکل تصور را که لقمه است آن شود  
**فصل** در ممتنع نیست صبح کادک بعد از آنکه از غلظت  
مثل داخل شدن وقت و فضیلت نماز و ترغیر اگر افضل  
اوقات و تر از طلوع صبح کادک است تا طلوع صبح صادق

در کتاب المطلب فرموده روشی روز از آفتاب  
و هر چه روشن شود بشعاع آفتاب او را در جانب دیگر سار  
قیافه و خداوند تعالی نور را بیشتر کرد بدین آفتاب را  
بر کرد زمین سائر زمین بشکل مخروط باشد و از او  
ظل گویند و بیرون مخروط ظل روشن بشعاع آفتاب  
و این روشنی ظل هم باین روشنی بسبب یکی شعاع  
آفتاب و این روشنی بمیان مخروط باشد بلکه هر چند  
بمیان مخروط بود و یکدیگر روشنی کمتر می شود و نه  
تا و یکی در میان مخروط ظل باشد پس چون آفتاب بیشتر  
رسد سیر مخروط ظل در مشرق باشد و هر چه آفتاب  
پایین تر رود سیر مخروط ظل بالاتر آید و چون آفتاب  
فرد رسد مخروط ظل بالای کره و چون از آنجا آفتاب



روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در کتاب نهج  
بسته صحیح که اسمعیل ابن سعد الاشمی گفت  
از حضرت امام رضا علیه السلام از افضل شایعات و  
پس از حضرت فرمود که دو سبزه ساعتهای و تر زده  
من بجز آنست و در حدیث است که شخصی در اول شب  
پرسید از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از وقت نماز  
آنحضرت جواب بگفت تا وقت نماز این صبح کلامی صحیح  
صادق شد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بفرمود آمد  
بمسجد و سه بار ندا کرد که کیامت آنکه سوال کرد از وقت  
و نزدیک است عتیمت نماز و ترا این ساعت بعد از آن برخواست  
آنحضرت و نماز و ترا بجای آورد و گفت که چون صبح صدق  
طلع کند این دعا بخواند یا قال الله من حیث لا یری

وَنَحْرِجُهُ مِنْ حَيْثُ ارَى صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
وَأَجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِنَا هَذَا صَلَاحًا وَآوَسَهُ  
فَلَا حِجَابَ بَيْنَ نَجَاحِ رَأْيِكَ كَرَاهِ بْنِ بَابُوهِ فَكَرِ  
سره در کتاب فقیه بسته صحیح که حضرت امام جعفر صادق  
بر کاه صبح و شام کردی و هر یک ده بار بگویی اللهم  
اِنِّی اَسْتَغْفِرُكَ اِنَّهُ مَا اَصْحَبَ بِي مِنْ رَحْمَةٍ وَ  
عَافِيَةٍ فَيَذِرْ اَوْقِيَا فَنُفِكَ وَحَدِّثْ لَا تَشْرِيكَ  
لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى  
تَوْفِي بَعْدَ الرُّفْقِ بِسَبْعِينَ سَبْعِينَ اَمَامِ  
عبد الشکور شد روایت کرده کلینی در کتاب فقهی بسته  
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که چون صبح بشنید  
حضرت امیر المؤمنین عاصفت سبحان الملیک القدوس

صلاح و صلوات بکشد و بگوید  
سبحان و تعالی و غیره  
این حدیث است

و بگوید



سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَوَالِ  
نَجَسِكَ وَمِنْ حَيٍّ يُلْغَا فِيكَ وَمِنْ مُعَاوَةٍ  
تَقْبُحُكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّعَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا  
فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ  
مُلْكَكَ وَبَيْتَكَ وَوَيْلَكَ وَبِعَظَمِ سُلْطَانِكَ  
وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ إِنِّي أَتُصَلِّيُ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَالْحَمْدُ وَإِنْ تَقَلَّبَ فِي كَذَا وَكَذَا وَبَعْدِي  
كَذَا وَكَذَا مطلب خود را که در روایت کرده کلیبی در  
 کتاب کافی بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
 که حضرت معصومه گذشت بر شخصی که درخت می‌شمارد  
 در زمین محوطه خود پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم  
 ایستاد و گفت ای اهل بیت کتم ترا بر تنان در حق

و از آن گفته می‌شود  
 از وقت طلوع صبح

سر

که پس آن ثابت نروید و میوه آن زودتر میوه  
 آن بهتر و باقی نرست آن شخص گفت پس بر او گذشت  
 کن یا رسول الله پس آنحضرت فرمود که چون صبح و شام  
 کنی بگو سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
 قَالَهُ أَجْرٌ سَبْعِينَ مِائَةً وَارْبَعِينَ مِائَةً  
 در بهشت از انواع میوه تا این استیجات با قیامت می‌باشد  
 پس امام محمد باقر علیه السلام فرمود که آن شخص گفت برستی  
 که نزلت خواه میکنیم یا رسول الله که این خود طریقه صدقه است  
 مقبوضه بر فقرا و مسکین و مستحق صدقه باشند پس آن  
 ساخت خدا تعالی آنرا پس از فرمان مجید  
فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاقِعَهُ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنِ فَيسْرُهُ  
لَيْسَ لَهُ یعنی آن کسی که عطا کند و برین و نصیب

صحیح

اهل















و بیان آه در شرح حدیث چهارم از کتاب جیل حدیث  
روایت است بحدیث یعنی رسانیدن آب بر روی  
پوست روزی بر آن دیدم خود در وقت مواجعه یعنی  
رو به رو بودن چنانکه شستن بر آن صادق اید اما می  
گویند روزی در مجلس محاطه دیده شد و تمیز آن و آب  
بکوب و جوشش ظاهر آن پوست و چشمها را کشا در  
وضو در آن کعبه در قبه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله  
فرموده بشاید چشمها را از وضو شایسته چشمها را بنید  
اشش چشم و اگر علی می نادر آن در دستهای وضو  
نکرده اند و بعضی نظر شده که وجه حال آن بشکری شوی  
مدرس تو نقل کرده اجماع را بر آنکه نیست غریب رسانیدن  
آب وضو بر روی چشمها و شیخ شهید قدس سره در کتاب

صبر و استقامت در این راه  
که در این راه است  
و این است که در این راه  
و این است که در این راه

و در این فرموده که منافاتی نیست میان این دو اگر چه  
چنانکه بود که چشمها را گردن سنت با آب بر روی  
کردن بر چشمها از روی غرض شوی از شستن روی  
از آب بر روی و بر دست چنانکه حضرت امام محمد باقر  
فرموده میان وضو و شستن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم  
بشویان دست و شستن از وضو شستن است و در  
چوب بر آن کش و اینها را جبهه رسانیدن آب بر روی وضو  
ظاهر موبسار است و خواه اندک و استیلاک شستن ظاهر  
دست و شستن است باطل بعد از آن بدست راست  
کفی آب بر روی و بان دست چپ را بشوی چنانکه دست  
راست شستنی باید که یکبار از وضو و دستها را یکبار  
کبیا و بشوی از وضو چنانکه مذکور است و اینها را

و این کلام است بحدیث و در دست که  
نابینا که در این راه است  
و این است که در این راه  
و این است که در این راه



در رقبه و منطبق بر کلام و مشرق و منطبق بر المشرق است  
 مسجد بزرگ است و مسجدهای دیگر که در آنجا  
 هم نهاده بودند پیش از این بود که برای آنجا رفته و  
 بیرون نموده از حد و مرز باقی مانده آن تری مسجد  
 های راست را از سرگشتگان تالف یعنی تاندا  
 آنجا که از هم جدا میشوند و از قدم و کافی در مسجد بایست  
 از کعبه این هم در مشرق الشمس و محل المشرق مذکور  
 بعد از مسجد که پشت پای چپ بزرگ است چپ  
 و باید که مسجد سر و قدمها یکدست و سه باب در پشت و سه  
 مکر برای مزونی و باید که دست کشیده شود بر و قدمها  
 و کافی نیست که پشت دست بی کشیدن و باید  
 که قدمهای با مسجد کنی بنام کعبه در هند  
 روایت کرده بسند صحیح از احمد ابن محمد ابن ابی  
 یوسف

در رقبه و منطبق بر کلام و مشرق و منطبق بر المشرق است  
 مسجد بزرگ است و مسجدهای دیگر که در آنجا  
 هم نهاده بودند پیش از این بود که برای آنجا رفته و  
 بیرون نموده از حد و مرز باقی مانده آن تری مسجد  
 های راست را از سرگشتگان تالف یعنی تاندا  
 آنجا که از هم جدا میشوند و از قدم و کافی در مسجد بایست  
 از کعبه این هم در مشرق الشمس و محل المشرق مذکور  
 بعد از مسجد که پشت پای چپ بزرگ است چپ  
 و باید که مسجد سر و قدمها یکدست و سه باب در پشت و سه  
 مکر برای مزونی و باید که دست کشیده شود بر و قدمها  
 و کافی نیست که پشت دست بی کشیدن و باید  
 که قدمهای با مسجد کنی بنام کعبه در هند  
 روایت کرده بسند صحیح از احمد ابن محمد ابن ابی  
 یوسف

سوال دوم از نعمت امام رضا علیه السلام از مسجد بر  
 که چگونه است پس آنحضرت گذاشت گفت دست خود را  
 بر آنکشتن و بگویند مسجد که در آنجا را تا کعبه پس بگویند که مسجد  
 آنکشت از آنکشتن خود مسجد کند اینچنین تا کعبه پس آنحضرت  
 فرموده لا اله الا الله و لا اله الا الله یعنی مسجد تمام نیست مگر کعبه  
 و تمام است باید که افعال منورانی در پی بجای آری  
 بی تاخیر میان آنها با رعایت ترتیب مگر وقتی در مسجد قدمها  
 چنانکه مختار است استناد متقدمین علای و مکتبی و کافی  
 روایت کرده بسند حسن که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 فرموده که مسجد کن بر قدمها و ابتدا کن بجای راست و باید  
 که جوانی نزد من فعل افعال و نمودنهای که مفرات برای  
 آن فعل چنانکه در فضل آئینه مذکور میشود و چون از وضو خارج شود

الحمد لله  
 روی نقد الاسلام و الکاف  
 الحسن بن علی بن فضال  
 علی الطائفت و الاثنین



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

—







این کتاب از کتب معتبره است  
 و در بیان عقاید و احکام  
 دینی و اخلاقی بسیار  
 مفید است و از کتب  
 معتبره است

بطریق کشف طوسی قدس سره در تفسیر آوده  
 و نسخ که پیش از این است و استقامت پدر و والد  
 مبارکش قدس سره است که این نسخه را پیش از این  
 نورالهدی فرید خوانده و از خطی اجازه نوشته خط مبارک  
 برای این **مستقل** به کمال از موقوفات شریف متوجه  
 به مسجد و کتبخانه قدس سره در قم که حضرت امام  
 جعفر صادق علیه السلام فرمود کسی که راهی شود مسجد  
 گذارد یا بر هیچ تری و در هیچ حاکمی مگر آنکه شایسته  
 برای او این تارین عفت و چون خواهی که مسجد روی  
 وقت بیرون رفتن از خانه بگوید اللهم الله الذي خلقني  
 فهو يهديني والذي هو يطعني ويسعني  
 واذا امرت فهو يسعني والذي يهديني

وین

فقدر و به جمال السالكين و كتاب  
 هذه الداعية عن المصداق له من  
 توفيقا ثم خرج الى المسجد فقال  
 من يخرج من بيته باسم الله الذي  
 خلقني فهو يهديني هذا الله الذي  
 الصواب والايان ما اذا قال  
 والله يهديني ويسعني الله  
 من طعام الجنة وسقاه من  
 واذا قال واذا امرت فهو يسعني  
 جعل الله ذلك كفارة لذنوبه  
 اذا قال والذي يهديني ويسعني الله  
 ميتا للهدى واجبا حيا  
 واذا قال والذي يهديني ويسعني الله  
 خطيئة الاثم الذي عفا الله  
 كل خطاة وان كان اكثر من ذلك  
 واذا قال والذي يهديني ويسعني الله  
 والحقني بالصالحين وهدى الله  
 حكاياهم والحقهم بصالحهم  
 وصلى الله عليه واذا قال واخبرني الله  
 اني انا صديق في الاجرة كتب الله  
 ربي ثوابه ايضا ان فلان ابن فلان  
 فلان بن فلان والسادق واذ قال

والذي اطعم ان يعطى في طريقي يوم الدين رب  
 هب لي حكايا والحقني بالصالحين واجعل لي  
 صديقا في الآخرة واجعلني من رتبة الجنة  
 واعف عني لاني اكره حال السالكين وكتاب عدة  
 كبري من الله عليه السلام فرموده که کسی  
 بیرون رود بجا این سبب و در محل بیرون رفتن از خانه بگوید  
 اللهم الله الذي خلقني فهو يهديني والذي هو يطعني ويسعني  
 او را بمواهب ایمان و چون بگوید والذي يهديني ويسعني  
 بخواند خداوند او را از انظارهای بهشت و پادشاه او را از  
 شرب بهشت و چون بگوید واذا امرت فهو يسعني  
 بگوید خداوند این کفایت کند آن و چون بگوید والذي  
 يهديني فهو يهديني بگوید خداوند این را و او را در سعادت و هدایت

این کتاب از کتب معتبره است  
 و در بیان عقاید و احکام  
 دینی و اخلاقی بسیار  
 مفید است و از کتب  
 معتبره است





[illegible]

وَأَمَّا دُرٌّ فَإِنَّهُ مِنْهُمُ  
الْحَدِيثُ  
رَوَى فِيهِ الثَّعْلَبِيُّ  
عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
كَأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا  
ذَكَرَهُ ذَكَرَهُ وَنَسِيَ مَدْرِي  
إِذَا نَسِيَ مَدْرِي

















بعد از کبریا کرمه الله فرمادت الملك الحق لا اله  
الا انت سبحانك اني ظلمت نفسي فاغفر لي  
انه لا يغفر الذنوب الا انت وبعد از کبریا  
لبيك وسعديك والخير في يديك والشر  
لبيك اليك والمهدي من هديت لا ملجأ  
منك الا اليك سبحانك وخاتمت كتابك  
وتعالت سبحانك رب البيت وبعد از کبریا  
همه خوانده کبریا الاحرام بانه <sup>و</sup>وحيث وجهي للذي  
قطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة  
حنيفا مسلما واما امن المشرکين ان صلوا  
وسئلي ونحياي ومآي بيد رب العالمين  
لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين

و در

و در دو اسبند ذکر چنین است وحيث وجهي للذي  
قطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة  
ودين محمد ونباح علي حنفا مسلما واما  
اما من المشرکين تا اخري اضافه عالم الغيب  
والشهادة و بعد از اين <sup>و</sup>فما هو اعوذ بالله من الشيطان  
الرجيم يا اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان  
الرجيم و کيفي استفاده نزول ابي <sup>و</sup>ما يخص مصدق  
اول و آيه بركت و بعد از ان الحمد لله ان لم ينالني  
يعني نه تندي و نه ميل کن يعني جهان بخوان که همه <sup>هفت</sup> الف  
توان شمر يا حضور دل و بخاطر که را بدين معنيها و وصف  
کن بر هر وقفي و بعد از الحمد را که شود بقدر کيفي و بعد از ان  
سوره خوان يا سورة فاشبهه يا سورة لا اسم يوم القيمة



یا سوره و میرا سوره دیگر که بقدر با شما باشد چنانکه شیخ طوسی  
 حدیثش میفرماید و اینست که در تفسیر بسند صحیح از حضرت امام  
 جعفر صادق علیه السلام میفرماید که هر که در روز شنبه بخواند  
 بعد از آنکه الله اکبر بگوید دستها را برداشته برابر گوشها بگذارد  
 که فرشته و قهرمانان را که در آن روز است بر او ایستاد  
 بگذارد پیش از گذشتن در سجده را زانو را بپوشد و گفتن  
 دستها را بر زمین از زانو تا به پشتها و گردن را از او جدا نکند و بگوید  
 اللهم انت و اولوئنا و الحیاء عقیبتکم و اینست که الله اکبر  
 و گردن را از زمین و پیشنها نگاه میان قدمها کند و بگوید  
 الله الا سلام رواست کرده و در کافیه بسند صحیح از حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام اللهم و کت و لک  
اسئلت و یکت و عقیبتک و کت و لک

کلین فی العبادات  
 الفخری کذا لک یوحیای  
 الفخری کذا لک

شیخ

ختم لک تعی و تعری و تعری و تعری و تعری و تعری  
و تعری و تعری و تعری و تعری و تعری و تعری  
 قد ما ی غیر مستحکم و لا مستحکم و لا مستحکم  
 پس بگوید سبحان رب العظیم و سبحان رب العظیم  
 یا سوره بعد از این رواست که هر که بگوید سبحان الله یکن  
 بعد از این الله اکبر بگوید پس سجده و روضه و خشوع  
 و بر زمین گذاردن کفها و دستها پیش از زانو تا دستها را از  
 سجده از زمین دور کند چنانکه مرغ بالی کشاده و کفها را بپوشد  
 و انگشت را بهم که داشته بر زمین گذارد برابر سر و پای و گوش  
 و روحان سجده کند که هیچ عضوی از بدن نوبر عضو دیگر نباشد  
 و میانها را بر زمین گذارد و میگوید سبحان رب العظیم و تعری و تعری  
 امام حسین علیه السلام است و معنی را بر فراغ گذارد و نگاه کند







لَبَّيْكَ يَا إِلَهَ وَخَيْرَ الْأَسْمَاءِ وَبِهِ اسْتَمَدْنَا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاسْتَمَدْنَا مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ  
 أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا لِّبَنِي السَّاعَةِ  
 وَاسْتَمَدْنَا أَنْ رَبَّنَا نِعْمَ الرَّبُّ قَدْ مَحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُولُ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ  
 فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ بَعْدَ زَانِ دُونَ بَارِئِ بَارِكُوا  
 الْحَمْدُ لَهُ وَأَنَا نَحْنُ أَجْمَعُونَ شَاهِدِينَ وَصُلُوبًا سَافِرِينَ  
 صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بَعْدَ أَنْ يَقْصِدُوا رُفُقَ الزَّمَانِ بِكَوْنِ السَّلَامِ  
 عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتُضَدُّكَ أَنْبَاءُ  
 أَيْمَةٍ وَحَقَّقُوا أَوْشَاكَ كُنْ مَبْنُوعٌ حَسْبُكَ رَأْسُكَ بِهَلْوَى  
**فصل** چون از نماز فارغ شوی شروع کن در تعقیب و تهنیت

معنی

معنی هرگاه فارغ شدی از نماز اجبی پس دست بپوش و  
 بر درگاه خود درخت کن دعا بخوان که کن که او بنوعی  
 از این گروه پنج طوس و نوس و در تهنیت پسند حج که  
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده تعقیب و تهنیت  
 در طلب رزق از نزد در شهر را و مراد تعقیب دعاست در حاجت  
 عیب نماز و هم در تهنیت پسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام  
 فرموده اند دعا در عقب نماز و اجبی افضل از دعا در عقب  
 نماز سنتی مثل فضیلت نماز و اجبی بر نماز سنتی و رواست کرده  
 تقوی السلام در کافی پسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام  
 فرموده دعا بعد از نماز افضل از نماز سنتی و رواست از  
 ائمه علیهم السلام و در این باب بسیار است و افضل تعقیبها پنج  
 نماز و در آعلیها السلام است رواست کرده در تهنیت پسند حج

روایت کرده





وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ  
 قَدْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ  
 قَدْ تَوَلَّى إِلَهُ الْعَالَمِينَ عِندَكَ وَأَنْفَسُ  
 عَلَى مَنْ قَضَيْتَ وَأَنْشُرَ عَلَى مَنْ جِئْتَ وَأَنْزَلَ  
 عَلَى مَنْ بَرَكْتَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا غُفْرَ  
 ذُنُوبِي كُلِّهَا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ  
 كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ  
 أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ  
 عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا  
 كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ  
 وَأَعُوذُ بِجَهَنَّمَ الْكُورِ وَعَذَابِكَ الَّتِي لَا تَزَالُ  
 تَذَرُكَ الَّتِي لَا يَنْتَعِجُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا بِإِذْنِكَ

وَمِنْ شَرِّ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَكَلَّمَ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَدِيدُ  
 فِيهِ الَّذِي لَا يَخْلَدُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَكُنْ لَكَ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ  
 وَلَا يَكُنْ لَكَ وَكِيلٌ مِنَ الدِّينِ وَكَبِيرٌ فِي كِبَرِ  
 عِزِّكَ أَنْ تَسْجُدَ لَهُ كُلُّ مَنْ عَدَاكَ إِلَّا مَا يَشَاءُ اللَّهُ  
 وَمَنْ يَشَاءُ اللَّهُ فَيَنْصَبْ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ  
 لَدُنْهُ الْمُلْكَ وَلَهُ الْحُكْمُ يَوْمَ تَبْيَضُّ وَتَسْوَدُّ  
 الْحُجُورُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ بَارِكُوا بِهِمْ  
 صَبَّحَ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَيَجْنِي وَلَا  
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَمَنْ يَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ  
 وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَمَنْ يَكُونُ  
 اسْتَغْفَرَ اللَّهَ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ وَمَنْ يَكُونُ اسْتَغْفَرَ بِاللَّهِ

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ  
 قَدْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ  
 قَدْ تَوَلَّى إِلَهُ الْعَالَمِينَ عِندَكَ وَأَنْفَسُ  
 عَلَى مَنْ قَضَيْتَ وَأَنْشُرَ عَلَى مَنْ جِئْتَ وَأَنْزَلَ  
 عَلَى مَنْ بَرَكْتَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا غُفْرَ  
 ذُنُوبِي كُلِّهَا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ  
 كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ  
 أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ  
 عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا  
 كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ  
 وَأَعُوذُ بِجَهَنَّمَ الْكُورِ وَعَذَابِكَ الَّتِي لَا تَزَالُ  
 تَذَرُكَ الَّتِي لَا يَنْتَعِجُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا بِإِذْنِكَ



وَأَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ وَصِدْقَ اللَّهِ صَلى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ عَجَلِ فِي حُجَّتِهِ وَدَعَا بِأَشْهَادِ الْإِلَهِ  
إِلَّا اللَّهَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْهَؤُلَاءِ أَحَدًا  
وَقَدْ أَصَدَّكَ لَمْ يَجِدْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَسَيَّارَ  
سُحُبَانِ أَهْلِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ  
 وفضل است که ذکر را و تسبیح را تسبیح از خاک امام حسین  
 بشود رواست کرده در تذهیب سند صحیح که حضرت صاحب الامر  
 صلوات الله علیه فرمود که نسبت امام حسین علیه السلام افضل  
 جز نیست که تسبیح را بان حفظ کند و بدرستی که تسبیح کند  
 فراموشش کند تسبیح گفتند و او تسبیح خاک امام حسین  
 درست بگرداند پس نوشته شود آن تسبیح برای او یعنی نواب  
 آن تسبیح که فراموش کرده بعد از آن بگوید این مخصوص است صحیح

بِاسْمِكَ الْقُدُّوسِ وَالْإِبْرَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى عِلِّيِّهِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ صَلِّ  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بِمَدَائِدِ مَدَائِدِي وَهَبْ  
 مِن لَدُنْكَ رَحْمَةً لِّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَعُوْذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ فَضْلِكَ وَخَوَالِ عِلِّيَّتِكَ وَمِنْ  
 تَجَاوُزِ غَفْلَتِكَ وَمِنْ تَقْصُرِ الشِّقَاةِ وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ  
 فِي الْكِتَابِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزِّ مَلِكِكَ  
 عَظِيمِ سُلْطَانِكَ وَشِدَّةِ قُوَّتِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ  
أَنْ تَقْصِيَ عَنِّي مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْصِيَ عَنِّي كَلَامًا  
 مطلبی در ذکر کند بجای کذا و کذا و بعد از آن بگوید اَعِيْذُ  
نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَلَدَيَّ وَأَخَوَانِي وَمَا رَزَقْتَنِي  
رَبِّي وَجَمِيعَ مَخْلُوقَاتِكَ مِنْ بَإِثْنِ الْأَحَدِ الصِّدِّيقِ

الله

لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَيَبِى <sup>الْعَالَمِينَ</sup>  
 وَمِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ بَاخْرُسُورَ وَبَسْبَسَ النَّاسَ فَوَلَدَ وَجَوَانُ  
 الْحَمْدِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ يَا مَنْ فِيهَا خَالِدٌ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ لَا  
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ طَائِعَاتٌ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ  
 إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ مِلَّةُ الْإِسْلَامِ وَإِنَّ  
 الْمَلِكَ قُلُوبَهُمْ مَالِكُ الْمَلِكِ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ لَا يَشَاءُ  
 وَتَنْتَعِ الْمَلِكُ مِنْ شَيْءٍ وَيَغْرُومُ مَنْ شَاءَ وَيَقُولُ  
 مَنْ شَاءَ يُبَدِّلْ الْخَيْرَ لَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُدَبِّرٌ  
 وَمُخَرِّجُ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَمُخَرِّجُ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَ  
 مُخَرِّجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخَرِّجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ وَتَرَى  
 مَنْ شَاءَ يُبَدِّلُ حَيَاتٍ وَآيَةَ الْخُسُوفِ إِنَّ  
 دَعَاكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ

أَيَّامٍ فَرَأَسُوهُ عَلَى الْعَرْشِ بِقِيَمَةِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
 يُطْلَبُ بِهِ حَقْنُ النَّفْسِ وَالْقَبْرِ وَالْجَوْمِ وَمُخَرِّجُ  
 الْبَاسِ مِنَ الْأَكْلِ وَالْخَلْقِ وَالْأَكْمَرِ بَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ  
 أَدْعُوا رَبَّكُمْ خَوْفًا وَخُضُوعًا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُنْكَرَ  
 وَلَا الْفُسْطَ وَأَفِي الْأَرْضِ مُبَدِّلًا لَهَا وَتَدْعُوهُ  
 خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ  
 قُلْ لَوْ كَانَ الْجَبَرُ مُدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ  
 الْعَجْرُ قَوْلَهُ أَنْ يَقْدِرَ كَمَا تَدْعِي وَكُلُّ شَيْءٍ مُبْدِلٌ  
 قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ  
 وَاحِدٌ مَنْ كَانَ بِرَجَاءِ الْفَارِغِ رَبِّي فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا  
 وَلَا يُبْشِرْكُمْ بِعِبَادَةٍ وَبِهِ أَحَدًا وَأُولَئِكَ نَسَاكَ  
 فِي رَأْيِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وَالصَّافَاتِ صَفًا قَالُوا نَحْنُ رُحَمَاءُ النَّاسِ  
 ذَكَرْنَا إِنَّ اللَّهَ لَوَاحِدٌ رُبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 وَمَا جِئْنَاكَ إِلَّا بَشَارَاتٍ مِمَّا يَدْعِيكَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ  
 بِرَبِّكَ الْكُوكِبُ حَقِيقًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ  
 مَا يَدْعُو لَا تَسْمَعُونَ إِلَّا الْمَلَأَ الْأَعْلَى وَيَقْدَعُونَ  
 مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِ فَاطِمَةَ الْأَمْرِ  
 مَنْ خَطَمُوا الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعُوا شِيبَاتٍ ثَائِفَةً وَزَارِعَةً  
 ضَامَاتٍ سِجَانٍ رَبِّكَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ  
 وَمَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
 وَسُبْحَانَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مُنِيرَ الْحَقِّ وَالْأَشْرَافِ  
 أَنْ تَقْدِرَ وَأَنْ تَقْطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْقَدِ  
 لَا تَقْدِرُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَيَا أَيُّهَا الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ

حِينَ  
 مَرَّ

بِرَسُولٍ عَلَى الْأَرْضِ الْأَعْيُنُ نَارٍ وَخُفَّاسٍ فَلَا تَحْقِرَنَّ  
 وَجْهًا مِنْ رَأْسِهِمْ سِوَهُ جِئْنَاكَ بِكِتَابٍ فَاحْذَرِ  
 جَبَلٍ لَرَأَيْنَهُ خَائِفًا مَصْدِقًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ  
 وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِقُرَيْشٍ لَلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ  
 هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ  
 هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
 الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ أَسْلَامُ الْمُؤْمِنِينَ الْمُهَيَّمُ الْعَزِيزُ  
 الْحَبِيدُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ  
 الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى  
 يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
 الْحَكِيمُ هُوَ الَّذِي يُولِّدُ الْحَيَاةَ وَيُمِيتُهَا  
 ثُمَّ يُعِيدُهَا لِيُخَبِّرَ عَنْ أَعْمَالِهِمْ



الْمَكُونِ الْخَزُونِ الطَّهْرِ الطَّاهِرِ الْبَارِكِ  
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ  
الْقَدِيمِ يَا وَهَّابَ الْعَطَا يَا بَاطِنَ الْإِنْسَانِ  
يَا مُكَالَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ يَفْضَلَ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقَرَّبَ قَبِيَّ مِنَ النَّارِ  
وَأَنْ تَخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ  
سَالِمًا وَأَنْ تَجْعَلَ عَاقِبَتِي وَأَهْلَ مَالِحَاتِي وَأَوْفَكَ  
نَجَاهًا وَأَخِي صَلَاحًا إِنَّكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ  
وَأَنْ تَهْدِيَنِي صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ  
وَأَنْ تَكُونُ لِي شَهِيدًا وَأَشْهَدَ مَلَائِكَتُكَ الْمُحْسِنِينَ  
وَجَلَّةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَوَاتِكَ وَأَنْ تَقَرَّبَ  
وَأَنْ تَقَرَّبَ وَتُرْسَلَكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ

وَجَمِيعَ خَلْقِكَ فَاسْأَلُكَ وَكُنْ لِي شَهِيدًا  
إِنْ أَتَيْتُكَ أَلَيْتُكَ اللَّهُ وَخَدَّكَ لِأَسْأَلُكَ لَكَ  
وَأَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَكَوْنُ  
وَأَنْ كُلَّ مَحْبُوبٍ يُمَادِدُنْ عَرْشَكَ إِلَى قَوْلِ إِيَّاهُ  
السَّائِبَةِ السُّفْلَى بِالْإِطْلَاقِ مُفْجِلِ مَاءِ عَذَابِكَ  
الْكُرْبَى كَارِيَةً أَعَزُّ وَأَكْرَمُ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ  
الْوَاقِعُونَ كُنْ جَلِيلٌ وَتَهْدِي الْقُلُوبَ إِلَى كُنْ  
عَظَمَتِهِ يَا مَنْ لَوْ أَنَّ مَدَحَ الْمَلَائِكَةِ خَرَجَ مِنْهُ  
وَعَدَا وَمَعَالِيقُ الْمَافِيهِ مَا تَزِيدُ وَجَلَّ عَنْ مَقَالَةٍ  
الْمُطْلَعِينَ عَظِيمِ شَانِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
يَا مَالِكُ أَهْلِ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ الْبَقَرَةِ  
سُجَّانَ أَهْلِ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ الْبَقَرَةِ



وَكَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَانَ يَنْبَغِي لِكُورِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَ  
الْحَمْدُ لَهُ كُلُّ حَيْدٍ أَهْلُهُ سُبْحَانَكَ وَكَانَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ  
وَكَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَانَ يَنْبَغِي لَكَ كُورِ وَجْهِهِ وَعِزِّ  
جَلَالِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ مَا حَلَّلَ اللَّهُ شَيْئًا وَ  
كَانَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ يَحْلُلَ وَكَانَ هُوَ أَهْلُهُ وَكَانَ يَنْبَغِي  
لَكَ كُورِ وَجْهِهِ وَأَمَّا أَكْبَرُ كُلِّ مَا أَكْبَرُ اللَّهُ سُبْحَانَكَ  
وَكَانَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ يَكْبُرَ وَكَانَ هُوَ أَهْلُهُ  
وَكَانَ يَنْبَغِي لَكَ كُورِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ سُبْحَانَكَ اللَّهُ  
وَالْحَمْدُ لَهُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَمَّا أَكْبَرُ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ نِعْمَ بِنَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ  
مِنْ كَلَامٍ وَكَوْنُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ

وَعِزِّ جَلَالِهِ

خَيْرَ مَا أَنْجَا وَخَيْرَ مَا لَا أَنْجُو وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ  
مَا لَمْ تَدْرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْفَظُ وَإِنْ دَعَاكَ إِنْ وَابِنَ  
وَرِثَانُكَ إِنْ لَيْسَ إِلَّا خَيْرُ الْأَسْمَاءِ يُسَمُّهُ  
رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يُسَمُّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ  
سَمَّوْنَهُ وَآدَامُ يُسَمُّهُ اسْمُكَ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ يُسَمُّهُ  
عَلَى نَفْسِي يُسَمُّهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِي وَعَقْلِي يُسَمُّهُ اللَّهُ  
عَلَى أَهْلِ وَمَالِي يُسَمُّهُ اللَّهُ عَلَى مَا أَعْطَانِي رَبِّي  
يُسَمُّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ  
وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُ اللَّهُ  
رَبِّ حَقًّا لَا شَرِيكَ لَهُ شَيْئًا اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ  
أَعَزُّ وَأَجَلُّ مَا خَافْتُ وَأَحْذَرْتُ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ  
شَاءُكَ وَهَدَّ سَتَ سَمَاوَاتِكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ

اِنِّ اعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ  
 مُشَلِّحٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سَيْطَانٍ مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ  
 جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ قَهْرَاءِ السَّوءِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَائٍ  
 اَنْتَ اَحَدُ يَا صِدِّيقُ اِنَّكَ عَلَيَّ اِلَهٌ مُسْتَعِيْنٌ وَاَنْتَ  
 عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ حَافِظٌ اِنْ وَلِيَّيْ اِلَهَ الَّذِي تَرَكْتُ  
 الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ فَاِنْ تَوَلَّوْا  
 فَقُلْ حَسْبِيَ اِلَهَ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ  
 وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَسَبِّحْ كُفَيْبُكُمْ اَللهُ وَهُوَ  
 السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَالْحَوْلُ وَالْاَوْفُ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ  
 الْعَظِيمِ وَصَلَّى اَللهُ عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ  
 اِنْ دَعَاكُمْ مَحْضُوْسَتِيْجَ يَنْتَمِ اِلَيْهِ وَصَلَّى اَللهُ عَلٰى  
 مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَوْفُضْ اَمْرِيْ اِلَى اِلَهٍ اِنَّ اَللهَ يُجَبِّرُ

بِالْعِبَادِ قُوَّةُ اَللهُ سُبْحَانَ مَا مَكَرَ وَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ  
 سُبْحَانَكَ يَا كَسْبُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاَسْتَجِيْبُ اِلَيْكَ  
 وَبِحَبِيْبِهِ مِنَ النِّعَمِ وَكَذَلِكَ يُجِيْبُ الْمُؤْمِنُونَ حَسْبَ اَللهِ  
 وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ مَا تَقْلِبُوْا نِعْمَةً مِنْ اَللهِ وَتُفْضِلْ لَمْ  
 يُمْسِكْهُمْ سُوءَ مَا شَاءَ اَللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا  
 بِاَللهِ مَا شَاءَ اَللهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اَللهُ وَ  
 اِنْ كُنَّ النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوْبِيْنَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ  
 مِنَ الْمَخْلُوْقِيْنَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوْقِيْنَ  
 الَّذِي لَمْ يَكُنْ حَسْبِيَ حَسْبِيْ مَنْ كَانَ مِنْ حَسْبِيْ  
 حَسْبِيَ اَللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ  
 الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اِنَّ اَللهُمَّ اَنْجِ ظَلَمِيْ مُسْتَجِيْرًا اَعِيْزًا  
 وَاصْبِرْ ذُنُوْبِيْ مُسْتَجِيْرًا بِمَغْفِرَتِكَ وَاصْبِرْ خَوْفِيْ



سُبْحَانَكَ يَا مَلِكُ وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ  
وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ  
وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ  
وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ  
وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ  
وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ  
وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ  
وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ وَأَسْجِدُكَ يَا قُدُّوسُ

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي خلقنا من نور  
وخلقنا من نور وخلقنا من نور  
وخلقنا من نور وخلقنا من نور  
وخلقنا من نور وخلقنا من نور  
وخلقنا من نور وخلقنا من نور  
وخلقنا من نور وخلقنا من نور  
وخلقنا من نور وخلقنا من نور

أنت تفعلي في كل كربة وأنت رجا في كل  
شدة وأنت في كل أمر تزل في قوة  
وقد عرفت في ذنوبي كل ما واكشف في  
فروخ في اللهم اغفر لي عجل اليك عن حرامك  
وبفضلك عن سيئالك من أصبحك اللهم  
معتصما بيد مالك المنيع الذي لا تحاول  
ولا يطاول من شر كل عاصم وطارد من سائر  
ما خلقت من خلقك الصامتين والناظرين  
جنه من كل خوف ليلتين ساعيتين ولاه أهل  
بيت نبيك محمد صلواتك عليهم وعليهم أجمعين  
مخجبا من كل ناصب في ذنبي محمد ورحمته  
الخلاص في الاعتراف بحقيقتهم والتسك

بِحَبْلِهِمْ مَوْفِقًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَفِيهِمْ وَمِنْهُمْ  
أُولَئِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَالْعَالَمِينَ مِنْ جَانِبِ قَسْرِ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَعِزَّنِي اللَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ  
مَا أَنْتَقِبُهُ بِأَعْيُنِهِمْ حَرَّتِ الْأَعْدَى عَنِّي سَبِيح  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ  
سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ  
لَا يُصِيرُونَ بِرُكُوبِهِمْ مَنْصُوسَةً بِصُحْبِ مُحَمَّدٍ  
الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ بِقَبْلِهِمْ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ  
بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا وَعَنْ فِي عَائِدَةٍ بِمَنْدُوحَةٍ  
وَكُومِهِمْ رَجَاءً بِالْحَاوِظِينَ وَتَوَجُّهُنَّ بِأَسْتَبْرَافِهِ  
وَحَبَابًا كَمَا اللَّهُ مِنْ كَاتِبِينَ وَمَوْجُودِي سَبِيحٍ وَكَوْنِ  
أَكْبَارُ حِكْمًا اللَّهُ يُسَمِّى اللَّهُ أَشْهُدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

وَحَدَّثَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ  
رَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا  
وَأَنَّ اللَّهَ يَجْعَلُ مِنَ الْغُيُورِ عَلَى ذَلِكَ أَخِي وَعَلَيْهِ  
أَمْرٌ وَعَلَيْهِ أَمْرٌ أَنْشَاءَ اللَّهُ إِقْرَأَ مُحَمَّدٌ أَصْلًا  
عَلَيْهِ وَالْأَمْرُ فِي السَّلَامَةِ بِرُكُوبِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْهَارِ إِذَا تَحَلَّى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ إِذَا سَبَّحَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِمَا لَاحِ  
الْحَبْلِيلَانِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا لَطَرُوا الْخَافِظَا  
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا حَذَى الْحَاوِظِينَ وَصَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا عَسَسَ لَيْلٍ وَمَا دَلَّهْمُ  
ظِلَامٌ وَمَا تَقَسَّ صَبْحٌ وَمَا أَضَاءَ نَجْمٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ



مُحَمَّدًا خَطِيبًا وَقَدْ اٰمَنَ بِكَ وَالْمَكْسُو  
 حَلَّ الْاَمَانَةِ اِذَا وَقَعْتَن بِلَدَيْكَ وَالنَّاطِقُ اِذَا  
 خَرَسَ لَا اَسْرَ بِالنَّشَاءِ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَعْلِيْ  
 شَرِّ لَيْلَةٍ وَاَرْفَعُ دَرَجَتِهِ وَاَقْلِبْ حُجَّتَهُ وَتَقَبَّلْ شَعَائِهِ  
 وَاجْعَلْهُ لِمَعْلَمِ الْحَمْدِ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَاغْفِرْ لَهُ  
 مَا اَحْدَثَ الْحَدِيثُ نُوْنٌ مِنْ اَسْمِهِ عَبْدُ اَللّٰهِ  
 اِنِّيْ اَسْتَلِكُ مَوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعِزَّ اَمْرِ مَغْفِرَتِكَ  
 وَالْغَنِيَّةِ مِنْ كُلِّ دَرَجَةِ السَّلَامَةِ مِنْ كُلِّ اَمٍّ وَاَسْتَلِكُ  
 الْعَوْدَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِيْ فِيْ صَلَواتِكَ وَدُعَائِيْ بَرَكَةً  
 مَّظْهُرَةً بِأَقْلَبِيْ وَنُوْنٌ مِنْ بَارُوْنِيْ وَكَشْفٌ بِأَكْفِيْ  
 وَتَغْفِرُ بِأَذْنِيْ وَتُصَلِّحُ بِهَا اَمْرِيْ وَتُعْجِلُ بِهَا فُقْرِيْ

وَمُتَّ

وَتَغْفِرُ بِهَا اَمْرِيْ وَتُصَلِّحُ بِهَا فُقْرِيْ  
 عَمِّيْ وَتُسْقِيْ بِهَا سَقْيِيْ وَتُوْمِنُ بِهَا حَوْفِيْ وَتُجَلِّوْ  
 بِهَا حَزْنِيْ وَتَقْضِيْ بِهَا دِيْنِيْ وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِيْ  
 وَتُبْرِئُ بِهَا وَجْهِيْ وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ حَبْرًا لِيْ  
 مَبْدُوْنًا بِكُوْنِ اَللّٰهُمَّ وَلِيْحِمِيْ لِحْمَالِ الْاِيْمَانِ وَتِلْكَ  
 لَا يَقْبَلُهَا اِلَّا اَنْتَ يَا كَرِيْمُ اَللّٰهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ  
 شَانِكَ مَا ارَدْتَنِيْ بِرَمِيْنِ ذِكْرِكَ وَالْحَمْدُ لَكَ مِنْ  
 شُكْرِكَ وَدُعَائِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَانِكَ الْاِيْمَانُ لِيْ  
 فِيْمَا دَعَوْتُكَ وَالنَّجَاةُ فِيْمَا فَرَعْتُ الْيَكْسُ مِنْ قَائِلِهِ  
 اَكُنْ اَهْلًا اَنْ اَلْبُحْرُ رَحْمَتِكَ اَهْلًا اَنْ تَبْلُغَنِيْ  
 لِسْعَتِيْ لَا تَمُوتْ وَتَمِيتْ كُلَّ شَيْءٍ وَاَنَا شَيْءٌ مُلْتَصِقٌ  
 بِرَحْمَتِكَ يَا مَوْلَايْ اِنْ دَعَا اِلَاحُ اَنْ يَكْبُرَ وَالْكَرْبُ يَنْبَادُ

اِنِّيْ اَدْعُوْكَ لَهُمْ لَا يَفِرُّ  
 عَنْكَ سَمٌّ

يَا رَحْمَتَكَ

هذه نسخة من  
 كتاب الامامة  
 في حق ائمة الهدى  
 عليهم السلام  
 من كتب  
 الامام  
 الحسن  
 عليه السلام  
 في سنة  
 ١٠٠٠  
 هـ

اوان ايمانك كركركم يس الهى ان ذنوبى وكفرى  
 قد عرفت وحق عندك وحقنى عن استبدال  
 رحمتك واعدتني عن استغفار مغفرتك وكلا  
 تعلقت بالآلات ومسكت بالرجاء لما وعدت استا  
 من المشرقيين واستباحني من الخاطئين حق لك  
 يا عبادي الذين اسروا على انفسهم لا تقظوا  
 من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو  
 العفو الرحيم وحدثت الفاطميين من رحمتك  
 فقلت ومن يقبض من رحمة وفيه الا الصالحون  
 فرددت بنا برحمتك الى دعايتك فقلت اعوذ في  
 استغيب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتي  
 سيدخلون جهنم داخرين الهى لقد كان ذن

ركنين

الالباس على مشقة القنوط من رحمتك في  
 ملحقا الهى قد وعدت المحسن بكنهيك وانا  
 واوعدت المسي بكنهيك عفايا اللهم وقد  
 اسبل دمعى حسن الظن بك في عيني وفتني  
 من التار واعدت لكى وانا لى عرفت وقلت و  
 قولك الحق الذي لا خلف فيه ولا استبدك يوم  
 تدعو اكل الناس يا مائيم الله اعرف انى واشهد  
 واعترف ولا اجد واسر واظهر واعلن و  
 ادجن بانك استأثرت الذي لا اله الا انت وحدك  
 لا شريك لك وان محمدا عبدك ورسولك  
 وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين و  
 وارث علي النبئين وقائل المشرقيين وامام



وَجَاهِدِ الشَّاكِرِينَ وَالْفَاسِقِينَ وَالْمَارِئِينَ  
إِمَامِي وَنَجِّني وَبِرَّاطِي وَدَلِيلِي وَنَجِّني وَمَنْ  
لَا أُوِيَّ إِلَّا عَمَالِي وَإِنْ زَكَّ وَلَا أَرَاهَا  
مُجِئَةً وَإِنْ مَلَكْتُ إِلَّا بَوْلَانِي وَالْإِنَّمَامِ  
يَوْمَ الْآخِرَةِ بِفَضْلِ اللَّهِ وَالْمَقْبُولِ مِنْ حَلَمَتِهَا  
السَّلَامُ لِرُؤُسِهَا اللَّهُمَّ وَاقِرُ بَابِ صِيَامِي مِنْ  
أَسْأَلِيهِ أَمْرًا وَنَجَّيَا وَارْتَلَةً وَرُجَا وَأَعْلَامًا  
وَمُسَارًا وَسَادَةً أَمْرًا وَادْرِي بِسِرِّهِمْ وَنَجِّني  
وَبَاطِنِي وَخَبْرِي وَمُسْتَقِيمِي وَشَاهِدِيهِمْ وَعَالَمِي  
لَا تُشْكَ وَذَلِكَ لَا يَنْبَغُ وَلَا يَحُولُ عَنْهُ وَلَا  
أَفْضَلُكَ اللَّهُمَّ فَادْعِي يَوْمَ حَرْبِي وَنَجِّني  
بِأَسْمَائِهِمْ وَاحْشُرِي فِي دُرَرِهِمْ وَأَكْبِرِي فِي أَصْحَابِهِمْ

وَقَدْ نَجَّيْتَهُمْ

وَقَدْ نَجَّيْتَهُمْ

وَأَقْبَلِيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ وَادْعِي يَوْمَ حَرْبِي  
هَذَا الْفَقْرَ لِي وَلَا مَعْرُوفَ وَلَا مَلْجَأَ غَيْرَ مِنْ دَوْلَتِكَ  
يَوْمَ الْمَلِكِ مِنْ آلِ سُلُوكِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ  
وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ  
وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ  
اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ حِصْنِي مِنَ الْعُكَاكِيلِ وَمَعْقِلِي مِنَ  
الْعَاوِفِ وَنَجِّني بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ طَائِفٍ وَفَاسِقٍ بَاطِنٍ  
وَمِنْ خَيْرِ مَا أَعْرِفُ وَمَا أُنْكِرُ وَمَا أَسْتَرْ عَلَى قَوْمِ الْبَرِّ  
وَمِنْ سِرِّ كُلِّ دَائِرَةٍ رَبِّي أَحْذِ يَا صَبِيحَتَا إِنَّ دَعْوِي عَلَى  
مِرَاطِ سَتَقِيمِ اللَّهُمَّ يُوسِّطِي إِلَيْكَ بِهِمْ وَتَقَرَّبِي  
بِحَبِّهِمْ افْتَحْ عَلَيَّ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَخِصِّي

إلى خلقك وجنتي عدا ونعمهم ونعمهم إنك على  
كل شيء قدير اللهم ولكل من أرسل نوابك لكل  
ذي شفاعه عني فاسئلك من جعلهم اليك  
سبي وقد منهم إمام طليعي أن تفرني بركة  
يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم  
فهم معوني في شدي ورعائي وعافني وبلائي  
ويومي ويوطئي وطلعتي وإقامتي وعسرتي  
يسري ومباحي ومساقي ومنقلي ومنواي  
اللهم ولا تخلي بيني وبينهم ولا تخينني  
بهم من نائك ولا تقطع رجائي من رحمتك  
ولا تقبطني بإغلاق أبواب الأرزاق وإسداد  
مسالكها وإدراج مداخلها وافتح لي من لك

نقائسها واجعل لي من كل شئ عرجا وإلى كل  
سنة مسجها برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم  
الليل والنهار تحلفين علي برحمتك ونعمائك  
ونيك ونفلك ولا تقهرني إلى أحد من خلقك  
برحمتك يا أرحم الراحمين إنك على كل شيء قدير  
ويكفي من محبط اللهم إني أسئلك يا مديرك  
الهادين والملك الحافين والبرص المستعفين  
والغائب المستعفين واليهي غايبة السالين  
والعجب دعوى المستعفين يا أرحم الراحمين بالله  
يا رباه يا عزيز يا حكيم يا غفور يا رحيم يا ذا الجلال والإكرام  
يا سميع يا بصير يا لطيف يا خبير يا قادر يا جبار يا  
رحمن يا منان يا سميع يا قدير يا من لا يلهي

اجعل

ويعذر ان يكون



يا باغي يا وارث يا تابع الهمة يا كاشف الغم  
يا منير الحق يا ثقل الصديق يا ذا البلاء الجليل  
يا طول العظم يا معز ويا لا يحسان يا مومنا  
يا امتنان يا من قصرت عن وصفه السن <sup>صفين</sup> الرا  
واقطعت عنه افكار المتفكرين يا شاهد الحق  
يا كاشف الغم ويا ذا البلى يا من النصر والمو  
يا منير المفضل يا محسن يا من لا ينقضه  
صغير كبير ولا خفي من خطر يا من بدأ بالنعمة  
قبل استحقاقها ويا الفضيلة قبل استجبابها يا  
أرحم من عبد وجد ورحي واعبد استلك  
يكل اسم مقدس يظهر مكنونه آخره لنفسه وكل  
شأن عال فتح كنم ضيف مبدعة لك ورحي

عن

كل

كل ملك من منزهة عندك ورحي كل شيء  
أرسلته إلى مبادك ورحي كل شيء جعلته  
مصدقا لرسلك وكل كتاب فصلته وأحكمته  
ورزقته وكل دعاء سمعته فأجبه وعمل رفعة  
وأستلك بكل من <sup>عظمت</sup> عظمت حقه وأعليته  
قدسه وعرفته آمن ومن لم نعرفنا مقامه ولم  
نظهر لنا شأنه من خلقته من أول ما ابتدأ  
بخلقك ومن خلقته إلى انقضاء الدهر  
وأستلك بتوحيده الذي فطرت عليه  
العقول وأحدث به المراتب وأرسلت به  
الرسول وجعلته أول فوضك وبها تطلعنا  
وأوضحنا إليك مجودك ومجيدك وكريمك ورحي

عظمت

وَجَلَّالِكَ وَعَظَمُكَ وَإِسْمَاكَ وَتَعَالُوكَ وَأَسْمَاكَ  
يَا اللَّهُ يَا أَهْدَى الْأَهْدَى يَا بَاهٍ يَا بَاهٍ يَا بَاهٍ وَأَرْحَمَ  
الرَّحِمِ خَاصًّا وَعَامًّا وَأَوْلَا الْإِخْرَاجِ بِحَبِيبِكَ رَحْمَةً  
مَعْدُومَةً سَبِيلَ الْمُسْلِمِينَ وَالشَّرَفِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ  
وَالرَّسَالَةِ الَّتِي إِذَا هَذَا الْعِبَادَةُ الَّتِي أَجْتَمَعَتْ  
فِيهَا وَالْحَيَّةُ الَّتِي مَرَّ عَلَيْهَا وَالْمَغْفِرَةُ الَّتِي دُعَا  
إِلَيْهَا وَالذِّبَانُ الَّتِي حُصِّنَ عَلَيْهَا مِنْذُ وَقْتُ  
رَحْمَتِكَ يَا إِلَهَ أَنْ تَوْفِيَهُ وَيَمْلِكَنَّ ذَلِكَ  
مِنْ أَمْرِ إِلَهٍ الْحَكِيمِ وَأَعْمَالِهِ الْكُوفَةِ وَمَقَامَاتِهِ  
الْمَشْهُورَةِ وَسَاعَاتِهِ الْمَعْدُودَةِ أَنْ تُقْضَى عَلَيْهِ  
كَأَوْعَدِهِ مِنْ فَضْلِكَ وَبِعَظَمَتِهِ أَفْضَلَ مَا أَمَرَ  
مِنْ تَوْالِيكَ وَتَرْكِكَ لَدَيْكَ سِرِّكَ وَتَعَالُوكَ

سُبْحَانَكَ

عِنْدَكَ وَبِحَبِّهِ وَتَعَالُوكَ وَالْمَقَامِ الْمَحْرُورِ وَتَوْفِيهِ  
حَوْضِ الْكَرَمِ وَالْجُودِ وَعَلَى أَلَمِ الطَّيِّبِينَ  
الْأَطْهَارِ الْمُتَجَنِّبِينَ الْإِبْرَارِ وَعَلَى جَبْرِ سُلَيْمٍ  
وَمِنْكَ كَامِلٍ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ  
وَالْمُرْسَلِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ  
إِنِّي أَتُجَنَّبُكَ أَمْلِكُ لِنَفْسِي مَرًّا وَلَا نَفْسًا وَلَا  
مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا قَطْعَةً وَسَائِلِي وَذَهَبْتَ  
مَسَائِلِي فَذَلِّ نَامِرِي وَأَسْلَمْنِي أَهْلِي وَكَدِّ  
اللَّهِمَّ وَقَدْ أَكْدَى الْطَلَبُ وَأَعْيَبَ الْحِجَلُ  
الْأَعْيُنُ لَكَ وَأَقَطَعَتِ الطَّرِيقُ وَمَنَعَتِ الْمَنَازِلُ  
إِلَّا إِلَيْكَ وَدُمِرَتِ الْأُمَالُ وَأَقَطَعَ الرَّجَاءُ  
إِلَّا بِمَنِّكَ وَكَدِّ الطَّنِّ وَالْخُلُقَاتِ الْعِدَالِ إِلَّا

هَبْ

عِنْدَكَ



اللَّهُمَّ إِنَّ سَاهِلَ الرَّجَاءِ لِفَضْلِكَ مَرْغَةٌ  
 وَأَجْوَابُ الدُّعَاءِ لِمِنْ دَعَاكَ مَقْبُولَةٌ وَالْإِسْتِعَانَةُ  
 لِمَنْ يَسْتَغْنِي بِكَ مَبْعُودَةٌ وَالْإِسْتِعَانَةُ لِمَنْ  
 اسْتَغْنَى بِكَ مَوْجُودَةٌ وَأَنْتَ لِلدَّاعِيَةِ بِرُوحٍ  
 الْإِجَابَةِ وَالصَّاحِبِ إِلَيْكَ وَلِيٌّ الْإِعَانَةِ وَالْقَائِلِ  
 إِلَيْكَ قَوْمٌ بِالسَّاقَةِ وَأَنْتَ لَا تَجْجِبُ عَنْ  
 إِلَّا أَنْ تَجْجِبَهُمْ الْأَعْمَالُ السَّيِّئَةُ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ  
 أَفْضَلَ رَادِّ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزَمْتُ أَنْ أَدْرِي وَأَخْلَصُ  
 بَيْنَهُ وَقَدْ دَعَوْتُكَ بِعَزَمِي إِذَا دَرَيْتُ وَأَخْلَصُ  
 نَوْحِي وَمَصَادِقِي بَيْنِي وَمَا أَنَا دَامِسُ كَيْفِكَ  
 بِإِسْمِكَ اسْتَرْكَتُ فَعَزَمْتُكَ سَائِلُكَ مِنْهُ بِإِسْمِكَ  
 فَارْعَ بَابَ حَاجَتِكَ وَأَنْتَ أَوْفَى بِبَصَرِ الْوَاقِعِ إِلَيْكَ

وَأَنْتَ

وَأَحْسَنُ بِرُوحَانِي السَّقَطِ إِلَيْكَ عَرَفِي لَكَ كُنُوتُ  
 وَأَنَا إِلَيْكَ مَلْهُوْتُ إِذَا وَحِشْتَنِي الْغُرْبَةَ أَسْنِي  
 ذِكْرَكَ وَإِذَا أَصْبَحْتُ عَلَى الْأُمُورِ اسْتَجَرْتُ بِكَ وَإِذَا  
 تَلَاخَكْتُ عَلَى السَّائِلِينَ أَمَلْتُكَ وَأَنْتَ بَدِهُتَ فِي  
 لَارِبِ عَقْلِكَ وَأَدْمَتِ الْأُمُورُ كُلَّهَا بَيْنَ يَدَيْكَ مَادُورَةٌ  
 عَنْ مَسَائِلِكَ مَدْعِيَةٌ بِالْخُسُوعِ لِعِزِّكَ فَفَعِدْتُ  
 وَأَلِيَّ عَقُولِكَ دَائِتٌ قَائِمَةٌ إِلَى رَحْمَتِكَ وَقَدْ مَسَّنِي  
 الْفَقْرُ وَتَالِي فِي الْفُرْشَةِ مَلْتَمِئِي الْخِصَاصَةَ وَعَرَفْتِي  
 الْحَاجَةَ وَتَوَسَّلْتُ بِالذِّلَّةِ وَعَلَيْتِي السَّكْنَةُ وَجَعَلْتَ  
 عَلَيَّ الْكَلِمَةَ وَأَحَاطْتَ بِي الْخَطْبَةَ وَهَذَا الْوَقْتُ  
 الَّذِي وَعَدْتَ أَوْلِيَايَكَ فِيهِ الْإِجَابَةَ فَأَمْسَحْ  
 مَا بِي مِنْ يَمِينِكَ الشَّافِيَةَ وَأَنْظُرْ إِلَى يَمِينِكَ إِلَى الرَّاحَةِ

الحَفِيفَةِ وَكَفَانَتِكَ الْحَمِيلَةَ هَذَا مَقَامُ الْعَالِيَةِ  
بِكَ اللَّائِيكَ يَوْفُوهُ السَّجِينُ بِعِزِّ جَلَالِكَ فَدَعَاكَ  
أَعْلَامَ قُدْرَتِكَ فَأَرَادَ إِثَارَ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ تَوَلَّ  
وَلَا تَزَلْ تَعْتَنِي بِهَا عَيْنُ مَنَوَاهَا وَاعْطِنِي عَطِيَّةَ  
الْإِحْتِاجِ إِلَى غَيْرِكَ مَعَهَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِسَدِجٍ  
مِنْ وَلَائِكَ لَا يَنْكُرُ مِنْ عَطِيَّتِكَ إِدْفِغَ الْفَرَسَ  
وَانْضِلْ السَّقَطَةَ وَجَاوِزِ الدَّلِيلَةَ وَاصْبِرْ  
التَّوْبَةَ وَارْحَمْ الْهَفْوَةَ وَاجْعَلْ مِنَ الْوَرُطَةِ وَأَقْلِ  
الْعَيْنَ بِأَسْفَهِي الرُّعْبَةَ وَعَيْنَا الْكُورَةَ وَقَلِّ  
الْيَمَّةَ وَصَاحِبَايَ الْكُورَةَ وَرَحِمْنِ الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةَ خُذْ بِيَدِي مِنْ دَحْضِ الْمَرْكِ فَتَدَاكِرُ  
وَيُسْنِي عَلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَالْأَعْوَابَ بَاهَا



الطريق يا فارح المضيق يا جاري الصيق  
يا ركني الوثق اخل عني المضيق والكفى شر  
ما اطبق وخر ما لا اطبق يا اهل التقوى اهل  
المغفرة والعزة والقدرة والالاء والعظمة  
يا ارحم الراحمين واكرمنا الطيرين وقرّب  
العالمين لا تقطع منك رجائي ولا تحبب  
دعائي ولا تجهد بلائي ولا تسوق قضائي  
ولا تجعل النار ساواي واجعل الجنة مساوي  
واعطيني من الدنيا ما يوفي بوعدي من الآخرة  
املني ورجائي وانبي في الدنيا حسنة وفي  
الآخرة حسنة وفي عذاب النار اناك على  
كل شيء قدير ومجمل شيء محيط عبد الله علي

صباح امام بنين العابدين عليه السلام ورحمة كالماء  
الحديث الذي خلق الليل والنهار ويعزونه  
بينهم ما يقدره وجعل لكل واحد منهم احدا  
عذوذا او امدا ممددا ابرج كل واحد  
منهم في حاجته ويبرج حاجته فيه يتقدي  
منه للعباد فيها عذوهم بهم ويشتمهم عليه  
فخلق لهم الليل ليسكنوا فيه من حر كات النعم  
وهضات النصب وجعله لباسا ليلبسوا  
من راحته ومنا مبر فيكون ذلك لهم حاما  
وقرة وسلاوا به لك وسهوه وخلق لهم  
النهار مبصر ليتبعوا فيه من فضله وسلاوا  
الى رزقه ويسرحوا في ارضه طلبا لما فيه

نيل العاجل من دنياه ودرك الاجل في آخرها  
 بكل ذلك يصلح شأنهم ويبلغ اخبارهم  
 وينظر كيف هم في اوقات طاعته ومنازل  
 فروضه ومواضع احكامه ليحزي الدين  
 اساءوا بما عملوا ويحزي الدين احسنوا  
 بالحسن اللهم فلك الحمد على ما فلقنا  
 من الاجناس ومنعتنا من ضلوا الهلاك  
 وقهرتنا من مطالب الاوقات وومئنا  
 فيه من طوارق الافاق اصبحنا واصبحت  
 الاسماء كلها بحمدك سماءها وارضها  
 وما بين في كل واحد منهما ساكنة ونحمر  
 وشاخصه ومقمة وما على في الهواء وما كان

بحمدك

بحمدك الذي اصبحنا في قبضتك بحسبنا  
 ملكك وسلطانك ونفمنا مستيتك و  
 نعرف عن امرك ومقرب في يدك ليس  
 لنا من الامر الا ما قضيت ولا من الخير الا  
 ما اعطيت اللهم وهذا يوم حادث به  
 وهو علينا شاهد عندنا احسننا ودعنا  
 بحمدك وان اساءنا فاقبضنا اللهم صل على  
 محمد وآله وارزقنا حسن مصاحبة وعقبنا  
 من سوء معارفة بخيرة او اقرب من خيرة  
 او كبرية واجزل لنا فيه من الحسنات واكثرنا  
 فيه من السيئات واملاء لنا ما بين طرفيه  
 حدا وشكرا واحرا ودخرا وفضلا واحدا

باز كتاب



اللَّهُمَّ سِرِّ عَلَى الْكَرَامِ الْكَائِبِينَ مَوْتَنَا وَأَمَلَا  
 لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَابَتَنَا وَلَا تَجْرُنَا عِنْدَهُمْ  
 يَوْمَ أَعْمَالِنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ  
 مِنْ سَاعَاتِهِ حَقًّا مِنْ عِبَادِكَ وَفَضْلًا مِنْ  
 شُكْرِكَ وَمَنَّا هَذَا صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ  
 بَيْنِ أَدْبَانَا وَمِنْ خَلْفَانَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ مَنَائِلِنَا  
 وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا حِفْظًا عَامِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ  
 هَارُونَ إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعِلاً لِحُبْنِكَ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَقِّفْنَا فِي بَيْتِنَا هَذَا  
 وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَبَانِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ  
 وَهَجْرِ الشَّرِّ وَشُكْرِ النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ وَمُجَازَاةِ

الْبَيْعِ

الْبَيْعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجِبَالِ  
 الْإِسْلَامِ وَابْتِغَاءِ الْبَاطِلِ وَإِدْلَالِهِ وَضَرْمِ الْحَقِّ  
 وَإِعْزَازِهِ وَإِشْرَافِ الصَّالِ وَمُتَابَعَةِ الشَّعِيفَةِ  
 إِذْ رَأَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ  
 آمِينَ يَوْمَ عَمَلِنَا وَأَفْضَلِ صَاحِبِ صَحْبِنَا وَخَيْرِ  
 وَفِي ظِلِّ لُطْفِنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ  
 وَاللَّيَالِ مِنْ جُلَّةِ خَلْقِكَ أَشْكِرُهُمْ لَنَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ  
 وَأَقْرَبَهُمْ بِمَآشَرَتِ مِنْ شَرِّ أَعْيُنِكَ وَأَوْفَقَهُمْ عَاحِدَةً  
 مِنْ هَيْئِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَيْتُكَ شَهِيدًا وَأُشْهِدُكَ  
 سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ وَمَنْ أَسْكَنَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ  
 سَائِرِ خَلْقِكَ فِي نَجْوَى هَذَا وَسَاعَةِ هَذِهِ وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ  
 وَمُسْتَقَرِّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

هَذَا

قَائِلًا يَا قَاسِمُ عَدَلًا بِالْحُكْمِ دُعَا يَا عِبَادَ اللَّهِ  
 الْمَلَائِكَةُ رَحِيمًا بِالْخَلْقِ فَإِنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ  
 وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ حَمَلْتَهُ وَسَأَلْتَهُ فَأَدَاَهَا  
 وَأَمَرْتَهُ بِالشَّيْءِ لَا مَنِيَّةَ فَفَتَحَ لَهَا اللَّهُ فَصَلَّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَكْثَرَ مَا مَلَيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ  
 إِنَّكَ أَفْضَلُ مَا لَكَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَأَجْزَلُ  
 عَنَّا أَفْضَلُ وَإِذَا كَرَّمْتَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَسْبَابِكَ  
 عَنْ أَمْنِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الثَّنَانُ بِالْجَنِّمِ الْغَاوِ وَالْعَظِيمِ  
 وَأَنْتَ أَوْحَرُ مِنْ كُلِّ جَنِّمٍ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا  
 وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ  
 الْأَجْبَدِينَ **بِسْمِ اللَّهِ** دُعَا لَا وَذَكَرْنَا كَرَامَةً دُرَّةً مِنْ أَرْجَاءِ  
 عَصْرِ سَلَامٍ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَقِيبَتِهِ نَمَازًا بَيَارِاسَةً بِخَيْرِ مَا

نماز

تَلْفِظِهِمْ وَأَرْجَاءِ نَهَائِهِمْ شَمْسًا شَدِيدَةً بَيْنَهُمَا بَدَنُكُمْ أَيْ مَكُولًا  
 أَجْمَعًا مِنْ رَقِيبَتِهِ مَا خُوذَ اسْتِزَادُوا بِأَسْبَابِ رُوحِ جَمِيعِ أَسْبَابِ  
 رُوحَانِيَّةِ بَشَرِ كَرَسِي رَاكِبِي بَشَرِ بَعْضِي رَاكِبِي  
 وَهَرَكَاهُ كَرَفَسَ لِي مَا غَلِي شُدَّ وَدَلَّ رَاكِبِي بَشَرِ مَطْلُوعِ  
 رُوحِ رَاكِبِي أَقْبَالَ دَلَّ رُوحِ عِبَادَتِ وَدُعَا سَمِعْتِ  
 شَشْنِ دَرَجَائِي نَمَازَ عِدَلًا نَمَازَ صَبِيحِ تَابِرَامِنْ أَفْصَابِ  
 كَرَجِ شُغْلِ تَعْقِيبِ نَمَازِ رُوحَانِيَّةِ كَرَجِ تَابِرَامِنْ  
 عِدَلَتِ لَامِ فَرَمُودِهِ كَرَجِ تَابِرَامِنْ دَرَجَائِي نَمَازِ شَشْنِ نَمَازِ  
 أَفْصَابِ آن شَشْنِ سَابِرِ تَابِرَامِنْ اَوَّلِ شَشْنِ وَشَشْنِ  
 عِدَلَتِ تَعْقِيبِ خَوَانِدِنْ سُوْرَةِ بَشَرِ نَمَازِ خَوَانِدِ آن در  
 صَبَاحِ دِيمِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ  
 وَافَقِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ مَحْفُوظِ



و فاضلی که بنده بر او بر می آرد بر خواننده خود هر حاجتی را  
**و فتح** اهلانی من عینک که مکتب در امداد است  
 رسانیدن بمطرب بنکمر فایز شدن بهشت به دلالت  
 کردن بخیر که برساند بمطرب مثل برایل کردن علائق  
 جسمانی و برداشتن برده های حوائی هیولانی و عقلی را  
 جلای و مطالبه اوز حوالی و قدرت الهی لا یمتج منها  
 شیء اشاره است بکلمه مستخرج را شیء که بنده و لا یمتج فلین  
 مشتق است از رایج که میل است اندام حق یعنی از من بران  
 مساز تو منی باقی بودن بر هدایت با فائز به نعم فاد و مدد حق  
 شدن چیز است بسیار بی خبر نفقه بیخ نون بر وزن کلمه و کبر  
 بر وزن نفی معنی مخالفت و من درایه القیاد و کلمه تحریک  
 اطلاق میشود بر مکان و طبقات است در کلمه و طبقات در حد

و کلامی مطلق میگردد بر هدایت هستی و من یعنی حق تعالی  
 و بای دو نقطه حقانی میان دون معنی است بخیر یا بانی  
 الاحیاء القیاد من کلام القیاد الله مراد از آنست که مستخرج به جمع  
 صفات کلام را که صفات نبوت است همچنان مراد لمعنا احد از صفات  
 جمیع صفات ممال که صفات سلطنت مرید را که در حد حق است  
 کوشنده به هدایت حق از هر کسید حق و کار حق و از تعدد و انچه لازم است  
 به کلمه یکی را بنابر اصل صمیمیت و استخراج بودن و سر کلمه استخوان  
 در حقیقت دارد یا بنابر خواه در لوازم ذات مشایخ و وجود  
 دلالت و قدرت ذاتی و حکمت تامه و همه کس است که مستخرج و  
 باشد و جویج و کلمه معنی مثال است اول سوره اخلاص و است بر  
 احدیت الهی و انشور بر احدیت یونیا القلق فلی معنی  
 شکافتن شدن است و کبر از چیزی شکافتن برانند و این است

هیچ ممکن بود که حضرت خورشید از غلبت عدم بر نور بکاهد  
 خاشاک شایسته و ناپاک را که بنده و وقت یعنی زور و ده اول  
 شد تا یکی آن در هر چیزی و نقاشی است فی القصد بقوه مقدس  
 ساحر و کرم میکند و جانها را در آن نفس میبرد اما که نه سبب  
 آنست که خود حضرت بنوعی اهل عالم را که کار کرده و امر آنحضرت  
 در این سوره بسخاذه از سحر و تان سحر و دلالت میکنند بر تان  
 سحر و آن حضرت صلی الله علیه و آله میفرموده و بشا کافوا الخ  
 ان سببنا و احطنا و انما کما فی الغیب نقل کرده اند که سحر و رافضی  
 از کرم و جان کند و ایت کرده بخاری با سلم که حضرت  
 سحر کرد و حتی آنکه آنحضرت را خیال شده که کار کرده و کرده  
 پس این اردو و غمناست پس اگر این نقل است باید لازم  
 این که سحر که این سبب چون این سحر را سحر و رافضی

باشد و عذر بی که فی الغیب و سحر اند که مراد از این آیه  
 سحر است که باعث جفون باشد و سحر است و این و بعضی  
 زیرا که اثر بی که این نقل کرده اند که از جنون سبب  
 خشناس است که چون در کفر خدا کند پس روده و برگرد و  
 فاکه در خانه مذکور میشود لا تا خلق سبب و لا تو کم  
 سحر عالیهست و فیه ربی و سحر که پیش از تو است سبب  
 و تقدیم آن بر اوست و را بخا با که میاس در نفی مافی از اعلا  
 با دلی بکس ثابست بجهت تقدم او است بر جواب بالطبع  
 با که مراد نفی عالیهست که هر کس از این دولت است چنانکه جواب  
 و لا یؤدو حفظهما یعنی از نگاه داشتن اسمها و زمین بی  
 و قبی ندارد و طاعت است بطاعت با هر غیر از خدا و عبادت میکند  
 یا چیزی که منع کند از عبادت خدای تعالی لا تقصصا مرطفا





معنی نیست باز شده اند و از این استوی معنی مستوی  
و مستوی خلق هر شش است یعنی بی پوشانند بطلیب  
شوق است از عیش یعنی در عقب آن دیگر است  
که با یک از شش در و طلب میکنند آن دیگر است  
و الشمس والنجوم نصب عطفه موا السموات  
مستحق است نصب حالت از اینها برفع الشمس والنجوم  
مستدار است و مستحق است بغير تصرفا و حقیقه معنی درگاه  
که زاری محقق کننده بر برگرد عای بهمان اقتدار است  
لا محجب المعتدین معنی در وقت نمیدارد خدا بخاور  
کننده کار از اراده و تفسیر کرده اند بطلیب کننده کار چیزی  
که این لایق آن نیستند رتبه آنها و تفسیر کرده اند بغير  
کردن در دعا و اداء عونه سوفا و طمعا معنی دعا کنید

و

در معانی که نرسد تا آنکه شبیه از خدا بجهت تصور احوال قطع  
اجابت داشته باشد بجهت بسیاری رحمت و نور کرم الهی  
میزاد الکلیات و بی معنی بسیاری برای شوق  
کلی علم و حکمت خدا بطلیب الکنج معنی هر آنچه تمام شود  
و هیچ اراده نماند و لکن عینا بطلیب معنی اگر چه بسیار  
مثل آن در دنیا زود و معنی من کان یحی القاء و بی  
معنی کسی که میزد و است بگذرد راجع شدن بخدا در روز قیامت  
و الصافات معنی تفسیر کرده اند بطلیب که صفت میزند و دعا  
عبودیت هر یک در هر سوره و زاجرات بطلیب که هر یک میکنند  
اسماها و زمینها را با یک اراده الهی است از آنها و ثلثات یا  
بهر شش که امارت خدا بطلیب را میخوانند بر بجهت آن و بعضی  
کرده اند علی که صفت میزند در عبادت و منع میکنند از کفر

و منق بر این وضاح و معنی انداخت و مزاج آبی و بنفشه  
تفسیر کرده بنفوس جدا کننده کان که صفت میزند دو جنس خاک  
و زو می کنند اسپار یا دشمنان را و می آید و گرا هر دو  
اینها را مشهور است از ذکر و ترجمه اشکاف یعنی بر کار  
مشق قافیه است یا مشق قافی کوکب اِنَّ دِيَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا  
یعنی از نیت دانه ایم اسمان که نزدیک است و این را نیت میزنند  
الکواکب اصناف نیت بود که بنام نیت و قوافی که نیت  
بنفوس میخوانند کوکب است از نیت و آنچه مشهور است  
که هیچ ستاره ای نیت نکرده است در خاک است و هر یک  
از ستارهای سبع ستاره را فلک است و بی برین نام نیت  
و لکه در خاک نیت ستاره چند باشند افق در غیر مر سادات  
و مرقع ای که رسد کرده اند و بی بر امتاع ان نیت و اگر نیت

شود مدتی میزند در برین خاکستری این اجرام نورانی و بزرگ  
اینها هم در خاکستری میزند و اگر بزرگ باشد و حقیقتا  
من کل شیطان مساوی حقیقت منقول است که معقول  
باشد و لالت میکند بر علت کلام این ماکر و اندیم ستاره را  
و حفظ و دارد برین دونه است از قافیه لَا يَمْنَعُونَ  
اِلَى الْمَلَأِ الْاَعْلَى جدا نیت مستانه نیت بیان حال این  
بعد از حفظ و در صفت این که معقول است و از من کل شیطان  
در آن نقطه یعنی با این که نیت میزند و علقه اعلی که مشغول  
که ساکنند در بالا اما کلام اسفل انس چون اند که ساکنند در زمین  
و متعلق سخن يَمْنَعُونَ بانی بر قوافیه حقیقت و نیت  
نصین معنی میفاسد برای مبالغه در نیت آن و کفین خون  
من کل جانب و حوا یعنی اندیشه میزند و اینان از نیت



از اطراف آسمان اینان که قصد کنند برای کوشش کردن و در  
معقول اند نیست یعنی انداخته میشود برای بیان با معقول  
مطلق است زیرا که معنی دوزخ را از کجاست معنی قدرت و هم  
عذاب و فاجعه معنی این را عذاب سخت در آخر است  
الآن من خطی که خطی است شناس از فعل شناس  
یعنی هر کسی را شیاطین که در کلام ملائکه چیزی بپایان نهد  
نشد و قاتل شهاب ثاقب معنی در عقاب میبرد  
شهابی سوراخ کننده کوه که میسکافد و در بر و شنی و  
شهاب است که عوام گویند سواره و کشت و با طبیعین  
خیال کرده اند که بخار است و او در جنتی و جری است از زمین  
بالا میرود و تا که آتش و کما آتش در او میگیرد پس این تا  
نشسته و اگر صحیح باشد منافاتی ندارد با آنچه که بران دلا

میکنند

گویند و این آیه السماء الدنيا مطهره و جعلنا  
دوزخها للشیاطین زیرا که شهاب و مناجاز را اطلاق  
میکنند بر چیزی که شعله در باشد و هر چه در بالا شعله کشد  
آسمان است و در نیست که در این موضع از آیه ان کما رویا  
بالا فرستاده برای روشن شدن شیاطین پس آتش در او گیرد  
و بسوزاند و خلق شیاطین محض نیست چنانکه خلق آدم از خاک  
محض نیست پس سوزن شیاطین با شنی که قوی بر آتش است از آتش  
او نمکست و شاید که شیاطین کلام ملائکه را نشنوند مگر در حق که  
بزرگتر است که آتش رسد پس چون شیاطین انجا کوشش کنند و خواهد  
که باین آید شهاب با و برسد و از آسمان نهد از آیه ان  
بعید کرده از رسیدن شهاب با و نایب شدن که معنی از بی  
رفت این است طعم ان تنقل طایفی اگر خواهد و

بر شنی

باشد شمار که بیرون روید از اطراف اسمانها و زمین و  
 بگردید از خدا پس بیرون روید از آنها لا شفق و لا  
 تسلطان احد نیست علیهم یعنی قدرت ندارند بر یکی  
 حق از آنها مگر بقول تام و آن قدرت کیست شمارا  
 و سلطان مصدر است مثل غفران بمعنی مسلط بودن چنانکه  
 در آیه قتل مظلوماً قتل جعلنا لاولیئک تسلطاناً  
 یعنی کسی که کشته شود بظلم پس تحقیق که کرده اند امیر را  
 ولی او تسلط بر خصامس یا بر حق نیست متواظب معنی  
 زبانه زبانش و تماس بر نع عطفاً است بر متواظ و بر عطفاً  
 بر ناپ معنی و خان یا ستمی که خسته گردیده شود بر برای ناپ  
 قلاً متصرفین یعنی منع کرده نشود از ان خاصه علیهم  
 یعنی حق نمونده و غرض از این خواسته است بر خشی کردن

و در حدیث

نزد خداست قرآن بواسطه قنات قلبی که مکرر در در میان  
 آن عالم الغیب و الشهادت یعنی عالمات یا بحر ارجس  
 غایب باشد و آنچه حاضر باشد یا عالمات یا بحر ارجس  
 یعنی زبان و اشکارا الاکتفاش معنی در نهایت غایت  
 یا بجزه کی است از چیزی که موجب نقص باشد الاکتفا مصدر  
 و وصف بان برای مبالغه است و مراد سلام از جمیع نقصها  
 و بهشت ادار السلام بگوید بحجه که مسکن او باشد  
 از افاضی یا بحجت که تواند خداست معنی عالم المؤمنین  
 بخشنده اسرار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست  
 که خداوند را مؤمنان است برای که امر میکنند از حد  
 کسی را که اذیت او کند المبین یعنی مطلع و نگاه دارند  
 بر جزای کفر نیز معنی هیچ چیز عدل و مثل و نیست را غایبی



که هرگز مغلوب نگردد و عَزَّیْزٌ فِی الْخِطَابِ یعنی غلبه کرد  
 بر من در خطاب و تَعْلَمُ الْجَبَادُ اَلْکَسْبُ که هر چه بدست کند  
 خلق را بر بعضی چیزها که بهین تر از در آن اختیار نیست و  
 قدرت بر غیر آن ندارد با آنکه جبر و اصلاح حال میکند  
 الْمُشَکَّکُ یعنی صاحب کبر است از نقص و محتاج بودن  
 الْخَالِقُ الْبَادِئُ الْمَصْنُوعُ یعنی را قیامت که هر  
 یک معنی دارند زیرا که هر معنی ایجاد و استانیست پس فکر  
 برای تأکید است و این چنین نیست بلکه هر یک را معنی است  
 چنانکه بنا بر این چند بطول و عرض و کثافت و سبک و  
 چوبه و برنجی خاص و برینستادن و نقش و صورت کردن  
 پس این سه امر در خلایق تعالی میشود در ایجاد خلایق از کرم  
 عدم پس خدای تعالی را باعتبار هر یک نامست برین قریب

سبح

سُبْحَانَکَ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یعنی تسبیح میکند را  
 خدای تعالی آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و این تسبیح  
 یا زبان حالست زیرا که مرزده از موجود است خدا میکند یا  
 حال بر خود صافی حکیم و واجب له اند و یا زبان حالست و  
 این در ذی القول ظاهر است و اما حیوانات پس فرقه عظیم  
 از مخلوقات است که هر طایفه از حیوانات تسبیح برده و کار  
 خود میکنند لغبت و او از خود بر این حال کرده اند و خود را تسبیح  
 و ماضی و آتی و فی الارض و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
 امر است که معنی هیچ جنبه نیست در زمین و هیچ چیز  
 که بر پرده پر مای خود را ننهد مثل شما و اما غیر حیوانات از  
 جمادات پس جماعتی بسیار را مذمت نیست که اینها را ام  
 تسبیح زبانی است و مؤید آورده اند و این من منشی

اَلَا تَسْبِيحُ بَحْرٍ بَعِيْنٍ بِهَيْبٍ جَبَرُوتٍ مَكْرُومٍ  
 وَحَالُكُمْ مُتَلَقِّسٌ اَسْتَبَدَّكُمْ خُذَاوَكْتَهُ اَنْدَكُمْ اَلَا تَسْبِيحُ خَالِي بَا  
 بَحْرٍ حَسْبُ قَوْلِ خُدَايَا عَالِي وَلَكِنْ اَلَا تَقْتَضِي لَسْتُمْ  
 تَبَاوِيلُ وَاَنْدَكُمْ اَنْدَكُمْ اَعْجَازُ رَسْمٍ سَكَنَ رِزْوَانُ  
 سُبْحَانَ صَلَواتِهِ اَلَا تَسْبِيحُ نَفْسٍ سَبِيحٍ نَفْسٍ سَبِيحٍ  
 اَصْحَابُ سَبْتٍ وَالْاَسْكَنْتُ رِزْيًا اَمْرًا دَرَسِجٍ خَوَانِدَانِ  
 مَحْجُوْحِي مِنَ الدُّنْيَا اَمَّا بَعِيْنُ اَنْدَكُمْ بَرْدِ بَرِيْ اَرْزِيَا  
 اَمِنْ اَرْكَنًا هَسَاكَ دَرَسِيُونِ مِنْ دَرَسْتِ اَلَا تَقْتَضِي قَوْلِي  
 دَهِيْ بِشَلِ اَرْزِيُونِ وَاَرْزَانِ كُنَا هَسَاكَ مِيَانِ مِنْ وَطْنِيْ  
 اَلَا تَقْتَضِي دَهِيْ كَرَمِيْ اَرْزِيُونِ خُذُوا اَرْزَانَا خَلَاصِ  
 سَارْمِ وَتَكْثُرِي اَلْحَبَّةُ سَالِمًا وَاَنْدَكُمْ سَارِيْ مَرَادِ  
 بَهْتِ دَرَحَالِي كَرَمِ اَسْلَامَتِ اَشْتَمَ بَاشِي اَرْعَاقِ

بلکه ازین عفوکنی و مراد اهل شست ساری و این جمله تا کنده  
 سبب است و لا حول و لا قوة الا بالله مراد چون در  
 یعنی مردانی بر چیزی و قوتی نیست مگر به کار خداست  
 و در کتب و عهد این باو بر روایت کرده از حضرت امام  
 محمد باقر علیه السلام که اینجا بعضی اتفاق است یعنی برکتش  
 از معصیت و منتقل شدن نیست مگر بعون الهی و فوق  
 بر طاعت نیست مگر بوفی سبحانه و اکشف همی و فتح  
 عینی فرق میان هم و غیر است که هم چیز نیست که قادر باشد  
 آدمی بر اهل کردن آن آنگاه شود چون مردن فرزند و بعضی  
 گفته اند که هم پیش از تولد من شر کلی عالم یعنی قدرتی  
 کننده و قاطری یعنی واقع شوند در شب بزرگ اکتفا  
 بسیار اطلاق میکنند بر جادو و ناطق بر حیوان اگر چه جادو

مثل اهل  
 برادران  
 در آن





بی زبان بیه در قلع سبب فلان لا یمیک صامتا  
 ولا طلقا یعنی مالک هیچ چیز نیست و قول فلان لا یمیک  
 فی الشاطی و السامیت و جابر است ایما مراد باطن  
 معانی مشهور است مذبح السموات و الارض از قبل  
 حسن الفلام است یعنی ستارگان و زمین برعینه یعنی بی  
 نظیرند و ممکنست که مراد مبدء باشد یعنی موجد چیزی  
 بی مثل سابق مالا محال ایجاد این یعنی مدام که ظاهرند  
 شب و روز و اما اطرده الخافقان یعنی مدام که مشرق  
 و مغرب یابند و ماحدثی الخادیان یعنی مدام که آتش  
 مردم را اشتیاق و در کوه که شب و روز مردم را می دانند  
 تا بنور مثل کسی که شعله را می بیند ماسعش لیل  
 یعنی قبل و ادبر است یعنی مدام که شب و بیدار و بروز

وما

وما اذ حظه طلام یعنی مدام که شب و بیدار یک  
 و تنفس صبح یعنی مدام که صبح ظاهر شود و بیدار گردد  
 بنفس زدن بجهت و زدن بجهت صبح پس بگوید که نفس زده  
 خطیب و فی المؤمنین خطیب قوم در لغت بزرگ  
 ایشانست که مخاطبه و کلماته میکنند با سلطان در خفا  
 ایشان و وفایانجا یعنی گروه و جاعنه المکسول  
 الاکسان یعنی پوشانده شد حجابی مان از آتش زیرا  
 که خداست الممیز نماید و کسوف یعطیک ارتکاف قریضی  
 یعنی روزه باشد که عطا کند بنور و روزگار و موجد آن نور است  
 شوی و حضرت مغیرة بنی الله علیه و آله راضی نمیشود بجز  
 یکی از آتش در دوزخ چنانکه در حدیث وارد است ۵  
 وحل الکفان استفاده است و ذکر کسوف و ریح ۵





ان النش روشن کنند برآمد است راه لامع و لا ملجأ  
 عطف تقریر است و معقلی بفتح میم و کسر قاف یعنی  
 حصن و محسار است و اطلاق میکند بر بنای امام طایفه  
 بفتح طاء و کسر لام یعنی پیش جاسم و معولی بصیغه اسم  
 مفعول یعنی معتمد من و طعنی نظا نقطه دارد و عین بی نقطه  
 ساکن و مفتوح یعنی سیر و سفر من و منقلبی یعنی محال است  
 و سکون ادنیاج مد و طای و دو نقطه بالا یعنی بسته شدن راه  
 انما من کما صنفک بضم و نقطه دارد و نون ساکنه یعنی  
 و یجذبک یعنی بزرگی و عطف بنو الدیانة التي حقن  
 علیها یعنی دینانی که مبالغه و بر عیت این کرده ام نبشدریم  
 معنی فصد و ترغیر بر وزن کترتم یعنی نزدیک ساری و نقد  
 اکدی الطلک بدان مهمله یعنی دشوار و مستعد و منقطع

طلب و أعیت الحیل یعنی مهمله و یای و نقطه از عین و لاند  
 منبج بنون و آخر سلسله غای نقطه از عین نهانست کرده و عینا  
 بکسر قاف غای دور خانه و اذا لا احکمت یعنی هم در رفت  
 و ملتصق شد و نال لای القمر بضم صاد یعنی رسیدن  
 بدعای و بفتح تقیض رفع است و شملتني الخاصة کجا  
 نقطه دارد و دو صاد بی نقطه یعنی فرو کرد مرا اینجا و نون  
 بالذات یعنی موسوم و معروف شدیم بدلت و حقت علی الکلمه  
 یعنی مزوار شد بر من عذاب فاصح بضم و صاد مد و کسبه  
 معنیست اینجا صافی یعنی زایل ساز و بر آنچه از غلتها بر من است  
 و الاقوالع میای دو نقطه زیر و زای نقطه دارد و عین بی نقطه  
 الهامست و لا تحلنی من یزید کجا بی یا نقطه و شد به  
 لام از تخفیه است یعنی خالی مدار مرا از نعمت جزو نیست بیدار

سبكون دال من ولا ينكس بفتح واد يعني عطية از نو که آن  
 چنانچه بغير باشد امری بدیع و غریب نیست از اعداد و احادیث  
 لاینگر یعنی امری بنکر و مستبعد نیست و ارجح العقوة بفتح  
 عا و سکون عا یعنی حکم که بر زلت و لغزش و خطای من خد  
 سبک دین و جحش بیا ممل و ضاد بانقطه المثلثه یعنی  
 خلاص کن مرا از لغزش خطا و فتنه بگویم مایه سیفیه نو  
 یعنی افسادم بر روی خود فوج کل و اجد منما فی منما  
 و فوج صاحبه فیه یعنی دال بسیار در یک روز  
 را در آن دیگر باینکه کم میکند از یکی و زیاد میکند دیگر را مثل  
 شدن روز رستان و زیاد شدن شش و زیاد شدن روز  
 تابستان و کم شدن شش و اگر کسی که این معنی مفهوم میشد  
 اذ فوج کل و اجد منما فی صاحبه بفتح حاجت بود

صاحب فیه و کویم فیه حضرت علیه السلام فیه است بر امر غریبی  
 که حصول زیاد و نقص است با هم در یک روز و روز  
 یک زمان و این بحسب اختلاف ریاضت مثل بقدر شایسته است  
 و بقدر سبب خطا مستوا خواه آنجا کسی باشد خواه نباشد پس  
 زیاد و نقص است و اقتضا در یک وقت کس در دو و بقدر و  
 همچنین زیادتی شب و نقص است و اگر حضرت صلوات الله علیه  
 بفرج نمیکرد بوج صاحب فیه فیه بر این معنی نیست بکذا  
 کلام ان می بود در دو وقت چنانکه متعارف است و نقص است  
 بنوع و ضاد بانقطه از نهوست یعنی افعال بدنی که موجب نیست  
 و در بعضی روایات بظا بانقطه است یعنی نقل و سکنی  
 لیکن هر جا ما یعنی تابا باشد برای ایشان راحت و سبب  
 یعنی استیلا کند و بی بر سازد فلقت لسان من الا جماع



معلوم شد و حالش بود و ای مسقطه شش قسم ازین  
 یعنی تفرق کردن مقیمه و شاخصه را در این فصل  
 اینجا منقسمه نیست لکن لایق الاثر اما قضیت  
 یعنی نیست از این نظر که اگرچه توفیق کرده و فقره بعد از این  
 مفسر نیست شاهد عینی است بای و حفظ بال یعنی حاضر  
 است یا در حکم بحرین یعنی حیات و کما و اقتراف یعنی  
 کسب کردن و اجزای لسان یعنی بسیار کنی برای و اختلا  
 یعنی خیالی کردن و ما در این روز از بدیه و حیاطه بجای  
 بی نقطه و ای دو نقطه و طای بی نقطه یعنی فرض حفظ و اذین  
 و ما خود است از قول رب که وقف فی منی و اهل شد در آن و  
 حی و شک بجای با نقطه و ای دو نقطه در مصفوح و ای بی  
 مصفوح یعنی خمستار کرده شده و برگزیده شده و بسکون با هم  
 آمده

هم آید از حضرت امیر محسن صلوات الله علیه  
 منقول است که هر کس ساعتی از ساعتی دو باره کو در روز  
 منقلب بکند از این جمیع صلوات الله علیه و مخصوص  
 در عای خاص پس ساعتی از طلوع خورشید طلوع اقامت سکوت  
 حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و اینست دعای آن  
 اللَّهُمَّ رَبَّ الطَّلَاحِ وَالْعَلَقِ وَالْجَعْرِ وَالشَّقِيقِ وَالْبَلَّ  
 وَالسَّقِيقِ وَالْقِرَادِ الشَّقِيقِ خَالِقِ الْإِنْسَانِ مِنْ عَتَلِ  
 الطُّهْرَةِ وَكَرَّمِكَ سُبُوحِ صَلَاتِكَ وَخَلَقْتَ عِبَادَكَ  
 وَهَدَيْتَهُمْ بِحُكْمٍ مَقْنَلِكَ إِلَى سَبِيلِ طَاعَتِكَ وَتَقَرَّدْتَ  
 فِي مَلَكُوتِكَ بِعَظِيمِ السُّلْطَانِ وَتَوَدَّدْتَ إِلَى خَلْقِكَ  
 بِعَدْلِ الْإِحْسَانِ وَتَقَرَّرْتَ إِلَى بَرِيَّتِكَ بِحُكْمِ الْإِنْسَانِ  
 يَا مَنْ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلِّ مَوْجِدٍ هُوَ

فِي شَأْنِ أَسْأَلِكَ اللَّهُمَّ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ الْيَقِينِ الَّذِي  
 نَزَلَ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِهِ لِيَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ  
 بِلَيْسَانٍ عَرَفِيٍّ مُبِينٍ وَيَأْمُرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَنْ  
 أَتِي طَالِبِينَ عِلْمِ الرُّسُولِ وَبَعْلَ الشُّوْلِ الَّذِي  
 فَرَضَتْ وَلَا تَبْه عَلَى الْخَلْقِ وَكَانَ يَدُوحِيَّةً ذَا  
 الْحَقِّ عَنْ صَلَاحِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتَهُمْ  
 وَقَدْ نَهَيْتَهُمْ أَمَّا مَنِّي وَبَيْنَ يَدَيَّ خَائِجِي وَأَنْ تَقْفِي  
 لِي ذَنْبِي وَتَقْطُرَ عَلَيَّ وَتَنْسُقَ عَنِّي وَتَنْفَحَ كَرِيحِي  
 وَتَنْفَعَنِي مِنْ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ أَمْلِي وَتَقْبَلَنِي  
 لِي خَائِجِي الَّذِي بَادَا لِي الْآخِرَةَ بِالْإِحْسَانِ وَالْإِحْسَانِ وَكَرَّوَانِي  
 كَمَا أَنَّ دَعَايَ تَقْبَلُ عَنِّي بَابِي كَمَا أَنَّ لِي عِبَادَتَكَ الْبَابِي  
 سَجْدَةً نَائِي شُكْرًا بِمَا رَوَيْتَ كَرَّمَ رُؤُوسَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَفَعَهُ

در این دعا که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است و در کتب معتبره آمده است و در این دعا که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است و در کتب معتبره آمده است و در این دعا که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است و در کتب معتبره آمده است

که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که سجده شکر  
 و ایستادن بر سر سجده ای تمام می‌گردد و این دعا که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است و در کتب معتبره آمده است و در این دعا که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است و در کتب معتبره آمده است



هم او پس خداستعالی گوید دیگر مراد از چیست پس هیچ چیز  
 نیست مگر ملائکه گویند پس خداستعالی گوید این فرشتگان  
 من دیگر مراد از چیست پس ملائکه گویند این برود کلاما  
 را را دیگر علی نیست پس خداستعالی گوید هر این شکر او کم چنان  
 او شکر من کرده و در او یاد کنم بفضل خودم و بنامم برآور  
 خودم راستند طول فادان و بسیار بودن در سجده  
 شکر روایت کرده در فقیر که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام  
 سجده شکر میکرد بعد از نماز صبح پس سر مبارک بر زمین داشت  
 ناز و بلند میشد **فصل** چون سجده شکر کنی مرد و ساق  
 دو سته را فرش کن بر زمین و سینه و شکم را ملصق ساز  
 بر زمین و بگو آنچه در کافیه شمس از حضرت ابی الحسن  
 علیه السلام روایت کرده و بگو در سجده شکر اللهم

الشکر را از سجده شکر الکبر الاقوال  
 فالاول بالظن لا يقدر ليدفع المراد  
 ه الا في الظن لا يعلم ربه الا من  
 شكا حوائج وادع واصل على الله  
 تقدر هذه الرواية من ان كان لا يصدق  
 راسه بنات شمس على

وروایت کرده که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام  
 سجده شکر میکرد بعد از نماز صبح پس سر مبارک بر زمین داشت  
 ناز و بلند میشد **فصل** چون سجده شکر کنی مرد و ساق  
 دو سته را فرش کن بر زمین و سینه و شکم را ملصق ساز  
 بر زمین و بگو آنچه در کافیه شمس از حضرت ابی الحسن  
 علیه السلام روایت کرده و بگو در سجده شکر اللهم

اشهد انك واشهد انك لا يكتفيك وانما انك ورسلك  
 وجميع خلقك انك انت الله ورسولك الاسلام ديني و  
 محمد صلى الله عليه وآله نبي وعلينا و الحسن و  
 الحسين وعلينا و محمد و جعفر و موسى وعلينا  
 و محمد وعلينا و الحسن و محمد وعلينا و محمد وعلينا  
 عليهم ائمتي وديننا ودينهم ودينهم ودينهم ودينهم  
 بگویم اللهم اني اشهدك دم المظلم بگو اللهم  
 اني اشهدك يا باوانك على نفسك لا وليا لك  
 لا تخفى عنهم معذرتك وصدقهم ان نصلي على محمد و  
 آل محمد وعلينا المستحقين من آل محمد صلى الله عليه وآله  
 وآله وسماعكم اللهم اني اسئلك البسر بعد  
 العسر ليس بكلاما و جانب راست بر زمین و بگو یا که خدای من





آری

فاعلم ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قد قال  
 في تفسيره ان الله تعالى قد خلق الانسان  
 من نوره من نور الله تعالى  
 فاعلم ان الله تعالى قد خلق الانسان  
 من نوره من نور الله تعالى  
 فاعلم ان الله تعالى قد خلق الانسان  
 من نوره من نور الله تعالى

المعطر اذا دعاه وبكى فاستسوم يا مالِك يا حيا و  
يا احي يا قهار يا عزيز يا غفار يا من لا يدركه الا<sup>ل</sup>ه  
وهو يدرك الله الانوار يا من لا يميك خشية الا<sup>ل</sup>ه  
ولا يفر خوف الاملاق يا من لا يادق يا سدينا  
يا نعم قبل الاستخفاف يا من يزل الروح<sup>ال</sup> من  
على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاوي كبريت  
فيمتلك على وصغر في جنبها اشكري ودام عنك  
عني وعظم اليك فكري اسالك يا عالم سري  
وجهوري يا من لا يقدر سواه على كشف خفياته  
فصلي على محمد وسوله المختار وحتك على الابواب  
والخجائر وعلى اهل بيته الطاهرين<sup>ال</sup> الاخيار و  
اتوسل اليك بالانزع البطين<sup>الحسن</sup> على والامام

ربك

الزكي المقتول فقد استشفعتهم اليك وقد تتم  
امامي وبن يدي حواشي ان تديني من لدنك  
عليما ومعتلي حكما وخبر كسري وشرح بالقو  
صديدي ورحمني اذ انقطع من الدنيا اثرني  
وقد كوفي اذ انتهي ذكركي برحمتك يا ارحم الرا<sup>حمين</sup>  
**فالحسن** اذ وقت برط شدن سرخي فاس تلبس  
شدن روز اخرت نام حسين ع السلام است و نهيت  
الهمم رب الابواب وسبب الاسباب ومالك  
الوقايه وسخري السحاب وسهل الصعاب اعلم  
يا مواب يا كرم يا وهاب يا مفتح الابواب يا من حيث  
ما دعي احاب يا من حجاب ليس له حاجب ولا اقاب  
يا من ليس له خزانة فعل ولا ماب يا من لا يبر





عَلَيْهِ سِرٌّ وَلَا يُضَرُّ بِدُونِ حُجَابٍ بِأَمْنٍ يَرْزُقُ  
 مِنْ بَيْتِهِ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا غَاثُ الدُّنْيَا وَفَاكِرُ التَّوْبِ  
 سَدِّدْهُ الْغَفَايَا اللَّهُمَّ اقْطَعْ الرَّجَاءَ إِلَّا مِنْكَ  
 وَحَابِ الْأَمَلِ إِلَّا مِنْ كَرَمِكَ فَاسْتَغْنِ عَنِ رُسُلِكَ  
 وَهَبْ لِي ابْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
 لِحُسْنِ الْإِمَامِ الْبَقِيَّةِ الَّذِي شَرَعِي نَفْسُهُ انْتِفَاءً  
 مَرْضَاتِكَ وَجَاهِدِ التَّاكُيُنَ عَنْ مِرَاطِ طَاعَتِكَ  
 وَقَتْلُوهُ سَاعِيًا عَلَانًا وَهَكْمًا خُصْمَةً بَيْتًا وَ  
 عَلَانًا وَحَكْمًا وَرَأْسَهُ فِي الْأَفَاقِ وَأَحْلُوهُ مَحَلَّ  
 أَهْلِ الْعِنَادِ وَالشِّفَاقِ اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 وَحَكِّدْ عَلَى الْبَاغِي عَلَيْهِ عَزَّ بَابُ لَعْنِكَ وَإِسْفَا  
 وَمُرْ بِبَابِ سَخَطِكَ وَتَكَالِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

الْبَاغِي

سَجْدَةً

بِحَبْلِ وَآلِهِ وَاسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَأَتَلَهُمْ أَمَّا  
 وَبَيْنَ يَدَيَّ حَاجِبِي أَنْ لَا يَقْطَعَ رَجَائِي مِنْكَ  
 وَلَا تَحْبِثْ نَاسِيَتِي فِي إِخْسَانِكَ وَفَوَائِدِكَ وَلَا  
 السَّيْرَ السَّدُودَ عَلَى مِنْ جَهَنَّمَ وَلَا تَقْبِرْ عَنِّي  
 عَوَالِدِي طَوْلِكَ وَمَعْلِكَ وَوَفَّقْنِي الْمَعْرِفَةَ إِلَيْكَ  
 وَأَصْرِفْنِي عَنِ الْعَيْدِ عَنْكَ وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ  
 أَفْضَلَ مَا أَوْجَبَ وَأَكْفَى مِنَ الشَّرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْدِثُ  
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **عَافِي** أَرْجَاؤُكَ  
 أَوْ مَعْرِضًا بِأَمْنٍ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ  
 اللَّهُمَّ انْتَقِلْ الْمَالِكِ وَكُلِّ شَيْءٍ سِوَى وَجْهِكَ  
 الْكَرِيمِ هَالِكٌ سَخَرْتَ بِغَدْرِكَ النُّجُومَ السَّوَادِيكَ  
 وَأَمْطَرْتَ بِغَدْرِكَ الْغُيُومَ السَّوَادِيكَ وَعَلَيْكَ

مَا فِي الْبَرِّ وَالْخَيْرِ وَمَا سَقَطَ مِنْ رِقَّةٍ فِي الظُّلُمَاتِ  
 الْحَوَالِكِ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا بَرُّ يَا شَكُورُ يَا غَفُورُ  
 يَا رَحِيمُ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِئِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي  
 الْأَسْرَارُ يَا مَنْ لَكَ الْحُدُودُ الْأُولَى وَالْآخِرَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ  
 الْخَبِيرُ إِنَّكَ سَأَلَ الْمَلَائِكَةَ الْحُسْبَانَ وَأَنْفَعُ  
 إِلَيْكَ تَفَرَّغَ الصَّالِحُ الْكَسِيرُ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ  
 وَأَتَوَكَّلُ الْخَاشِعُ الْمُسْتَجِيرُ وَأَقِفْ بَيْنَاكَ وَوَقِفْ  
 الْمُؤْمِلُ الْفَقِيرُ وَأَتَوَكَّلُ إِلَيْكَ يَا بَشِيرُ الْبَشِيرِ  
 وَالْبَرِّ الْأَجْمَعُ يَا مُحَمَّدُ طَائِفَةُ النَّبِيِّينَ وَابْنُ عِمَّةِ أُمَمِهِ  
 الْمُرْسَلِينَ يَا إِمَامَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَالِدِينَ  
 يَا مَاهِرَ الْمُتَّقِينَ الْخَفِيِّ لِلصَّدَقَاتِ وَالْخَاشِعِ  
 فِي الصَّلَاةِ وَالذَّاسِيَا الْمُجْتَهِدِ فِي الْجَاهِدَاتِ

رَحْمَةً

الشَّامِدِ ذِي الْقُنَاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ فَكَرَّمْتُمْ أَمَانِي  
 وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَإِنْ نِعَمْتَنِي مِنْ مُوَافَقَةٍ  
 مَعَاصِيكَ وَتُرْسُدْنِي إِلَى مُوَافَقَةٍ مَا بَرَصْنِكَ  
 وَتَجْعَلَنِي مِنْ بَرِّكَ وَيُؤْمِرُكَ وَيَقْبَلُكَ وَيَخَافُكَ  
 يُرَجِّحُكَ وَبِرِّكَ وَيَسْتَجِيبُكَ وَيَعْرِبُ إِلَيْكَ  
 يَا أَلَيْنَ مِنْ بَرِّكَ وَيُؤْمِرُكَ وَيَحْبِبُ إِلَيْكَ بِعَادَاةٍ  
 مِنْ بَعَادَتِكَ وَيَعْرِفُ لَدَيْكَ بِعِظَمِ نِعْمَتِكَ  
 يَا أَلَيْنَ مِنْ حَمْدِكَ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ  
 يَا مَنْ لَا يَخْلُو دَعَاؤُهُ إِلَّا بِسَارٍ وَآرِدُ أَفْجَرٍ دَرِينٍ  
 كَتَابَتْ مَعْنَاهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَامَ ظَلَمُهُ **فصل**  
 در بیان آنچه در او اهل روز مجازند سنت کردار اول



روزه صدق گفته هر چه سیر باشد اگر چه اندکی روایت کرده گشتی  
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله  
علیه وآله فرمود که بگو و یا اَلصَّغْدَةُ فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا يَخْطُبُهَا  
یعنی در وقت بیکر که ابتدای روز است صدق کنید که بلا  
از آن وقت بگذرد یعنی باقی روز سبلاست نه وهم آورد  
کرده از آن حضرت صلی الله علیه وآله که فرمود که در وقت ابتدا  
صدق کنید و در آن وقت رعیت کنید پس هیچ مؤمنی  
نباشد که صدق کند بعد از آن که ایمان بر او ایستاده خدا  
تعالی است تا دفع کند از او آن صدقه و آنچه نازل شود از آسمان  
بر زمین در آن روز مگر نگاه دارد و خدا تعالی او را از شر آنچه  
نازل شود در آن روز و از آنچه در او ایستاده است خلاص  
در حدیث است از اهل بیت علیهم السلام که صدق کنید که کس که

در این خود را جلالت ببرد با خود از خود را در این فقره و باید  
 که هیچ کند او را دستار او وصله و بفرستد بر پیغمبر خدا علیه السلام  
 و چون آنقدر اقبال روز بجای آید در آن شب است غلام و چون  
 در آن شب در آن وقتین است پس یعنی از او آب و دعا های  
 آنها که در این عالم آماست غلام یعنی دستار بر سر چیدن پس  
 در آن شب که در آن باید گفت اللَّهُمَّ سَوِّغْ لِي نَيْلًا  
 الْأَمَانِ وَتَوَفِّجِي بَيْنَ الْكَوْنَيْنِ وَفَعِّلِي جَلِيلَ الْأَعْلَاءِ  
 وَلَا تَجْعَلْ رِيقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عَنَقِي وَبَابِ كَرْتَمْتَعَا  
 و بگوید و چون غلام بخیزد بپایان بخش کند آنکه سید و زید اگر سید مولا  
 و او این کرده شیخ طوسی رحمه الله در تندیسند جس که حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام فرموده کسی که غلام سید و دعا را  
 در حرکت خود بخورد برسد باوردی که او را او باشد پس

[illegible]







19

74

الرواية عن علي بن ابي طالب  
فاخرجني من البيت  
امرني علي بن ابي طالب  
بغير ان اخرجني من البيت  
منه

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله الذي هدانا لهذا  
 الذي كنا لنهتدي لہ  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله الذي هدانا لهذا  
 الذي كنا لنهتدي لہ









آنچه کمال از میان دستانها بیرون آورد و بکلی نیست  
 بعد و بیرون آنچه زبان بیرون آورد و باینکه خوشتر از چیزی باشد  
 که عیال را با این میل باشد نه آنچه ترا میل باشد پس در اینست که  
 کلینی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که حضرت  
 پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده المؤمنین یا کل لیتهمو آهله  
 یعنی مؤمنان بخورند از آنکه میل میکنند و المشافق یا کل  
 آهله لیتهمو نیز یعنی منافق را از آنکه میل بخورند از آنکه میل  
 میکنند اما ادب خوردن آب که بگوید نزد آن الحمد لله  
 المنزل الماء من السماء ومصرف الامر كيف يشاء  
 بسم الله خیر الاسماء و بعد از آن بخوردن بگوید الحمد لله  
 الذي سقانا ماء عذباً فراتاً ولم يجعله ملحاً  
 اجاباً بذنوبي الحمد لله الذي سقاني ماء وافر

و اعطاني

و اعطاني ما رزقني و افاني و كفاني اللهم  
 اجعلني من استغفبه في المعاد من جود محمد  
 و شيعته و يؤلفني برحمتك يا ارحم الراحمين  
 سفت استامیدن آب کم کم بیکدن نه بیکبار کشیدن  
 روايت است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بیکبار  
 کشیدن آب صورت کباب است یعنی هر من بیکبار که آب  
 لب نفس خردی و هر دو دست برداری و هر دو استیلا گویی  
 بعد از هر نفسی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال  
 کرده شد از این استامیدن آب بیک نفس پس آنحضرت علیه السلام  
 فرمود که اگر آب بر سر پدید آید که ملوک و ارباب پس بخورند  
 و اگر از دست بخور بیک نفس در دو اینست که کسی آب بخورد پس  
 دور کند او را و حال که میل داشته باشد و هر دو استیلا کند

و اعطاني ما رزقني و افاني و كفاني اللهم  
 اجعلني من استغفبه في المعاد من جود محمد  
 و شيعته و يؤلفني برحمتك يا ارحم الراحمين  
 سفت استامیدن آب کم کم بیکدن نه بیکبار کشیدن  
 روايت است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که بیکبار  
 کشیدن آب صورت کباب است یعنی هر من بیکبار که آب  
 لب نفس خردی و هر دو دست برداری و هر دو استیلا گویی  
 بعد از هر نفسی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال  
 کرده شد از این استامیدن آب بیک نفس پس آنحضرت علیه السلام  
 فرمود که اگر آب بر سر پدید آید که ملوک و ارباب پس بخورند  
 و اگر از دست بخور بیک نفس در دو اینست که کسی آب بخورد پس  
 دور کند او را و حال که میل داشته باشد و هر دو استیلا کند

[illegible]

روي رئيس المحدثين في الفقه عن  
النبي صلى الله عليه وآله انما اذالت الخبيث  
ابواب الجنان و ابواب الجنان  
واستجاب  
الدعاء  
معه

[illegible]





هم بنایست که تا فی رسته تا بر طرف شود و این وقت است که  
 اقباب بدانه نصف النهار شده و معلومست که اقباب  
 در آن وقت نسبت به یکدیگر انعام کسب مختلف الاوقات  
 گاه در آن وقت جنوب سمت الزکس بعضی اقباب است و گاه در شمال  
 آن و گاه بر سمت الزکس ایشان پس در قسم اول و دوم سبب  
 نصف النهار بر طرف نمیشود بلکه در آن وقت در نهایت کمال  
 در جانب شمال یا جنوب و در این دو وقت چون شروع در زیاد  
 کند اول وقت و نصف النهار و در قسم سوم که اقباب در نصف النهار  
 بر سمت الزکس ایشان باشد سبب بکلیه بر طرف نمیشود و بعد از آن  
 ظاهر میگردد و اول ظهور آن وقت بر است و سبب شمس  
 پیش از زوال ظل میگویند و بعد از زوال فی مستقیمت از  
 فارغی معنای رنج زیرا که رجوع میکند کم کم با یک پیش از آن بزرگ

و من است و وقت قضیت ظهر تا کفر فی بعضی سبب که بعد از زوال  
 بهر سبب مساوی شمس شود و وقت قضیت ظهر تا کفر  
 دو برابر شمس شود و نسبت تا خیر یکبار این دو نماز از  
 اول وقت بعد از ادای نافله آن نماز و کسی که نافله کند تا خیر  
 است و نافله ظهر است و او این می نامند و وقت  
 او از زوال است تا کفر فی دو قدم شود یعنی مقدار دو سبب  
 شمس زیرا که قامت اغلب مردم هفت قدم است و  
 نافله ظهر را سبب می نامند و وقت آن از غروب شدن  
 از نماز ظهر است تا کفر فی چهارم قدم شود و بعضی علمای  
 ما اعتقاد مند بودند و وقت این نافله است مانند  
 و وقت این نماز پس وقت نافله ظهر منتهی است تا کفر فی  
 مثل شمس شود و نافله ظهر تا کفر دو برابر شود و این دور نیست

فصل فی احوال اهل البیت علیهم السلام  
 و فی بعضی احوال اهل البیت علیهم السلام





و در اخبار معتبره و لایحه برین است بلکه در بعضی روایات  
و لایحه بر زیادتی وسعت وقت تأخیر میکنند روایت کرده  
در تذکره سید سجید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
فرمود که نماز پنجشنبه بهتر از همه است هرگاه که بخوابد و نشود  
مقبول است پس مقدم و از آنچه خواهی مؤخر و از آنچه خواهی  
مؤخر و از آنچه خواهی امانت است که هیچیک از علمای ماعل  
بإطلاق این حدیث از وسعت مقدم و تأخیر نگرفته و شاید که  
مراد بقدیم ادرا باشد و تأخیر قضا و اداء علم مشهور میانه  
علمای ماست که جایز نیست اعتنا در نظم دخول وقت  
مگر با عدم قدرت بر تحصیل علم پس سایر این جایز نباشد اعتنا  
بر قول مکی عادل و نیز بر اذان شهر اگر چه مؤذن عادل باشد  
مگر با عجز علم و ظاهر کلام محقق در معتبر جواز اعتنا در اذان

کتابخانه مجلس شورای ملی  
تاسیس ۱۳۰۲  
تقریرات و لایحه  
در بعضی روایات  
و لایحه بر زیادتی  
وسعت وقت تأخیر  
میکند روایت کرده  
در تذکره سید سجید  
که حضرت امام جعفر  
صادق علیه السلام  
فرمود که نماز پنجشنبه  
بهتر از همه است  
هرگاه که بخوابد و  
نشود مقبول است  
پس مقدم و از آنچه  
خواهی مؤخر و از آنچه  
خواهی امانت است  
که هیچیک از علمای  
ماعل بإطلاق این  
حدیث از وسعت مقدم  
و تأخیر نگرفته  
و شاید که مراد  
بقدیم ادرا باشد  
و تأخیر قضا و اداء  
علم مشهور میانه  
علمای ماست که  
جایز نیست اعتنا  
در نظم دخول وقت  
مگر با عدم قدرت  
بر تحصیل علم  
پس سایر این  
جایز نباشد  
اعتنا بر قول  
مکی عادل و نیز  
بر اذان شهر  
اگر چه مؤذن  
عادل باشد  
مگر با عجز  
علم و ظاهر  
کلام محقق  
در معتبر  
جواز اعتنا  
در اذان

علمای ماست اما خبر اوج دو عادل در دخول وقت با اذان برهان  
پس ظاهر جواز اعتنا و است بر آن اگر چه قدرت داشته باشد علم  
با آن بزرگوار علم و حاکم است و کسی که اتمام از حق تحصیل اقول  
و ضمه و بجا آوردن مستحبها و نشسته باشد باید که در خانه خود چوب  
داشته باشد و در این فرمود و او چوبی که بگفت قسم کرده باشد پس نگاه  
سایه نباشد نقصان نشد یا شرف کند در حدیث مشکوٰۃ پس شرف  
در نماز روزی اگر موقوف باشد بسعادتی که در نماز است و شرف کند در نماز  
و در اوق وقت اگر مردم باشد آنان سعادت و باید که ملا حظتی  
تا به پس بجز مقدر و وسیع شایسته باشد و در وقت  
تأخیر و در آن میوه پس اگر از تأخیر بجز بجز بجز بجز بجز بجز  
ترک کند و مستغول کرد و نماز واجب و اگر از تأخیر بجز بجز بجز بجز  
و این بجا نباشد اذ و ذکر سجده دهم و کلمات اول تحقیق میشود





وَنَصَحَ بِلَاذَنْ وَأَلَاؤُهُمْ كُنْزِي عَلَى  
قَالَ الْمَلِكُ وَمَا تَنْزِيلُ الْكُتُبِ هَذَا  
وَلَا تَنْصَحُ بِلَاذَنْ وَأَلَاؤُهُمْ كُنْزِي عَلَى  
الْمَلِكِ نَزَلَ الْأَمْرُ بِهَذَا الْكُتُبِ أَوْ مِثْلِهِ

الوصف

[illegible]

یا افریخته گند در تقییب صبح مذکور شد بعد از آن تسبیح قاطعه  
نهر اعلیها السلام بگو و در دعائی که خواهی از آنها که در تقییب  
صبح مذکور شد بخوان سوره بقره صبح مثل آنکه مستغفر  
دعای صبح و بعد از آن احوال بعد از آن بگو یا من اظهر الخیر  
و سحر الفجر یا من لم یؤخذ بالجور و لم یفتک  
السيف یا کریم الصبح یا عظیم المن یا حسن  
التجاری یا واسع الخفوة یا باسط الیدین  
یا الرحیم یا سامع کل عجزی یا مستغنی کل شکی  
یا مبسک یا بالنعیم قبل استحقاقها یا ربنا یا ربنا  
یا ربنا یا سیدنا یا سیدنا یا سیدنا یا غایة رغبتنا  
یا ذا الجلال و الاکرام اسألك بحسب محمد و علی و فاطمه  
و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی

و علی

و علی و محمد و علی و الحسن و محمد مناجات الزمان  
سلام الله علیهم اجمعین ان تصلي علی محمد و آل  
محمد و ان تکشف کرب و تغیر ذنبی و تقسح عینی  
و تفرج عینی و تفضل نفاثی فی صبحی و درای و ان  
تخلی الجنه و لا تسوء خلقی بالتأوی و لا تفعل فی  
ما انا اهله برحمتک یا ارحم الراحمین **بعد از آن**  
**بگو** یا سامع کل صوت یا جامع کل ذنب یا بارئ  
النفوس بعد الموت یا باعث یا وارث یا الله الاله  
یا جبار الجبارین یا مملک الدنیا و الاخره یا رب  
الارباب یا سید السادات یا مملک الملوک  
یا بطاش و البطش الشدید یا مبسک یا مبسک  
یا مقال یا مبین یا محفی عدو الانفاس و قتل









بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

فَقُلْ أَن لَّنْ فَتْدَرَعَلِيَّةٌ فَتَادِي فِي الْعَلَمَاتِ أَن  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ  
فَاسْتَجِبْ لَهُ وَبِخَيْرَةٍ مِّنَ الْعَمَلِ فَاتَّعَالَكَ وَهُوَ  
عَبْدُكَ وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَسَأَلُكَ وَ  
هُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ أَن تُصَلِّيَ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا سَجَّيْتُ لَهُ  
وَأَدْعُوكَ يَا دَعَاكَ يَرْعِي عَبْدُكَ أَيُّوبَ إِذْ مَسَّهُ الشَّقَاءُ  
فَدَعَاكَ إِنِّي سَمِعْتُ الضُّرَّ وَأَنْتَ أَهَمُّ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْ  
لَهُ فَكَشَفْتَ مَا فِيهِ مِنَ ضُرِّهِ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَشْكُومُهُ  
مَعَهُمْ فَاتَّعَالَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَسَأَلُكَ وَهُوَ  
عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ أَن تُصَلِّيَ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَجْتَ عَنْهُ وَأَنْ

تَسْتَجِيبَ

تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَأَفْعَلْ لِي كَمَا وَكَّلْتَ أَوْ مَا جِئْتُكَ بِهِ وَكَرَّمْتَ وَرَكْعَتِ افْرِجْ  
بِكُذْرٍ وَبَعْدَازِهَا يَكُونُ بِأَمْرِ الظَّاهِرِ الْمَجِيدِ وَسُورَةِ الْقَبْحِ  
بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي يَكُونُ بِرَأْسِ نَارِ عَمْرِو وَفَاعِلُهُ كُنْ مِيَانِ إِذَا نَوَّ  
أَقَامْتَ بِسُجُودٍ وَدَعَاكَ بِأَيِّ كُذْرٍ شَدِيدٍ دَرَمَارِصِ وَظَهَرِ بِسْمِ  
مُسْتَقُولٍ ثَوْبًا عَمْرُو بِهَامِ أَدَابِي كَرَمُورِشِدٍ وَبِحُجَانِ وَرَكْعَتِ  
أَوَّلِ إِذَا جَاءَ الْفَرَسُ وَالْفَخْخُ بِالْهَيْكَمِ الْكَافِرِ وَمِثْلِهَا جَانِ كَرَمُ  
رَدَّ أَسِيرِكُوهُ شَيْخُ الطَّاهِرَةِ دَرَمَارِصِ سَبَازِ أَمَامِ جَعْفَرِ صَادِقٍ  
بِسْمِ اللَّهِ وَبَعْدَازِ فَرَاغِ أَرْمَارِصِ تَعْقِيبِ حُجَانِ أَفْرَدِ عَقِبِ  
نَاظِرِ حُجَانِ كَرَمُورِشِدٍ وَبَعْدَازِهَا جَانِ كَرَمُورِشِدٍ  
مُخْصَرِصِ وَرَكْعَتِ اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا  
هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

اي الاميل فنعف الى الحق الاخر كما  
لعلوم التي ليس لها دخل في امر الدين  
فكيف العلوم التي هي بالدين فكل  
بالله منها  
منه

استغفار

استغفار کند و بایمزد خدای تعالی مقصد گناه او را و حرمت  
 امام محمد تقی علیه السلام فرموده که کسی که نماز ازله فی الجمله  
 بخواند و بار عبادت عمر نکند و آن خواندن بر مثل حال خلافت  
 معنی ثواب آن خواندن بار ثواب عبادی یک خلافت باشد  
 و از روز عبادت آن عدم سجده کردن و بخوان در آنها آنچه پیش  
 گذشت و باید که از این صاحبان التَّائِبِينَ لَی رَجَبٌ  
 وَ هِیَ الْبَیْکَ وَ اَبَیْکَ یَدْعَانِی عَلَیْکَ دَاجِیَا اِطَاعَا  
 طَامِعَا وَ مَغْفِرَتِکَ طَالِبَا مَا آوِیْتُ بِرَءِی فِیْکَ  
 مُسْتَعِیْزَا وَ عَدَاکَ اَذْعُوْا اَدْعُوْنِیْ سَجْدَ لَکُمْ  
 فَصَلِّ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَ اَلْحَمْدُ وَ اَنْزِلْ اِلَیَّ مِنْ حَمْدِکَ  
 وَ اسْتَجِبْ طَلَبِیْ بِاَللّٰهِ الْعَالَمِیْنَ **فصل** در انداختن  
 چشم و از زوال تا افتداد که چهار رکعت بگذرانند از هر مرتبه





ما شئتني به عن كل مطلب فاندت في بلبي  
 رحاك وانقطع دجائي من سوال حتى لا اجوا  
 الا اياك اياك تحب الداعي اذا دعاك وقضيت  
 الملقوب اذا ناداك وانت ارحم الراحمين  
والله اعلم ان زمانك بقدر جوار رحمتك بل قد  
 اذ اول زوال غار ظلم از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام  
 ودعاي ان ينسب اللهم انت اترك الغيث  
 برحمتك وعليت الغيب بمشيئتك ودمرت  
 الامور بحكمتك وذلك الغيب الغيب عنك  
 واعجزت العقول عن علم كنهيتك وحجرت  
 الانصار عن اذراك صفتك والادهام عن  
 حقيقة معرفتك واضطرت الانعام الى الاعتراف

بوحدة ربك

بوحدة ربك يا من مريم الغيرة وقيل العزة  
 لك العزة والقدر لا يعزب عنك في الاثر  
 ولا في السماء شغال ذرة اقول لك يا يحيى  
 الانبي محمد رسولك العربي المكي المدي الطائفي  
 الذي اخرجنا من الظلمات الى النور ويا منير  
 المؤمنين على ارض طالبت عليه السلام الله  
 شرحت بولامية الصدور والامام جعفر بن  
 محمد الصادق في الاخبار المؤمن على كنو  
 الاسلام وصلى الله عليه واهل بيته العشي  
 والاكابر اللهم اني استنك بهم واستشفع  
 بكم انهم لاني واقدمهم امامي وبين يدي  
 حواشي فاعطني الفرج الهني والمخرج الوهني



وَالصُّنْعُ الْعَرِيبُ وَالْأَمَانُ مِنَ الْمَرَجِّ فِي الْوَقْتِ  
 الْعَصِيبِ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَوَاقِفَ الذُّنُوبِ  
 لَسْتُ عَلَى قَافِيَاتِ الْعُيُوبِ فَأَنْتَ الرَّبُّ  
 وَأَنَا الْمَرْغُوبُ وَأَنَا الطَّالِبُ وَأَنْتَ الْمَطْلُوبُ  
 وَأَنْتَ الَّذِي يَذْكُرُكَ قُلُوبُ الْعُلُوبِ وَأَنْتَ  
 الَّذِي تَقْدِرُ بِالْحَيِّ وَأَنْتَ عَلَامَةُ الْعُيُوبِ  
 يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا خَيْرَ الْخَائِلِينَ وَيَا أَمَّ  
 الْحَاكِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **سَامِعْ**  
 كَرَامَتُكَ فَهِيَ هِيَ نَامِقْدَارُهَا رَدِّعَتْ نَارَ انْفِرَ  
 أَمَّ مَوْسَى كَأَنَّهُ هُوَ وَدَعَا إِنْ هِيَ اللَّهُمَّ  
 أَنْتَ الْمَرْجُوَادُ أَسْتَدُّ الْأَمْرُ وَأَنْتَ الْمَدْعُودُ إِذَا  
 مَسَّ الْفَرْجُ وَجِبَّ الْمَكُوفُ مِنَ الْمَضْطَرِ وَالْمَجْنُوعُ

مِنْ ظُلُمَاتِ السِّرِّ وَالْجَبْرِ وَمَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ  
 الْأَمْرُ وَالْعَالَمُ يُوسَاوِسُ الصُّدُورَ الْمَطْلُوعَ  
 عَلَى خَفِيِّ السِّرِّ بِإِعَانَةِ كُلِّ نَجْوَى وَمُسْتَهْجَى  
 كُلِّ شَكْوَى يَا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأَجْهَةِ وَالْأُولَى  
 يَا مَنْ طَهَّرَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى الرَّحْمَنُ  
 عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى لَهُ مَنَاقِبُ السَّمَوَاتِ وَمَا  
 فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا خَلَقَ النَّفْسَ وَإِنْ  
 تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَخَفِيَ اللَّهُ  
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى اسْتَغْلِ  
 بِحُجَّةِ خَافَةِ الْيَتِيمِينَ خَيْرَ تَرْكٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ  
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَدَاءِ رِسَالَتِكَ وَيَا مِيرَ الْغَيْبِ  
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي جَعَلْتَ وَلَايَةَ

مَقْرُونَةً مَعَ وَلَا تَكُنْ مَقْرُونَةً مَعَهُ  
وَصَبَّحْتَ يَا لَيْلَى الْكَافِرُ مُوسَى ابْنُ جَعْفَرٍ  
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الَّذِي سَأَلَكَ أَنْ تُقَرِّبَهُ  
لِيَأْتِيكَ وَيَخْلِيَهُ لِيَأْتِيكَ فَاجِبِي دَعْوَتَهُ  
أَنْ تَقْرَأِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَوَةٌ تَقْضِي بِهَا  
عَنِّي وَاجِبُ حَقِّ قِيَمٍ وَتَقْرَأِي فِي أَرْوَاقِهِ  
وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ وَأَسْتَشْفَعُ بِعَبْرَتِهِمْ بَعْدَ  
فَلَا تَهْتَمُّ أَمَّا هِيَ وَبَيْنَ يَدَيْهَا حَوَائِجِي أَنْ تُجِيبَنِي  
عَلَى حَوَائِجِي عَنَّا إِلَيْكَ وَتَقْرَأِي خَزَائِنَ أَيْدِيكَ وَتَأْتِيَنِي  
بِغَمِي وَبَصْرِي وَبَصْرِي وَتَأْتِيَنِي بِغَمِي وَبَصْرِي  
عَنْ مَوْتِي وَبِئْسَ مَا تَقْضِيَنِي بِهِ عَلَى هَوَاكَ  
وَقَرِّبِي مِنْ سَبَابِ رِضَاكَ وَتُوجِبِي لِي نَوَافِلَ

ضميمه

مضاد

فَضْلِكَ وَتَسْتَدِينِي لِي مَنَاجِي طَوْلِكَ بِالْأَرْحَمِ  
الرَّاحِمِينَ **الفتا** كَرِهَ أَنْ يَكُونَ مَقْدَارَ جَارِهِ

تَأَوُّفَتْ تَارِيخُهَا وَتَمَرَّتْ بِهَا مَرْفَعَةُ عِلْمِهَا بِالسَّلَامِ هَسَتْ وَدَعَا  
أَنْ تَبْسُطَ الْأَعْيُنَ أَمَّا الْكَاشِفُ لِلْغُلَاظِ الْكَافِرِ  
لِلْمُهَيَّاتِ وَالْمُفَوِّجِ لِلْكَوَارِثِ وَالْمُسَاعِدِ لِلْأَسْرَارِ  
وَالْمُفْرِجِ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَالْمُجِيبِ لِلدَّعَوَاتِ الرَّاحِمِ  
لِلْجَبَرَاتِ جَبَارَاتِ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ بِأَوَّلِي بِأَمْرِهِ  
يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ يَا كَرِيمَ الْكَرَمِ يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْأَعْظَمُ  
يَا مَنْ عَالَمُ الْإِنْسَانِ مَا لَمْ يَكُنْ فَالْهُدَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ أَسْأَلُكَ مُحَمَّدَ الْمُصْطَفَى مِنْ  
الْحَقِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي وَكَّلَهُ  
فَأَكْفَيْتُهُ شَأْنَهُ وَأَوْتَيْتُهُ نَوَاجِدَهُ صَابِرًا وَبَاطِنًا

لَا تَقْرَأِي فِي أَرْوَاقِهِ أَنْ تُجِيبَنِي  
عَلَى حَوَائِجِي عَنَّا إِلَيْكَ وَتَقْرَأِي  
خَزَائِنَ أَيْدِيكَ وَتَأْتِيَنِي بِغَمِي  
وَبَصْرِي وَبَصْرِي وَتَأْتِيَنِي بِغَمِي  
وَبَصْرِي عَنِ مَوْتِي وَبِئْسَ مَا تَقْضِيَنِي  
بِهِ عَلَى هَوَاكَ وَتُوجِبِي لِي نَوَافِلَ

الكَاشِفُ لِلْغُلَاظِ الْكَافِرِ  
لِلْمُهَيَّاتِ وَالْمُفَوِّجِ لِلْكَوَارِثِ  
وَالْمُسَاعِدِ لِلْأَسْرَارِ  
وَالْمُفْرِجِ مِنَ الظُّلُمَاتِ  
وَالْمُجِيبِ لِلدَّعَوَاتِ  
رَّاحِمِ الْجَبَرَاتِ  
جَبَارَاتِ الْأَرْضِ  
وَالسَّمَوَاتِ  
بِأَوَّلِي بِأَمْرِهِ  
يَا عَلِيَّ يَا عَلِيَّ  
يَا كَرِيمَ الْكَرَمِ  
يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ  
الْأَعْظَمُ  
يَا مَنْ عَالَمُ الْإِنْسَانِ  
مَا لَمْ يَكُنْ  
فَالْهُدَى السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ  
وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ  
أَسْأَلُكَ مُحَمَّدَ الْمُصْطَفَى  
مِنْ الْحَقِّ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ  
يَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ  
الَّذِي وَكَّلَهُ  
فَأَكْفَيْتُهُ شَأْنَهُ  
وَأَوْتَيْتُهُ نَوَاجِدَهُ  
صَابِرًا وَبَاطِنًا





وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْيَارِ أَنْ يَجْعَلَ مَوَالِيَهُمْ عَوْنَهُ  
 مِنَ النَّارِ وَتَحْتَهُ الْوَلَّى أَرَادَ الْغَرَامَ فَقَدْ نَسَبْتُ  
 بِهِمُ الْمَلِكَ وَقَدْ مَنَّهُمْ أَسَاسِي بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي  
 وَأَنْ أَخْصِي مِنَ التَّعَرُّضِ لِمَوَاقِفِ سَخَطِكَ وَتَوَقُّعِي  
 لِسُلُوكِ سَبِيلِ عَيْتِكَ وَتَرْجَاؤِكَ يَا أَهْلَ الرَّاجِحِينَ  
**وَسَلَامٌ عَلَيْهِمْ** بعد ذلك وسمعت أن وقت عمرنا يمشي  
 زروني فإني سأله خرفت على البلاد بسبب عليهم السلام ودعاه  
 بنيت اللهم أنت الولي المحيد الغفور الوهيد  
 المبدئ المعبد والعرش المجيد والبطش الشديد  
 معان لي يا يزيد يا من هو أقرب إلي من جيل الويد  
 يا من هو على كل شيء شهيد بالاعتقاد عليه  
 الذنوب والأكبر عليه الصبح عن العيوب استلك

عبد الله

بِجَلَالِ عَيْتِكَ الَّذِي مَلَأَ أَرْكَانَ عَرْشِكَ وَفَقْدَ نَيْكَ  
 الْوَقْدَ نَيْتَ بِمَا عَلَى خَلْقِكَ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ  
 كُلَّ شَيْءٍ وَفَوْزِكَ الَّتِي مَنَعَتْ بِهَا كُلَّ كَيْدٍ وَرَسُولٍ  
 الَّذِي رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَهَدَيْتَ بِهِ إِلَى السَّبِيلِ  
 الرَّشَادِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ  
 أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِكَ وَصَدَّقَكَ الَّذِي وَفَى  
 بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ وَصَدَّقَ بِإِلَافِامِ الرِّبِّ عَلِيَّ بْنَ  
 مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي كُنَيْتُهُ حَبْلَةَ الْأَمْثَلِ  
 وَأَدْنَاهُمْ حَبِيبَ الْأَيَّةِ إِذْ قَدْ سَلَّاهُمْ فِي الدُّنْيَا  
 أَنْ مَضَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ  
 إِلَيْكَ وَقَدْ مَنَّهُمْ أَسَاسِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَأَنْ  
 مِنْ كَيْفَانِكَ فِي خَيْرِ دَعْوَى وَمِنْ كَلَامِكَ خَيْرُ

بِجَلَالِ عَيْتِكَ  
 الَّذِي مَلَأَ  
 أَرْكَانَ عَرْشِكَ  
 وَفَقْدَ نَيْكَ  
 الْوَقْدَ نَيْتَ



[illegible]

علي ابراهيم طالبعلم الغرض طاعتك على العريب  
 والبعيد الموبد سفير في كل وقف منتهى ويا  
 لا اله الا انت من علي الذي طبع للسياح مختلفه  
 من مر ايضا وامض يا الدواب الصناديق لك  
 له مراكبها ان نصلي على محمد وآل محمد فداك  
 بيم اليك وقد سفعه اماحي بين يدي حواشي  
 وان حقيق بالوفوي لزيد معاصيك ما ابيته  
 وصليتي على النساك وطاعتك وما احببتي  
 وان تحسم لي بالخير اذ اذ الوقيتي بفضل  
 علي بالمباشره اذ الحاسبتني وهب لي العفو  
 اذ الكاسفتني ولا تخلفني في نفسي فاعمل محرمي  
 الى غيرك فاذا كل ولا تخلفني ما اظلمت لي

فَأَضَعَتْ وَلَا تَبْلُغُنِي بِمَا لَا صَبْرَ لِي فَأَعِزَّنِي بِأَجْرِي  
 عَلَى حَبْلِ عَوَائِدِكَ عِنْدِي وَلَا تُؤْخِذْنِي بِسُوءِ  
 عَمَلِي وَلَا تَسْلُطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
 الرَّاحِمِينَ **وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَرَدَّ فِي أَفْئَادِهِ نَارُ عَرْشِ**  
**أَفْئَادِهِ** رَحْمَتِ نَامٍ مُحَمَّدٍ مَهْدِي صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ  
 وَدَعَاءِ نَبِيِّهِ اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 وَالْمَاءِ وَالْمَوْضُوعِ وَرَازِقِ الْعَالَمِينَ وَالْمُطِيعِ  
 الَّذِي لَيْسَ لَهُ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ  
 الرَّاحِمِينَ إِذَا اسْتَيْسَتْ عَلَى طَوَارِقِ الْعُرْعَادِ نَبِيٌّ  
 وَرَازِقُ أَفْئَادِهِ عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَنْسُورًا  
 وَرَازِقُ أَفْئَادِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَتَحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ  
 وَإِذَا احْبَطَتْ إِلَى ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ اسْتَعْت

عَلَى الْكَافِرِينَ

لَهَا الْمَضَارِقُ وَإِذَا ارْتَعَبَتْ فِي الْمَوْتِ انْتَهَرَتْ مِنْ  
 الْكُفْرِ وَإِذَا أَوْدَعَتْ فِي الْمَعْدِنِ حُرُوجَتْ إِلَى الْوَدَعِ  
 وَإِذَا أَدْرَكَتْ عَلَى الْقُلُوبِ وَجَلَّتْ خُشُوعًا وَإِذَا  
 فَرَعَتْ الْأَسْمَاعَ فَاضَتْ فَاسَتْ الْعَيُونَ دُمُوعًا  
 يُحْجِلُ سُلُوكَ الْمُؤَيَّدِ بِالْمُحْجَرَاتِ الْمَبْعُوثِ بِحُكْمِ  
 الْآيَاتِ وَيَأْمُرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ  
 أَخْرَجَهُ لِمَا خَانَهُ وَوَصِيَّتَهُ وَأَصْطَفَيْتَ لِمُصَافَاةِ  
 وَمُصَافَاهِهِمْ وَيُضَاجِبِ الزَّمَانَ الْمَهْدِيَّ الَّذِي  
 عَلَى طَاعَتِهِ الْأَرْوَاحُ الْمُشْرِقَةُ وَتَوَلَّى بَيْنَ الْأَهْوَاءِ  
 وَتَسَخَّلَ بِهِنَّ حَقُّهُ وَأَوَّلِيَّائِهِ وَتَنَقَّاهُمْ مِنْ رَدِّ  
 أَعْدَائِهِمْ وَمَلَأَ بِهِمُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَإِحْسَانًا وَنَوَسَّجَ  
 عَلَى الْحَيَاةِ بَطْنُومَهُ فَضْلًا وَآمِنًا وَغَيْرَ ذَلِكَ



الى مكانه عن رجا حمله وجميع الذين على يدية  
 عفا جديدا ان قسلي على محمد وال محمد فقد استغفرت  
 بهم اليك وقد علمتهم امامي بين يدي جبرائيل وان  
 تودعني شكر نعمتك في التوفيق لميوتك والهداية  
 الى طاعتك وتزيت في قوة في نفسك بعصمتك  
 والكره في من غير انك تسمع الدعاء بحبك يا ارحم  
 الراحمين **باب جهاد** در بيان كرميان فرود رفتن آنها  
 تا وقت خواب بايد آوردن اول وقت نماز مغرب بجا آوردن  
 بشور بر طرف شدن رخسار مست و ميكشد وقت  
 تا بر طرف شدن شفق مغرب و وقت اذان ميكشد تا اتمه  
 از نصف اول شيه مقدار گذاردن تا دوشام بگذرد و قدر گذاردن  
 و نماز خفتن بايد و چون وقت نماز شام متحقق شود ده بار بگويد

ان الغفر من ذكره فضل عظيم يحصل  
 من صوم فانه اصل التوكل لا يكمل الا  
 بغير الاكسها وجه ان الكمال هو  
 الجود اذ هو قوام التوكل فقام  
 لتوكلها في الدعاء القوي في وقت  
 من صوم عظيم و هو من صوم  
 اذ هو كرم و هو من صوم  
 من صوم عظيم و هو من صوم

روایت

روايت کرده اين باب به قدر سه در فقير بنده جمع از حضرت  
 امام جعفر صادق عليه السلام از دعاء نوح عليه السلام و آنچه  
 روايت کرده چنين است جمع از امام محمد باقر عليه السلام  
 و هر دو گذشت و دعاي دي وقت طلوع فجر بعد از آن دست  
 بر سر گذايد بگوش بر روی خود و ريش خود را بگيرد و بگويد  
 احطت على نعمتي و اهل و مالي و ولدي من غايبت  
 و شاهد يا هدي الذي لا اله الا هو عالم الغيب و شاهد  
 الرحمن الرحيم المحي القيوم لا تاخلك سنة ولا نفا  
 تا وهو العلي العظيم و اگر خواهی ان كتابي از اين دعا  
 خصوصاً در وقت رس از نكي وقت بعد از نماز استقامت نماز  
 زیرا که مستقار از روایات و ابواب معتبر از اصحاب عصمت است علم  
 نكي وقت معرست و روایات در اين بيار است چنانکه

قال الله يا محمد و هو في الدنيا  
 من صوم فانه اصل التوكل لا يكمل الا  
 بغير الاكسها وجه ان الكمال هو  
 الجود اذ هو قوام التوكل فقام  
 لتوكلها في الدعاء القوي في وقت  
 من صوم عظيم و هو من صوم  
 اذ هو كرم و هو من صوم  
 من صوم عظيم و هو من صوم

روایت کرد که گیتی قدس سره پسندید که امام جعفر صادق علیه السلام  
فرموده بدین سنی که جعفر صادق اند که حضرت جعفر صلوات الله علیه بدو وقت غیر  
نار مغرب که وقت آن گیتیست و وقت آن سقوط افلاک  
و چنانکه روایت کرده محمد بن بابویه در مجلس شصت و دوم امام  
از ابی حمزه که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
که میگفت کسی که تاخیر کند نماز مغرب را تا آنکه ستاره مشرق شود  
یعنی ظاهر شود پس من از او بزارم و چنانکه روایت کرده شیخ  
طوسی در تهذیب پسندید که از درجی گفت که گفتم حضرت امام  
جعفر صادق علیه السلام بدین سنی که چه مردم از اصحاب ابی الخطاب میگفتند  
مغرب تا وقتی که ستاره مشرق شود یعنی ظاهر گردد پس آنحضرت  
فرمود که هر مردی که این کار کند خداوند او را جزا دهد و آن  
کرده هم در تهذیب پسندید که از آنحضرت که فرمود بدین سنی که جعفر صادق

روایت کرد که گیتی قدس سره پسندید که امام جعفر صادق علیه السلام  
فرموده بدین سنی که جعفر صادق اند که حضرت جعفر صلوات الله علیه بدو وقت غیر  
نار مغرب که وقت آن گیتیست و وقت آن سقوط افلاک  
و چنانکه روایت کرده محمد بن بابویه در مجلس شصت و دوم امام  
از ابی حمزه که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
که میگفت کسی که تاخیر کند نماز مغرب را تا آنکه ستاره مشرق شود  
یعنی ظاهر شود پس من از او بزارم و چنانکه روایت کرده شیخ  
طوسی در تهذیب پسندید که از درجی گفت که گفتم حضرت امام  
جعفر صادق علیه السلام بدین سنی که چه مردم از اصحاب ابی الخطاب میگفتند  
مغرب تا وقتی که ستاره مشرق شود یعنی ظاهر گردد پس آنحضرت  
فرمود که هر مردی که این کار کند خداوند او را جزا دهد و آن  
کرده هم در تهذیب پسندید که از آنحضرت که فرمود بدین سنی که جعفر صادق

امیر کرد که حضرت جعفر صلوات الله علیه بدین سنی که جعفر صادق اند که حضرت جعفر صلوات الله علیه بدو وقت غیر  
نار مغرب که وقت آن گیتیست و وقت آن سقوط افلاک  
و چنانکه روایت کرده محمد بن بابویه در مجلس شصت و دوم امام  
از ابی حمزه که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
که میگفت کسی که تاخیر کند نماز مغرب را تا آنکه ستاره مشرق شود  
یعنی ظاهر شود پس من از او بزارم و چنانکه روایت کرده شیخ  
طوسی در تهذیب پسندید که از درجی گفت که گفتم حضرت امام  
جعفر صادق علیه السلام بدین سنی که چه مردم از اصحاب ابی الخطاب میگفتند  
مغرب تا وقتی که ستاره مشرق شود یعنی ظاهر گردد پس آنحضرت  
فرمود که هر مردی که این کار کند خداوند او را جزا دهد و آن  
کرده هم در تهذیب پسندید که از آنحضرت که فرمود بدین سنی که جعفر صادق



کسی خدا را که اذان و اقامت کند و فاصله کن میان اذان  
و اقامت و سگته نشستی روا نیست از حضرت امام جعفر علیه السلام  
که فرمود کسی که بشنید میان اذان و اقامت باشد مثل کسی  
که در خواب بود و عقیده در راه خلا و از یکدیگر باید میان اذان و  
اقامت گفت این دعاست اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا شُكْلَ يَقْبَالِ  
لَيْلِكَ وَارْدَابِيرَ نَارِكَ وَحَضْرَةَ صَلَوَاتِكَ وَأَصْوَاتِكَ  
وَعَائِنِكَ وَشَيْخَ مَلَائِكَتِكَ إِنَّ مُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
مُحَمَّدٌ أَنْ تَنْتَوُبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ **در سنن**  
**بکام** بخان پس در کتب فروع مذکور هست و شیخ شهید نقل  
سیره ورد کردن فرموده که حدیثی بر آن خافیه و بگو بعد از اقامت  
اگر دو نمازهای دیگر گذشت بعد از آن افتتاح نماز کن یا در پی هر گشت  
گذشته شد و دور کویت است بعد از آنکه سه روزه نماز را مثل اینها

10/17

[illegible]

10

الحمد  
فقد نزل الصديق على آية الخالق  
المعروف وادع إلى رحمة الله العبد  
يعتقده وادع إلى الرحمة العبد  
وإن كانت  
مستغنى عنك  
ومعنى هذا أن لا تطلب

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

در فضیله که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده کسی که  
بگذارد و نماز مغرب را بعد از آن تعقیب بخواند و سخن نکند تا آنکه  
دو رکعت فاکند آن دو رکعت نوشته شود از برای او و این چهار  
یعنی مقبول و مشهور نیست که از آن سنی کردن در میان چهار  
رکعت و دلالت میکند بر کبریا است آن روایت کرده ابی القاسم  
گفت منی که در امام جعفر صادق علیه السلام از آنکه حوت زخم  
میان چهار رکعتی که بعد از مغرب است و کند لای که علامه قدس  
سره در ضمنی باین روایت برگزیده است سخن میان مغرب و میان  
این چهار رکعت و موافقت کرده باشد شیخ شهاب قدس سره در ذکر  
بر این کند لای و محقق نیست که اگر رواست و اول وقت این  
چهار رکعت فارغ شدن از مغرب است و آخرش بر مغرب  
مشهور و رطوبت شدن شفق است و نماز است بر سبزه زبان

21



تاریعش، خواه شروع در اینکار کرده باشد و خواه نه و بعضی را  
مذهب است گفته شده که متداست و قنن یا انکه باقی  
ماند بعد از مغرب و پیش از نصف شب مقدار ادای آن  
و میل کرده باین شیخ شهید فکس مره در ذکر یک کلام  
علامه در منتهی دلالت میکند بر اتفاق علی یابری که آنرا  
و قنن غایب شدن شفق است پس نباید عدول کرد از  
مشهور و اگر قنن فروست شود باید قضا کرد مثل یابی سنبله  
را بنه و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت  
جعفر بن علی علیه السلام فرمود که خدای تبارک و تعالی مسألت  
نیکند به بنده که قضا کند نماز شب بر و زیکوی این فرشته  
من نظر کند بر بنده من قضا میکند چیزی را که من بر و در شب  
واجب کند ام گواه میکنم شمار ابدی کسی که من اورا در زمین

الحبيب  
فمن الصادق انك سالتهم ان يفتوا  
فيما بعد بعض صلوات الله عليهم  
على هذا القول الذي تعرفت وادركت  
عليك انك لم تفتهم في ذلك  
بل هو انهم على ان قاضيهم  
يعودون الى ان قاضيهم  
مضى في الدليل



ووه اعلمت ان حضرت الله معصومين عليهم السلام در تقييده  
والله عليهم على صلواتهم دائمون يعني مداومت ميكنند  
بر نماز سنتي كه فرستاده و در شب قضا كنند و بايد كه بعد  
اول استبداء كنند بوقت تكبير يا سه و عا كه گذشت بخواند و اگر  
بعد از الحمد قل هو الله احد سه بار و در ركعت دوم انا  
انزلنا في ليلة القدر و اگر خواهد در ركعت اول قل يا ايها  
الكافرون بخواند و در دوم قل هو الله احد و اگر الحمد سه بخواند  
كافيت چنانكه در باقي سنيها و بايد كه فرستاده و در ان  
بلند بخواند و در جميع نافله شب و بعد از فراغ از دو ركعت اول  
اللهم انك ترى ولا ترى و انت بالمنظر الاعلى  
و ان اليك الرجعي و المنتهى و ان لك المات  
و الحيا و ان لك الآخرة و الأولى اللهم انا نعوذ بك

ان نذرك

ان نذرك و خزي و نافي ما عند مني اللهم  
اذا استئذنتك ان تصلي علي عبد و آل محمد و استئذنتك  
الحجة يوم حجتك و استغفرك من الذنوب و استغفرك  
و استئذنتك من الخوار العين بعزتك و ان تحمدا  
او سمع رزقي عند كبري سني و احسن علي عند  
اقراب احلي و اطل في طاعتك و ما غير ربك  
و محط عندك و بولع لذك لمعني و احسن  
في جميع احوالي و اموري مغرني و لا تكلني  
الي احد من خلقك و تقول علي قضا و جميع احوالي  
للدينا و الآخرة و الباء بالذي و الذي و جميع  
احوالي المؤمنين و المؤمنين في جميع ما سأل  
لنفسك يوم حجتك يا ارحم الراحمين فصل

وبعدها فراغ اذ استخلفات دور ركعت اول فاطم مغرب  
 شروع كن دور ركعت اخرش ودر دور ركعت اول انها  
 بخوان بعد از الحمد اول سورة حمده ليسم الله الرحمن  
 الرحيم سبح لله ما في السموات وما في الارض  
 وهو العزيز الحكيم له ملك السموات والارض  
 يحيي ويميت وهو على كل شئ قدير هو الاول  
 والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شئ عليم  
 هو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام  
 ثم استوى على العرش يعلم ما يكف في الارض وما  
 يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها  
 وهو معكم ايما كنتم والله بما تعملون بصير له  
 ملك السموات والارض والى الله ترجع الامور

بويج

بويج الليل في النهار و بويج النهار في الليل وهو  
 عليهم بين ايت الصدق و من بخوان دور ركعت دوم سورة  
 حمز لو انزلنا هذا القرآن على جبل لراى خاضعا  
 متصدعا من خشية الله وتلك الامثال بغيرها  
 للبائس لعمركم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا  
 هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم ه  
 هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس  
 السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر  
 سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ  
 المصور له الاسماء الحسنى سبح له ملك  
 السموات والارض وهو العزيز الحكيم  
 سورة اخر ركعت دوم هفت بار بگو اللهم ربنا



بِرَحْمَتِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمَلَكِكَ  
 الْعَلِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغْفِرَ لِي  
 ذَنْبِي الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعَظِيمَ إِلَّا  
 الْعَظِيمُ بِسُجُودِ مَنْ تَارَعَ سُوَيْلَ بَيْنَ جِبَارِ كَرَمَتِ بَاقِي  
 شَامٍ طَعَامُ كَرَمٍ وَكَوَانِ الْبُحْرِ دَرَعَتِ صَبْحَ مَكُونِ رَدَا الْبُحْرِ  
 دَرَمِ صَبَاحٍ وَشَامٍ حَمْدُهُ مَسْبُودٌ **فَسَلِّ** وَكَرَمَتِ  
 وَصَحْبَتِ وَكَرَمَتِ بَسْمُكَ الْوَاقِعِ بِطَرَفِ مَغْرِبِ ابْنِ دَعَا  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّالِحِ الْمُسِيرِ الطَّهْرِ الْعَلِيِّ  
 الْخَائِفِ أَيْتَانِكَ وَسَيِّدِ أَصْفِيَانِكَ وَخَلِصِ  
 إِخْلَاطِكَ ذِي الْمَعَامِ الْحَيُّوِدِ وَالنَّفْعِ الْمَشْهُوِدِ  
 وَالْخَوْضِ الْمُرْدُودِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا

بَلِّغْ

بَلِّغْ رَسْمَ الْفِكَ وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ وَفَضَّحْ لَأَمْنِكَ  
 حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْعَالِيَةِ الْأَكْبَرِ  
 الْأَنْبِيَاءِ الْأَكْبَارِ الَّذِينَ أَنْجَيْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَسْلَفْتَهُمْ  
 مِنْ خَلْقِكَ وَأَسْتَعْمِدُوا عَلَى نَجْوِكَ وَجَعَلْتَهُمْ حُرَّانَ  
 عِلْمِكَ وَتَرَا حُجَّةَ وَخِيَتِكَ وَأَعْلَامَ بُلُوْرِكَ وَحَقَّقْتَ  
 شِرْكَكَ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَ قُلُوبَهُمْ بِمَرَاهِ  
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خِيَتِي وَأَخْشَرْنَا فِي دُخَانِ نَارِ نَارِ  
 وَلَا تَقْزِ وَأَيْتَانِكَ وَبَيْتَهُمْ وَأَجْمَلْنَا فِي نَارِ عَيْنِكَ وَجَنَانَا  
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ لَا مَوْتَ لَهُمْ  
 وَلَا لَهْمُ حَزْنٍ مَوْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ أَوْهَبِ الْعَمَادِ بَعْدَ بَيْتِهِ  
 وَجَاوِزِ الْبَلِّ بِرَحْمَتِهِ خَلَقَ حَبْدَنَا وَجَعَلَ لِيَا سَاوَسْنَا  
 وَجَعَلَ الْبَلِّ وَالْأَسَانِ أَيْتَانِ لِيَعْلَمَ بِمَا عَدَدَ السَّنِينَ

وَلِجَنَابِ اللَّهِ عَلَى أَثْبَاتِ اللَّيْلِ وَالْأَيَّامِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ  
 عِمْدَةُ أَمْرِي وَاصْلِحْ لِي أَعْرَضِي الَّتِي أَلْبَسْتَنِي بِهَا  
 وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلْ الْمَوْتَ نَارًا  
 لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَافْعَلْ بِنِعْمَتِي الْخَيْرَ مَا يَنْصَحُ  
 بِهِ أَوْلِيَانَاكَ وَجَزِّبْكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَامْنَنْ  
 عَنِّي تَرْهَاتُ وَدَفْعِي مَا يُرِيضُكَ عَنِّي يَا كَرِيمُ اسْتَسْنِئَا  
 وَالْمَلِكُ اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ ذُو الْإِلَهِيَّةِ وَالْأَلَمِيَّةِ وَالْأَنَارِ  
 الْأَصْدَقِ وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ  
 فَأَعِظْهُنِي بِمَا يَنْفَعُكَ وَلَا تُرْهِجْهُنِي بِمَا يَنْفَعُنِي عَلَى  
 مَعَاصِيكَ وَلَا تَكُ بِالْجَانِبِ عَلَيْكَ وَاجْعَلْ عَلَيَّ  
 مِنْهَا مَعْتَبَرًا وَسَعِيًّا مَشْكُورًا وَسَمَلًا لِي فِي الْخَالِقِ

عَسْرَةَ

عَسْرَةَ وَأَقْضِ لِي فِيهِ بِالْحَسَنِيِّ وَأَمِنِي مَكَرَكَ وَلَا  
 تَقْصِرْ عَنِّي سِرَّكَ وَلَا تَنْسِي ذِكْرَكَ وَلَا تَحْطِ  
 بِتَوَقُّعِي بِخَيْرِكَ وَتَوَكَّلْ وَلَا تُلْجِئْنِي إِلَى نَفْسِي  
 طَرَفًا عَيْنٍ وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا بِإِذْنِ  
 اللَّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ لِي لَدُنْكَ  
 حَقِّي أَعْمَى وَحُجَّتِكَ وَأَسْبَحْ أَمْرَكَ وَاجْتَنِبْ نَفْسَكَ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَقْرَبْ عَنِّي حَقَّكَ  
 وَلَا تَنْتَعِزْ عَنِّي وَصَلَّكَ وَلَا تَحْزَنْ عَنِّي عَسْرَةَ  
 أَوْ إِلَى وَلِيَّائِكَ وَأَعَادِي أَعْدَائِكَ وَأَارِضِي  
 الرَّهْبَةَ مِنْكَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمُسْلِمَ لِأَمْرِكَ  
 وَالتَّصَدِّقَ بِكَلَامِكَ وَإِتِّبَاعَ سُنَّتِكَ  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْتَعُ وَيَقِينِ

أَبْنَاهُ



لا تسمع وعين لا تدمع وتكلم لا تخرج وسلوة  
لا ترفع وعقل لا يسمع ودعاء لا يسمع وأعوذ  
بك من سوء القضاء ودرك الشقاء ونقاة  
الاعلاء وحجج البلاء وعقل لا يرمي وأعوذ  
بك من الفقر والكفر والعنة ونسي  
العنة وسوء الامر ومن بلاه ليس فيه خير  
من الذوا العضال وعلمه الرجال وخيبة  
المنقلب وسوء المنظر في النفس والأهل  
والمال والدين والولد وعند معاينة ملك  
الموت وأعوذ بالله من انسان سوء وجاني  
سوء وفن يبي وساعة سوء ومن شر ما يك في  
الأرض وما يخرج منها وما ينزل من السماء

سوء

وما يخرج

وما يخرج فيها ومن شر طعنا في الليل والنهار  
الأطوار والطون عجز ومن شر كل دابة في آخذ  
بناحيةها إن نبي على ما لم يستقيم فسبككم الله  
وهو السميع العليم الحمد لله الذي قضى عني صلوة  
كاسف على المؤمنين كيتابا مؤثرا بعد ان يكون  
الهم او استلك بحق محمد وآل محمد ان يقبل  
على محمد وآل محمد وان يجعل النور في بصري  
والجيرة في ذنبي واليقين في قلبي والإخلاص  
في عملي والسلامة في نفسي والسعة في رزقي  
والشكر لك أبدا أما أيقيني بعد ان دو سجدة شكر  
كن ويكون در انها وبعد ان انا كذا كنت وأقل كذا كنت  
المدد بك سبب يكون شكرا ودر بعض روايات بعد ان

شکر بعد از نماز مغرب است و در بعضی پیش از نماز بعد از آن  
 دو رکعت است یا سه رکعت یا در رکعت اول بعد از  
 الحمد بخوان و ذلنور راد و هب صفا فظن ان  
 لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا  
 انت سبحانک اوست من الظالمین و سجده  
 کرد و بخوانه من الغر و کذالك فجی المؤمنین  
 و در دو رکعت دوم این و عنده مفاخ الغیب لا  
 تعلم الا هو و تعلم ما فی البی و البحر و ما تحت  
 من و رف و لا یعلم الا هو و لا حیه فی ظلمات الارض  
 و لا طب و لا یبصر الا فی کتاب مبین بعد از آن  
 در موطا بخوان اللهم انی استلک مفاخ الغیب لا  
 تعلم الا انت ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان

کذا

کذا کن بعد از آن بگو اللهم انت ولی نعمتی فی العار  
 علی طبعی تعلم حاجتی فاستلک محی محمد و آل  
 محمد و علیهم السلام فاضیتها لی و حاجت خود  
 طلب کن که روایت کرده و شام بی سلام از حضرت امام  
 جعفر صادق علیه السلام که هر که این دو رکعت را بخواند در  
 میان شام و خفتن و دعا کند باین دعا و طلبد از خدا  
 دعا حاجتش اعطا کند خدای تعالی با و آنچه سئوال کند بکند  
 مشهور است نامیدن این دو رکعت بدو رکعت غفیل و  
 در دو رکعت غفلت و جهش است که ساعتی که این دو رکعت  
 در آن بخوانی ارند که میان شام و خفتن است از ساعت  
 غفلت می نامند روایت کرده در فیه که حضرت امام محمد  
 باقر علیه السلام فرموده که ابله من من فریضه را و شکرش را





از نادشام بر مذمت شهید و میکشده وقت فضیلتش تا  
 نکت ششده وقت او کاش تا چهار رکعت مانده بنصفت  
 و بگوید بعد از فراغ از دو رکعت غفیله اگر تفتش شفق  
 نماند پس اگر شفق باقی باشد شروع در نماز حقیقی ممکن  
 تا اگر شفق زایل شود در نماز که مذمت شیخ مفید و شیخ طوسی  
 قدس سرهما است که داخل نمیشود وقت نماز بعد از  
 غایب شدن شفق روایت کرده در فقیر بسند صحیح از  
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که اول وقت نماز حقیقی  
 بر طریقت شدن شمس است و آن بر طریقت برآمدن است  
 تا خیر ناروغها تا بر طریقت شدن شفق پس چون شفق زایل شود  
 باید که مبادرت کنی با قضا و اقامت بادعایابی که  
 پیش از اقامت نماز بعد از آن شروع کن در نماز حقیقی

بادی که پیش گذشت و بخوان در رکعت اول سوره اعلی  
 یا سوره و الشمس یا قمر یا مثل اینها باشد در درازی چنانکه  
 روایت کرده در مذمت بسند صحیح و در رکعت دوم سوره  
 قل هو الله اخذ مثل باقی نماز بعد از آن تکبیر بگوید و در  
 نماز بخوان آنچه گذشت دو باب اول و تکبیر می آید در باب  
 ششم و طول ده قنوت را و غفیله از نماز اگر وقت  
 وسیع است پس بخوان هر غفیله که شکر است میان صبح  
 و سام بعد از آن آنچه مخصوص است بعشا و بگوید اللهم  
 یحیی محمد و آل محمد صلی علی محمد و آل محمد و لا تنفک  
 مکرک و لا تنفک ذکرک و لا تنفک عنا ایام  
 و لا تخیر منا فضلك و لا تحل علینا غضبک  
 و لا تنبأ علنا من جوارک و لا تنقصنا من حیثک



وَلَا تَقْصِرْ عَنَّا بِكَ كَلِمَاتٍ وَلَا تَسْتَعَاظِفْكَ ذُنُوبَنَا  
لَمَّا أَعْطَيْتَنَا وَرِزْقًا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ هـ  
الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَبِيلِ وَلَا تُفَرِّقْ مَا بَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ  
وَلَا تُؤَيِّسْنَا مِنْ دَوْلِكَ وَلَا تُفَتِّنَا بِدَوْلِكَ  
وَلَا تُفْضِلْنَا عَبْدًا إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْنَا مِنْ لَدُنْكَ  
رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ عِدَاؤُنَا جَوَانُ مَرْكَبِكَ  
أَزْفَاؤُهُ وَتَوْحِيدُهُ مَعُونَتُهُ وَهَارِدُهُ بَارِعِدَانُهُ  
كَبُورُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ  
أَكْبَرُ وَهَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكَبُرِ  
اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَسَبِّحْ عَلَيَّ مِنْ  
حَلَالٍ وَرِزْقِكَ وَمَعْنِي بِالْعَافِيَةِ مَا أَبْقَيْتَنِي  
فِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَبَسِجْ جَوَارِحِي اللَّهُمَّ مَا بَيْنَا

مِنْ

مِنْ نِعْمَةٍ فَبِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ وَأَعُوذُ  
بِكَ يَا أَدَمَ الرَّاحِمِينَ **فصل** وابن دمان  
طَلِبَ رِزْقَكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَيْسَ لِي غَيْرُكَ يَوْضَعُ رِزْقِي  
وَأَنَا أَطْلُبُ عِطْرَاتِكَ تَحْتَ ظِلِّهِ وَأَجُودُ فِي  
طَلَبِهِ الْبُلْدَانِ وَأَنَا فِيهَا أَطْلُبُكَ الْخَيْرُ إِنَّ لَكَ أَدْرَكَ  
أَقْبَلَ سَهْلًا مَقْبُولًا أَمْ فِي خَيْرٍ عَلَى يَدَيَّ مَنْ قَدْ  
قِيلَ مَنْ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ عَلَيْهِ عِنْدَكَ وَأَسْبَابُ رِزْقِكَ  
وَأَنْتَ لَدُنِّي تَسْمِعُهُ بِطَفِكَ وَتُسْمِيهِ بِرَحْمَتِكَ  
اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَجْعَلْ بَارِئَةً  
لِي وَاسْعًا وَمُطْلَبَةً سَهْلًا وَمَا خَلَقَ قُرْبًا  
وَلَا تَعْنِي طَلَبُ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ وَرِزْقًا فَاتَكَ  
عَنِّي عَرَضًا وَأَنَا قَصِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَصِّلْ عَلَيَّ

مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدُ وَحُدٌّ عَلَى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو  
 فَضْلٍ عَظِيمٍ بِرَبِّكَ **سُبْحَانَكَ** الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ تَكُنْ لَنَا  
 بِأَرْضِنا وَنَاكَ وَالْجَنَّةُ وَنَجِّنَا مِنَ النَّارِ وَالنَّارُ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنا الْحَقَّ حَقًّا  
 حَتَّى أَجْتَنِبَهُ وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مَثَلًا يَمُنُّ بِمَا يَنْبَغُ  
 هَوَايَ يَغِيثُ هَدْيَ مِنْكَ وَاجْعَلْ هَوَايَ تَعَالَى  
 لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخُلُقِ نَفْسِكَ رِضًا مِنْ نَفْسِي  
 وَاهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذَاكَ  
 تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ صَلِّ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ  
 عَافِي فِيمَنْ عَافَيْتَ وَقَوِّ لِي فِيمَنْ قَوَّيْتَ يَا ذَاكَ

اسْعِدْ وَأَيُّ الْبَاطِلِ  
 بَاطِلًا حَتَّى يَمُوتَ

مِنْهَا

فَمِنَّا أَعْطَيْتَ وَفِي شَرِّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ فَتَقِي  
 وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ وَخَيْرٌ وَلَا يَجْأَزُ عَلَيْكَ  
 تَرَفُّدَكَ اللَّهُمَّ فَكُنْ بَيْنَ فَكُلِّ الْحَمْدِ وَحَمْدِ  
 حَمْدِكَ فَغَفَرْتَ فَكُلِّ الْحَمْدِ وَتَبَسَّطْتَ بِذَلِكَ  
 بِالْخَيْرِ أَيْ قَا عَطَيْتَ فَكُلِّ الْحَمْدِ نَطَاعِ رَبَّنَا  
 فَتَشْكُرُ وَنَحْمَدُ رَبَّنَا مُتَغَفِّرِينَ وَنَسْتُرُكَ كَمَا  
 أَلْبَسْتَ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَالْجُودِ لَيْسَ لَكَ  
 سَعْدُكَ وَالْخَيْرُ فِي دِيكَ تَبَادَرَتْ وَتَحَالَتْ  
 لَا مَلْجَأَ وَلَا مَجْأَ إِلَّا إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ  
 اللَّهُمَّ وَجِّدْكَ عَلَيَّ سُوءَ وَطَلْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ  
 وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ سُبْحَانَكَ يَا  
 كُنْتَ مِنَ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

مِنْكَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ



سُوءَ وَطَلَّتْ نَفْسِي فَأَعْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْعَافِينَ لَا  
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَدِّكَ عَلَيَّ سُوءُ  
وَطَلَّتْ نَفْسِي فَبِئْسَ عَلَى إِلَيْكَ أَنْتَ الْغَوَّابُ الْحَيُّ  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ الْوَكَدُّ كُنْتُ مِنَ الْغَائِبِينَ  
سُبْحَانَكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ  
عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَيِّتِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَ  
صَيِّتِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَأَسْأَلُكَ فِي مِلَّةِ عَافِيَةٍ  
وَأَزِيدُنِي تَامَةَ الْعَافِيَةِ وَدَامَ الْعَافِيَةُ وَالشُّكْرُ  
عَلَى الْعَافِيَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ بِكَ نَفْسِي وَدِينِي  
وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلَ حَوَائِي وَكُلَّ  
بَعْدِي أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَتَرْجُو فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَاجِبٌ



وَأَجْعَلْنِي فِي كَفَيْتَ وَأَمْسِكَ وَكَلَامِكَ وَبِحَدِّكَ  
وَبِحَدِّكَ وَكَلَامِكَ وَبِحَدِّكَ وَبِحَدِّكَ وَبِحَدِّكَ  
وَدَاوَيْتَ بِي مِنْ لَا يَنْصَحُ وَدَاوَيْتَ بِي مِنْ لَا يَنْصَحُ  
وَلَا يَنْصَحُ مَا عِنْدَهُ إِنْ أَدْرَأَ بِكَ فِي حَقِّهِ أَعْلَى  
فَكَدِّ مِنْ كَادِي وَبِقِي عَلَى اللَّهِ مِنْ أَدَا فَادِدَةٍ وَ  
مَوْصِي أَدَا مَكِيدَةٍ وَمِنْ تَصَبُّ لَعْنَةٍ فَهَدِي بِي إِلَى  
أَخَذَ مِنْ مَقْتَدِرِ اللَّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَمْرِي عَنِّي  
الْيَتِيمَاتِ وَالْأَتَامَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالنِّقَمَ وَكَرِّمَ الْمُسْتَقِيمَ  
وَزِدْ لِي الْبَيْعَ وَعَوَّادِي لَتَلَفٍ وَمَا تَقِي بِهِ الْمَاءَ لِعَفْصِكَ  
وَمَا عَصَتْ بِهِ الرَّجْحَ عَنْ أَمْرِكَ وَمَا أَعْلَمُ وَمَا لَا أَعْلَمُ وَمَا  
أَخَافُ وَمَا لَا أَخَافُ وَمَا أَحْذَرُ وَمَا لَا أَحْذَرُ وَمَا أَنْتَ  
أَعْلَمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ هَمِّي وَبَيِّتِي



وسئل عن في والكوفي ما ضاق صدره وما وعيل به مشقه  
 وتلك فيه جيلتي ومنعفت فيه فوفي وعبرت منه  
 طائفتي ودعيتي فيه الضمير عينا عند انقطاع الاما  
 وخيبة الرجاء من الخلقين اليك فصل على محمد  
 وآل محمد واكتبه يا كافي من كل شيء ولا يكتفي منه  
 شيء الا في كل شيء حتى لا يبقى شيء يا كرم الله  
 صل على محمد وآل محمد وارزني حج بيتك الحرام  
 وزبادي نيلك ملكوتك عكبر والدم مع التوبه في  
 اللهم اني استودعك نفسي واهلي وولدي  
 واهواي واستكفيت ما اهنني وما لم يهنني  
 واسئلك بخيرتك من خلقك الذي لا يؤمن به  
 سواك يا كرم الخلق الذي قضى عني صلواتك

سنة

على المؤمنين كتابا موقوتا بعد اذان دو حبه  
 شكر من ويكود رحمة اول اللهم انت انقطع الرجاء  
 الا منك يا احد من لا احد له يا احد من لا  
 احد له يا احد من لا احد له عبيدك يا من لا يربك  
 كثرة العطاء الا كرمنا وجودا يا من لا يربك كثرة  
 العطاء الا كرمنا وجودا يا من لا يربك كثرة العطاء  
 يا كرمنا وجودا صل على محمد واهل بيته صل على محمد  
 وآله واهل بيته صل على محمد واهل بيته وافعل في  
 كذا وكذا بعد اذان بيشاني چه برزين بكاره  
 همان دعا بخوان پس بگو واین اذعا تا نیست که از برای  
 دفع سختیاست یا سابع النعم باد افق القم  
 یا یا مری السیر یا محلی الهی یا مغنی الظلم یا کاشف  
 شفت



الْقَسْرَ وَالْكَرَّ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَّ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ  
 يَا مُدِيرَ كُلِّ قُوَّةٍ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ  
 مَسْمُومًا وَبَعْدَ الْمَوْتِ مَلِكًا عَلِيًّا وَخَلِيفَةً لِي فِي الْأَرْضِ  
 وَرَجُلًا وَخَرَجًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اِمَامِ بَیْسِ دُورِ کَعْتِ  
 ویریه جایز است و جایز است ایستاده و مشهور است  
 و بعضی از علما می‌گویند که در این دو رکعت <sup>در این دو رکعت</sup> <sup>در این دو رکعت</sup>  
 و در مذکور است وایت کرده پس که حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام فرموده کرد و رکعت است بعد از نماز چهارم می‌گذارد  
 آنها را نشسته و من می‌گذارد ایستاده و محل بار مشهور است  
 و می‌گردد و وقت این دو رکعت تا آنکه وقت عشا باشد پس  
 بعد از نصف فضا است و مستحب است که در اول این دو رکعت  
 هفت تکبیر بگویند یا سه دعا مذکور و بخوان در رکعت اول

لکون

سورة الملك يا واهد و در دو رکعت سورة توحید و بعد از  
 فراغ بخوان آنچه خواهی **باب پنجم** در بیان آنچه می‌گفت  
 و وقت نماز است یا بعد از آن یا بعد از آن و چون خواهی که  
 بخوانی اول طهارت ساز و روایت کرده در فقه که حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام فرمود کسی که طهارت سازد  
 و بخواند در رکعت خود بخواند و از پشت خود مسجدش باشد  
 و عالمی یا فاضل هرگز ذکر کرده اند که با قدر است یا نه  
 جایز است یا نه برای خواندن هیچ یک برای نماز است  
 در روایت واقع شده از اصحاب حضرت صلوات الله  
 علیهم اجمعین خواندن سورة قل هو الله صد بار همچنین کرده‌اند  
 کرده ثقیه الاسلام در کافی بطریق صحیح از ابی اسامه گفت  
 شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌گفت که

کسی که گوید قل هو الله احد صد بار در وقت خواب بر زبان  
 می‌شود آنچه بوده بجاه سال پیش هر روز است کرده انشا  
 اله تعالی بر دست کسی که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 که بخواند اللهم انکما تروفت خواب نگاه داشته میشود از  
 غفلت خواب و غفلت در وقت خواب خواندن سوره  
 یوسف و بعد بخانه خواب کرده بر سر المحدثین در فقیه  
 صحیح از محمد بن مسلم که گفت من گفت حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام که هرگاه مرد جانب راست را بر زمین گذارد  
 پس باید بگوید بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ نَفْسِي  
إِلَيْكَ وَوَجْهِي إِلَيْكَ وَقَوْلِي أَمْرِي  
إِلَيْكَ وَالْجَانِبَ ظَهْرِي إِلَيْكَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ هَيِّئْ  
لِي مِنْكَ وَمِنْ غَبَةِ إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

إِلَّا إِلَيْكَ أَنْتَ يَكُنْ إِلَيْكَ الَّذِي أَنْتَ تَرَكْتَ وَتَرَكْتَ  
 الَّذِي أَسْأَلُكَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ زَهْرَةَ الْعَالَمِينَ  
 السَّلَامُ أَيْمَنَ أَخْرَجَ حَدِيثَ بَدَا لَكَ سَلَّمَ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ  
 در دو جا بعد از نماز و وقت خواب و ظاهر روایت که  
 در السه در دو دم نقاضا میکند تقدیم سبحان الله  
 بر الحمد و ظاهر روایت صحیح که مطلق است نقاضا میکند  
 تاخیرش را از الحمد و باکی نیست بر سبب کلام درین مقام  
 اگر چه خارج است از حد کتاب اختلاف کرده اند علما  
 درین با اتفاق در ابتدا بکبر زیرا که صحیح محمد بن سنان  
 از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرخصت و  
 ابتدا بکبر و مشهور معمول در تعقیبها تقدیم تحمید است  
 بر تسبیح و در سنن المحدثین و پدرش ابن جنید قایلند بتأخرش



از تسبیح و روایات از ائمه هدی علیه السلام خالی  
 اخلاقی نیست و روایات معبره که ظاهرش تقدیم بخدا  
 اظهارش شایسته است آنچه بعد از نماز باشد و آنچه وقت نماز  
 و آن نیست که روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در  
 کتاب تهذیب پسند صحیح از محدثین عدا فرمودند اهل شتم  
 با پدرم بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پس سوال  
 کرد پدرم از آن حضرت از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام  
 پس آن حضرت فرمود الله اکبر تا شمر دسی و چهار بار پس گفت  
 الحمد لله تا رسید به شصت و هفت پس گفت سبحان الله  
 بعد شمر آن حضرت آنها را بدستش همراهمیکه جمله و روایت  
 که ظاهرش تقدیم تسبیح است بحدیث مخصوص است با آنچه در وقت  
 خواب است و آن نیست روایت کرده رسال محمد بن دوفقیه

که

که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت هر که از تسبیح  
 یا حدیث کفری بنما از من و از فاطمه زهرا من بود پس فاطمه  
 چند آن آب کشید بچیکه که از کمره در سپینش یعنی نشان  
 آن در سپینه ایشان ماند و چند آن آورد کرد بدست خود  
 با سبای دست تا آنکه آب کرد و دستمالش و چند آن خانه  
 جاروب کرد که در خنماش عباد او دوشد و چند آن اش  
 کرد در دربر و یک که چو کن و سیاه شد و خنماش پس  
 رسید با و از این مژدی سخت پس گفت من با و که اگر بود  
 پیش پدر است و سوال کنی از او دستکاری که گفتایت کند ترا  
 سختی و شدت این کار ترا پس آن حضرت آمد پیش پیغمبر صلی الله  
 علیه و آله پس یافت پیش آن حضرت جوانا را پس حیا کرد و رفت  
 پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دانست که حضرت فاطمه

برای حاجتی آمد پس صبح پیش آمد و مادر وی بودیم  
گفت السلام علیکم پس چیکه گفت سلام علیکم پس ما  
ساکت شدیم و شرم کردیم در جای خود پس گفت سلام  
علیکم پس پرسیدیم که اگر در اسلام بکنیم برگردد و عادت  
آنحضرت آن بود که سه بار سلام میکرد اگر اذن میدادند  
والا بر سر پشت پس گفت و علیک السلام یا رسول الله  
و اهل شویم آنحضرت داخل شد و نشست پیش ما و گفت  
این فاطمه چه بود حاجت تو و بر و ز نزد محمد صلی الله علیه و آله  
پس رسیدیم اگر جواب بگویم بر خیز پس بیرون آوردم ما  
پس گفت و الله من خبر دهم ترا یا رسول الله بدرستی که فاطمه  
ایکشد یکجک تا نشان این سینه اش ماند و دست راست  
تا دستش را بگیرد و عادت جاریست که تا آنکه رختهاش ببار

الوده

الوده و خاک الوده باشد و بر روی یک چندان نشی کرده  
که رختهاش سیاه شده پس گفت من یاد که اگر بیانی پیش  
بدرست پس سوال کنی از او خادمی که کفایت کند ترا  
از این کار ترا پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود آیا  
پس اعلم بکنم شمار چیزی که بهتر است برای شما از تمام  
هرگاه بخواهید خود بشوید بکوبید سی و چهار کبیر و پنج  
کشد سی و سه و بنجد بکوبید سی و سه بار پس بیرون آورد  
فاطمه علیها السلام سرش را و گفت راغش شدم از خداه  
رسویش و محقق نماند که این روایت صحیح است و در تقدیم  
متبع محمد زبیر اگر او افاده ترفیع نمیکند و از برای  
مطلق جمعیت بر اصح چنانکه در اصول نیست علی  
ظاهر تقدیم لفظی قاضی این میکند و همچنین روایت



گفته است هم صریح اینست در تقدیم تحید بر تسبیح زیرا که  
لفظ لام در اینجا از کلام راویست پس باقی گفته دیگر ظاهر  
تقدیم لفظی بر تنافی میباشد این دو روایت بحکم ظاهر است  
پس حمل باید کرد ویم را بر او آن جهت صحیح بودن سند اول  
و قوه یا اطلاق آن ببعضی روایات ضعیفه چنانکه روایت  
کرده ابی بصیر که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت  
در بیان تسبیح فاطمه را علیها السلام ابتدا میکند بیکبار  
سی و چهار بار بعد از آن تکبیر سی و سه بار بعد از آن تسبیح  
سی و سه بار و این روایت صریح است در تقدیم الحمد  
پس این مؤید ظاهر لفظ روایت صحیح است پس حمل باید  
کرد روایت دیگر بر خلاف ظاهر لفظی تا منافات میان  
روایات بر طرف نشود اگر کسی گوید که ممکنست عمل بظاهر

هر دو روایات با آنکه حمل کنیم روایت اول را بر آنچه بعد از  
غلام است و دوم را بر آنچه وقت خواب پس از تسبیح  
یکبار است و روایت دوم از ظاهرش پس وجه عدول  
از این جهت گویم برای آنکه قابل تفریق میان این دو حال  
نیستیم بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از تسبیح نام آنست که یکبار  
از موعظین فائده تقدیم تحید و تاثیرش فائده بان مطلقا  
خواه بعد از نماز و خواه وقت خواب باشد پس قابل شدن  
بمنصب مذکور احداث قول ثالثست در مقابل جائ  
که تسبیح را آنچه گفته میشود اگر احداث قول ثالثست و  
مستفست که لازم ابد از آن بر طرف شدن آن است  
بر آن اجماع کرده اند چنانکه مذکور است در کنیز باکره  
که مشتری و طری کرده باشد و خواهد که از اسبیب عیب پس

و ارش بکارت بد بد و بر اکر علی اتفاق کرده اند بر آنکه پس  
دادند که در کور بی ارشی بکارت جابر نیست بخت  
اکم باعث دفع مایع علیه الامه باشد مثل قابل شدن  
بسیار بعضی از عیبهای بیکجا اند و در بعضی دیگر زیرا که هر یک  
فرق این موافقت در یک قسم یکدیگر است زیرا که مایه  
از اینست مثل قول بعضی عایت و عدم قتل مسلمانی  
صدور کفر یکی از دو طرف تا اینکه عقول نانی و عقول اول و همین  
و دیگر یکسری است که این تفصیل و مستند است  
سفیان اما بر حسب ما که قایلیم بآنکه جنت بودن اجماع مستند است  
که کاشف است از داخل بودن معشوم این درست نیست  
زیرا که مخالفت و رانندگی است و در کور حاصل است اگر چه موافق  
باشد باطل بر یکبار از بعضی و بعضی و در هیچ وقت **فصل**

و باید که خوانید این تو بر جانب راست باشد زیرا که این  
مومنین است چنانکه روایت کرده کلینی و کافی و مستدرک  
از احمد ابن اسحق گفت که گفتیم با بی خود یعنی حضرت امام حسن عسکری  
علیه السلام فدای تو کردم من و عثمانم اسبب جنتی که هر یک  
و جنتی که اراده کردم که سوال کنم و بدو تو علیه السلام از آن  
پس شد میرا آن پس آنقدر فرمود که چه چیز است این احمد  
پس گفتیم روایت کرده شد ما را از پدران تو علیه السلام  
درستی که خوانید این بخیران بر فاست و خوانید این  
بر جانب راستان و خوانید این فاضل بر جانب چپ و خوانید  
شمالین بر روایان پس آنقدر فرمود و بی اختیار است  
پس گفتیم یا سیدی بدرستی که من عهد میکنم که بر جانب راست  
نخوابم پس مرا ممکن شد و خوانید این بر جانب راست پس





مصنف کتاب اودام الله تبارک و تعالی میفرماید که این را با سر از حدیث  
و روایت که شکی نیست مروا با هو الکشف همین آیه است  
که پیش از این مذکور شد و اگر از غرض و مثال این حدیثی  
پس گویند در کتاب مذکور روایت کرده که امام محمد با  
علیه السلام فرمود کسی که بخواند این کلیات را پس من ضامن  
که رسد با و غفری و نه گزند تا صبح کند اینست  
أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يَجَاوِزُ عَنْ  
بَرْدِهَا فَالْجَحِيمُ مِنْ شَرِّ مَا ذُكِرَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَدَ  
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هِيَ أَجْدُ نَائِمَتِهَا أَنْ رَجَعَ  
عَلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ روایت کرده در کتاب مذکور  
برای دفع اعتلام که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
فرمود هرگاه از جهالت نرسی بود در فراموشی اللهم

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَالِ مِنْ وَحْشٍ شَرِّ الْاِحْتِلَالِ مِنْ  
أَنْ تَبْلَا عَبْدَكَ فِي الشَّيْطَانِ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ  
ایضا روایت در آن که پیغمبر صلی الله علیه و آله بود هرگاه  
میامد بر من خواب میگفت لَيْسَ بِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا  
وَلَيْسَ بِكَ أَمْوَاتٌ و هرگاه بیدار میشد میگفت  
أَلَمْ يَكُنْ هَذَا الَّذِي أَحْيَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَالَّذِي  
الشُّشُورُ روایت کرده در کتاب مذکور برای این  
بودن از فرود آمدن خانه که حضرت امام رضا علیه السلام  
فرمود نگویده و بگویند هرگاه که بخواند این الله  
يُسَبِّحُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَرَوْا لِأُولَئِكَ  
ذَاتَانِ أَسْكَهْمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِ أُمَّةٍ  
كَأَنَّ حَكِيمًا غَفُورًا پس بخواند بر سرش فرود آید



یعنی چون این را کسی بگوید خانه بر سرش فرو دنیا بدین  
 در کتاب دیگر روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام فرموده هرگاه بشنوی او از فرسوس بگو  
 سُبْحٌ قَدْ رَسَّ دُبُّهُ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ  
 سَبَقَتْ حُرَّتُكَ غَفَبَتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ  
 وَبِحَدِّكَ عَمِلْتُ سُوءَ وَطَلْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي  
 ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا أَنْتَ و باید گفت  
 خواندن سر بکشید روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله  
 میگوید اندک سر بکشید سیاه است و چشم هرگاه  
 اراده میکرد که فرسوس خواب و در روایت است که  
 حضرت امام رضا علیه السلام فرموده کسی که برسد او را  
 ضعیفی و چشمش پس باید که بکشد و چشم هفت میل

در محل خواب از سر سنک سیاه چهار در چشم  
 راست و سر در چشم چپ و هم ازان حضرت که  
 سر بکشیدن در وقت خواب اما نه از ابی که  
 بچشم نازل شود و در روایت است که نزد سر بکشیدن  
 این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ  
 وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ  
 تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي  
 وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ  
 السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ  
 الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي رَوایت کرده  
 کلینی در کافی بسند حسن که حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام فرمود هرگاه بر بند شخصی در خواب

چیز را که کاره باشد پس باید که برگردد از این جانبی  
 که بران خوابیده بوده و باید که بگوید **اِنَّمَا الْحَيَوٰی**  
**مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَيْسَ بِهِ**  
**يُغْنٰی عَنْهُمْ شَيْئًا اِلَّا يَذْرِیْهُمُ اللّٰهُ بِمَكَرٍ عَسٰی**  
**يَعْلَمُوْنَ مَا عَاذَتْ بِرَبِّكَ اللّٰهُ الْمَقْرُبُوْنَ وَاَنْبِیَآءُ**  
**الرُّسُلُوْنَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُوْنَ مِنْ شَرِّ مَا**  
**كَانَتْ وَیَسِّرُ الشَّيْطَانُ الرَّجِیْمُ** **باب هشتم**  
 در بیان آنچه از حضرت شب تا طلوع فجر بجا باید آورد  
 و در آن مقدمه است و چند فصل **فصل اول** احادیث  
 بسیار از اصحاب عظیم سلام الله علیهم وارد  
 شده در ترغیب و ترخیص شب و بیان فضیلت  
 آن روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح که حضرت

امام

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده شرف من و جوار  
 اوست در شب و عزتش استغنائی و ست از مردم  
 و هم در آن کتاب روایت کرده بسند حسن از عبدالله  
 بن سنان گفت شنیدم که میگفت که سه چیز است  
 که آنها فرمود من و فرقتش در دنیا و آخرت نازد را فر  
 شب و مابین بودن از آنچه در دست مردم است  
 و دوست داشتن او امامی را از آل محمد صل الله  
 علیه و آله و سلم و هم در کافی روایت کرده از  
 آنحضرت بسند حسن در تفسیر قول خدا تعالی و كَانُوا  
 قَلِيْلًا مِنَ النَّاسِ الْمُهْجَعُوْنَ فرموده انجمت را  
 کم شبی فوت میشد بر منجی استند در آنها و هم در کافی  
 روایت است که شخصی آمد نزد حضرت ابراهیم بن محمد



پس گفت من عروم شده ام از نماز شب پس حضرت  
فرموده که تو مردی که گمانان تو را مقید ساخته  
و رواست که شیخ طوسی در تفسیر بسند صحیح از حضرت  
امام جعفر صادق علیه السلام در بیان این آیه  
ثَابِتَةُ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً  
گفت مرا در بر خود استن او است از فرشتش که اراده  
کنند بان که خداوند تعالی و هم در تفسیر و ابی  
بسنده صحیح از آنحضرت علیه السلام که فرمود هیچ بنده  
نیست که بیدار کرده میشود در هر شبی یکبار یاد  
بار پس اگر برخواست هم است و الا شیطان با او  
از هم دور میکند پس بول میکند در گوشش تا بگوید  
پند بکی از شما که چون برخواست و بران بیداری

بر میخیزد

بر میخیزد مقبل و کامل شده و هم در تفسیر و ابی  
کرده بسند صحیح از عمر بن یزید که او شنید از حضرت امام جعفر  
صادق علیه السلام که فرمود که در هر شب سیصد مرتبه  
مکروه آن ساعت را بنده مسلم که نماز گذارده و دعا و طلب  
کند از خدا تعالی در آن که خدا میفانی سبب بکند  
برای او در هر شب کفتم است که الله پس چه ساعتی از  
گفت برگاه بگذرد از نصفه تا سه و رواست که در سنن  
در فقیه بسند صحیح از عبد الله بن مسعود که او سوال کرده از  
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از قول خدا تعالی  
فِي جُودِهِمْ مِنْ أَزْوَاجِهِمْ وَتُحْفَةٍ مِنْهُمْ إِذْ يُرِيدُونَ  
و در شب در نماز و روایات از اصحاب جعفر علیه السلام الله  
علیهم در تفسیر و ابی نماز شب بسیار است **فصل**

شبه

چون بیدار شوئی از خواب آنچه باید بیاورد سجده است  
 برای خدای تعالی روا نیست از پیش سر بر آید علیه و آله  
 که چون از خواب بیدار شد بی سجده کردی و چون تا  
 از سجده برداری بگو الحمد لله الذي احيا في بعد  
 ما امانتي واليه الشكر الحمد لله الذي  
 رد علي فوحي لا حمد واعبد وروایت کرده  
 کسی در کافی بسند حسن که حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
 فرمود مرا که شبی بر خیزی پس نظری بآسمان  
 و بگو اللهم اشر الينا ادي عنك ليل مساج  
 ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مياه ولا  
 لا ظلمات بعضها فوق بعض ولا نجس تليج  
 بين المديح من خلقك فاعلم خاتمة الاعيان وما

بیدی که

المستند

الصدور عاقت الغيوم وثامت البون و  
 انت الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم  
 سبحان رب العالمين واليه المسلمين والحمد  
 لله رب العالمين بعد ان يجاوز آيات اخر  
 ان عمران ان في خلق السموات والارض اخلا  
 الليل والنهار لايات لا ولي الا كتاب الدين  
 يذكر ان الله فيما ما وعد او على جنون  
 ويتفكرون في خلق السموات والارض اننا  
 ما خلقنا هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب  
 النار ونبتا انك من تدخل النار فقد غرت  
 وما للظالمين من انصاف ربنا انما سمعنا  
 مناديا ننادي للايمان ان امنون بكم ما



وَبَيْنَا مَا عَرُفْنَا دُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا  
عَلَىٰ هَٰذَا نَسُئُكَ وَلَا تَحْزَنْ نَاوِمُ الْيَقِينِ إِنَّكَ  
لَا تَحْزَنُ الْمُبْعَادُ **فصل** وقت نماز بعد از  
نصف شب و از اتمام زوال میگویند روایت کرده است  
التحذیر و در فقیر که عمر بن حفصه سؤال کرد از امام  
امام جعفر صادق علیه السلام و گفت که زوال روز  
را بروز میدانم پس چون بدانم در شب چیست حضرت  
فرمود که شب بایم زوال نیست همچون از زوال وقت  
گفت پس بگو چه بدانم حضرت فرمود که بستا را چون بخمرد  
شوند یعنی چون شروع کند پائین آمدن آن ستارها  
که طلوع کرده و در وقت غروب آفتاب از نصف النهار  
وظایم آنست که را در ستارهای باشد که در اول شب

طلوع کرده باشد نزد غروب شمس چنانکه شمع شهید  
علیه الرحمه فروخته است را و از آن خدا و شمع است  
در پی و احادیث گاهی مراد بازده رکعت کرده و  
رکعت شفع و یک رکعت و ترجم و دال باشد و گاهی  
رکعت کرده و رکعت تا فلان ترجم و دال باشد و نماز  
شب از صحنه های مؤکداست و مبالغه در آن  
بسیار است و این که در شمع طلوعی در هند است  
بسنده صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
فرموده که در وصیت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله  
بخیرت امیر المؤمنین علیهم السلام اعلی و صیت میکنم تا  
بخصلی چندی و نفس خودت پس حفظ کن آنها را  
پس رکعت بخار یا یا یا و شکر کن و در خصلی چندی تا آنکه

بنماز شب بیشتر گفت  
و کماهی مراد می





پنج کس چون خواهی که استیجائی باشد یعنی خود را طهارت  
 بپوشد که الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْ لِحَيْثُهَا  
 و بدست چپ استیجائی و اگر در این دست انگشتری باشد  
 بکشتن سنگ ریزه نفع باشد از این رو کنی و مقعد را بکشوی  
 با انگشت بیرونی بدست راست پس ذکر میکنی و در بیرون مقعد  
 احتیاجی را پس بر سنگ ریزه جمع اویستی خواه مقعد را بکشوی و خواه  
 و در این بیرون مقعدی از غایت است که بجاست بجا می مقعد را بکشوی  
 باشد و مقعد را بکشوی که خوش کنی بپوشی این موضع را چنانچه  
 بگو کار و بجاست زایل شود و در کشتن پوسه حسوس شود و در  
 استیجائی که اللَّهُ حَقِيقٌ فِي حَقِّهِ وَأَعْقَبُهُ وَأَسْتَرْحُو بَقِي  
 و حقیقی علی التلاد و مقدم داشتن مقعد از پستان ذکر کنی  
 بشک استیجائی و بر سنگ پاک نشود عدد آنها را پاک کنی

در سینه

و بر سنگی تمام پنج را پاک کنی و آن سنگ را به تمام دو دو مقعد  
 برسانی چون از غایت بیرون آید مقدم در این راستی را  
 و تر و بیرون آید که بِالْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي عَزَّ وَجَلَّ  
 و جسد بی قوت و آخر عَلَى أَذَاهُ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ  
بِقَدْرِ الْعَافِيَةِ لَا يَجْعَلُ الْعَافِيَةَ قَدْرَهَا  
**ف** چون خواهی که روشنی باری و آن سوراخ  
 کن بعد از آن و روشنی باری را با اول و منوی کامل  
 ذکر کردیم در با سبب اول خود را خوش بوی ساز و رایحه شده  
 که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که حضرت سعید  
 را امسک بود یعنی مشک دانی که هرگاه و منوی ساخته از آب  
 مشک فروخته و دست اکثرش تر بود و هم از آن حضرت صلی الله  
 علیه و آله و آئینت کرده و رکعت نماز را بوی خوش بهر است



از هفتاد و نه بار بوی خوشی مستند است بر بوی برادر  
و هر عاقل و محسوس نیست نه از شب و چون از و نه از  
شد بوی خوشی کردی چنین و در بقدر و بویان را  
که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در دل شب میفرمود  
ای الهی غایت بجزو سعادته و نامت عیون انا و  
و هدايات اصوات عبادك و امانك و خلقت  
الملوك علیها ابوابها و طواف علیها حراسها و انجی  
عن بياهم حاجتها و یخرج منهم فائدة و انت الهی  
فیوم لا تأخذ لك سنة و لا قوم و لا یفعلك شیء من  
ابواب سمايك لیرد علیك مقتضات و حق ائمتك علیها  
و ابواب جنك غیر محجوبات فوائدها لیست سلك  
غیر محظورات لیست علی سبیل و انت الهی انت الکریم

فقرده

لا خوف سلاطین المؤمنین سلك و لا یخف عن احد  
منهم اذ ادرك و لا یغترک و جلال الشان حقك خیر  
دوئك و لا یخفها احد غیرك اللهم و قد توفی  
و وفوفی و دل عاقلی بین یدك تعلم سریرتی  
و تعلم علی منافی قلبي و ما یصلح لیر امر آخرتی  
و دنیا لی اللهم ان ذکر الموت و اهل المطمئن  
و الوفات بین یدك ففضی مطمئنی و مشرک  
و اغضی بی بی و اعطی عرسادی و منعی  
و تادی کفیت تمام مر یخاف ملک الموت فی  
طواف اللیل و طواف النهار بل کفیت تمام  
العاقل و ملک الموت لا یتام لا باللیل و لا  
بالنهار و یطلب روحه بالیاس و فی اناه السات

مطعنی



بعد از آن امام زین العابدین علیه السلام بعد از این سجده  
 میکرده و روی مبارکش را بر خاک میچسباند و میگوید  
 اسئلكم الفرح والراحه عند الموت والعقب  
 عني حين القالك وبعثت فيك من السلام من انما  
 دور کعت میگذارد و در رکعت اول الحمد و قل هو الله  
 و در دوم قل يا ايها الكافرون بعد از آن دست بردا  
 بکبیر و دعا میگوید و چون نو این دور کعت را بجا آید گو  
 یار این دعا را بخوانی که ایاد و دار و ایت کرده که حضرت  
 امیر المؤمنین علیه السلام در دل شب میخواند الخی که  
 من موبقة حلت عن مقام يلها ينعمت و کم  
 من جبروت مكرنت عن كشفها يكرمك الخی  
 ان طال في عصيانك عرني وعظم في الضحی

دینی

دینی فاما مؤمل غیر عقر انک ولا انما  
 بلای غیر ضوانک الخی که فی عفوک فقهرت  
 خطبتی ثم اذکر العظیم من اخذک فاعظم علی  
 او ان انا وراث في الضحی سنة انا ناسها و انت  
 محضها مقول خذوه فياله من ما خوذ لا  
 عشيته ولا ينفعه قبيلته له من ناسي شيعه اكيا  
 والكل الى ا من ناسي نرا عته للشعبي من عت  
 من مله بايت لقلی بعد از آن کرید کن و بر دعا می که  
 خواهی کن **فصل** بعد از آن بر غیر نماز شب و اجماع  
 علی است بر آنکه اول وقت نماز شب از نصف آخر تا طلوع  
 فجر صادق و هر چند نزدیکتر به صادق باشد افضل است  
 و اگر چهار رکعت از نماز شب کرده باشی و هیچ صادق طلوع

کند نماز شب تا نام کن بالحدیث و اگر کسی را عذر باشد جایز است  
 که پیش از نصف شب بخوابد اما نماز شب را افضل است از نماز دیگر  
 باید چون خواهی که شروع در نماز شب کن بگو اللهم انی استخیر  
 الیک بیک نبی الرحمة و اقد صبر بین یدی و قد صبر  
 فاجعلنی منهم و جهنما فی الدنیا و الاخرة و بین العزیزین  
 اللهم ارحم منی و لا تعذب منی و اهد منی و لا تضل منی  
 و لا تقبل منی و لا تقرب منی و لا تقرب منی و لا تقرب منی  
 اقصی حاجی الدنیا و الاخرة انک علی کل شیء قدير  
 و یکل شیء علیهم بعد از آن نیت کن که در رکعت نماز شب میخوانم  
 سنت برای رضای خدا و هفت کبر بگو با آن مرد عاقل پس میگوید  
 شد و فصل آنست که در رکعت اول بعد از الحمد سنن را قرائت کند  
 و در رکعت دوم یک قل یا ایها الکافرون و در رکعتی دیگر

سورای

سورای در از مثل سورة الغام و الکهف و انبیاء و  
 و حم و انفجدر اینجا باشد و در جمیع نمازهای سنتی جایز است  
 که از روی مصحف قرائت کند اگر چه غیر از سور نماز  
 داشته اما در نماز واجب جایز نیست مگر آنکه هیچ سورة  
 از بر نداشت باشد و بعضی از علما گفته اند که در نماز  
 واجب هم جایز است از روی مصحف خواندن مطلقا  
 و این قول صحیح است و اگر وقت نماز تنگ باشد کافیه  
 الحمد و قل هو الله احد در هر رکعتی بلکه الحمد تنها هم کافیه  
 بلکه اتفاق علی است بر آنکه قنوت تنها که در رکعت دوم  
 نماز واجب است است و در نماز سنتی هم سنت تنها که قنوت  
 کرده کفایتی در کافیه است و هیچ از حضرت امام جعفر صادق  
 کافیه در قنوت گفتن اللهم اغفر لنا و انحمنا



وَعَافِيَا وَاعْفُ صَنَائِفِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ  
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ چنانکه در کافی روایت کرده  
 همان حضرت علیه السلام پس در روایتی وارد است  
 اتفاقاً در قنوت بسجده و ستمست بلند خواندن قنوت  
 اگر چه در نمازهای سنی روزی یکبار و ستمست بلند خواندن  
 در قنوت خصوصاً در نماز شب و اگر وقت وسیع باشد  
 روایت کرده در فقیه که حضرت پیغمبر فرموده که از شما  
 که قنوت در نماز است واجب است و در روز قیامت  
 و شیخ رضی الدین علی بن طاووس قدس سره در کتاب  
 شرح الدعوات پاره از قنوتی طویل که آمده ما علیهم  
 میخوانده اند و تفریق برداشتن آن میکرده اند ذکر کرده  
 جایز است قنوت از روی نوشته و کتاب بخواند در نماز

سنن

سنن و در نماز واجب جایز نیست و از قنوتی محض  
 گذرشی و واجب میتوان خواند این دعاست که از حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده اَللّٰهُمَّ عَافِنَا وَ عَافِ  
 وَ قَدْ عَصَيْتُكَ كَيْفَ لَا اَدْعُوكَ وَ قَدْ عَرَفْتُكَ كَيْفَ  
 فِي كُلِّ يَوْمٍ اِنْ كُنْتَ عَافِيًا مَدَدْتَ اِلَيْكَ يَدًا  
 يَا ذَا نُورٍ مَمْلُوءَةٍ وَعَيْنًا بِالْحَاجَةِ مَدْرُودَةٍ

مَوْلَايَ اَنْتَ عَظِيمُ الْعِظَمَاءِ وَاَنَا اسِيرُهَا  
 اَنَا الْاَسِيرُ يَدُ نَبِيِّ الْمُنْعَمِ بِمُحَمَّدٍ وَ اَنَا الْمُنْعَمُ بِكَ  
 بِمُحَمَّدٍ يَا طَالِبُ النِّبَا يَعْقُوكَ وَلَنْ اَمُوتَ بِحَالِي  
 التَّارِ لَاحِزٌ لَهْلَهَا اَوْ كُنْتُ اَقُولُ لَا اِلٰهَ  
 اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ الْاَمْرُ اِنَّ الطَّاعَةَ لَمُسْرُورٌ  
 وَالْمَعْصِيَةَ لَاقْتَرَاكَ فَبِكُلِّ مَا بَسْرَاكَ وَاعْفُ

يَا نَبِيَّ طَالِبُكَ بِكَلِمَةٍ  
 وَلَنْ طَالِبُكَ بِكَلِمَةٍ

مالا يصرك يا ابن حمر الراحمين والرحمنين  
 ابن ابي عمير جردا بن ابي ابي الله ان الرجاء وسعة رحمتك  
 انطقني بسيفك انك والامل لا تارك ورفعتك  
 تمنحني على طلبك ما ناك وعفوك ولي ياديب  
 ذنوب قد واجهتها اوجر الانتقام وخطايا  
 قد لاحظتها عين الاصلح واستوجب  
 بها على عدلك الهم العذاب واستحققت  
 باجرائها مبرر العقاب وخفت من نعمها الا<sup>لله</sup>  
 ورددتها الي عن قضاء حاجتي يا بطلها<sup>لله</sup>  
 وقطعها الاسباب رغبتي من اجل ما انقض  
 ظهري من قهظها وبغطني من الاستفلال  
 بجملها ثم راجعت ربي الي جليلك عن الخائ<sup>بين</sup>

وعفوك

وعفوك عن المذنبين رحمتك للعاصين  
 شقني من كل امة عليك طارعا نفسي بين يديك  
 شاكيا اليك سائلا مالا استوجبه من  
 نفع اله ولا استحقه من نفع النعم مستقبلا  
 اياك وانقام ولا ييك اللهم فامن على<sup>ج</sup> بالقر  
 وعطول على بسموله الخرج فادلني برافيتك  
 على سميت المنهج وادلني بفكرتك عن الطريق  
 الاعوج وخلصني من سجن الكرب يا قاتل<sup>ك</sup>  
 اطلق اسري برحمتك وطلق علي برضوانك بعد  
 علي باحسانك واقبلني عندي وخرج كنيتي واقم  
 عبرتي ولا تحجب دعوتي واشد ديا<sup>ل</sup> قاله  
 انمري وقربها ظهري واصلي بها امري واطل بها<sup>عري</sup>



وَأَرْحَمِي وَأَوْفَرِي وَوَقِّ شَرِي إِنَّكَ جَوَادُكُمْ  
 وَقُوتُ حَيْثُمْ بَعْدَ إِذْ دُرُكْتَ تَارِكِينَ دُعَاؤَكُمْ  
 اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُكَ وَلَمْ يَسْأَلْ مِثْلَكَ أَنْتَ مَنْعَ  
 مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُسْتَهْمِي غَيْبَةِ الرَّاهِبِينَ أَوْعَدَكَ  
 وَلَمْ يَدْعُ مِثْلَكَ وَأَنْتَ تُجِيبُ دَعْوَةَ الْمُسْتَطْرِبِينَ وَأَتَمَّ  
 الرَّاحِمِينَ سَأَلْتُكَ يَا فَضِيلَ السَّائِلِينَ وَاجْتَمَعَ لِي بِكَ  
 يَا اللَّهُ يَا ذَا قُدْرَتِهِمْ وَيَا سَمَاءَكَ الْحُسْنَى وَمِثْلَكَ  
 الْعَالِيَا وَفَعَلَ الَّذِي لَا يَخْصُرُ وَيَا كَرِيمَ اسْمَاتِكَ  
 وَأَجْمَلِ يَا إِلَهَ الْوَرَعِ يَا مَنِيكَ وَسَيِّدَ الْوَشْرِ يَا  
 عِنْدَكَ مَقَرَّةٌ وَاجْتَمَعَ لِي دَعَاؤُكَ يَا أَسْرَعَهَا  
 فِي الْأُمُورِ اجَابَتِي وَيَا سَمَاءَكَ الْمَكُونِ الْأَكْبَرِ الْغَوْ  
 الْأَجَلِ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ الَّذِي تُجِئُهُ وَمَوَاهِدُهُ

سبحن

وَمِنْ عَشْرِ دُعَاكَ وَكُلِّ اسْمٍ هَوَّلَكَ فِي السَّمَوَاتِ  
 وَالْأَرْضِ وَالْعَرْشَانِ الْعَظِيمِ وَكُلِّ اسْمٍ دُعَاؤُكَ يَجْعَلُهُ  
 عَرْشَكَ وَمَعْلَاكَ يَكُنِيكَ وَأَنْبِيَاؤُكَ وَمُرُكَّكَ دَائِلُ  
 طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْ تَقْبَلِي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ  
 وَأَنْ تَجْعَلِي لِي وَلِيًّا وَأَنْ تَجْعَلِي لِي عَدْلًا  
 وَأَنْ تَقْبَلِي كُنَاؤُكَ وَأَنْ تَجْعَلِي لِي فَاطِمَةَ زَهْرَةَ الْعَالَمِينَ  
 وَأَنْ تَجْعَلِي لِي سَيِّدَةً وَأَنْ تَجْعَلِي لِي دُرُكًا  
 سَجْدَةُ أَبِي عَدَاةٍ مَذِينَةِ الْعَابِدِينَ رَاغِبِينَ إِلَيْكَ عَزَّ وَجَلَّ  
 جَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ أَنَّ مَسْأَلَتِي بَدَعَتْ فِطْرَتِي  
 الْقَدِيمَ عَبْدُكَ دَائِمُ خُلُودٍ رُبُّكَ بَيْتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي  
 كُلِّ طَرَفٍ عَيْنٌ مَرَدَّةٌ لَا يَدُوحِي خَلْقًا لَيْسَ بِكَ شَيْءٌ  
 لَكْتُ مُقَصِّرًا فِي تِلْكَ أَدَاؤُكَ شُكْرِي بِمَعْنَى مَعْنَى

عَلَى كَوْنِي كَيْتَ مَعَاوِدَ حَدِيدًا لَيْسَ يَأْتِي  
 حَرَّتِ أَنْفِي يَأْتِي مَعَاوِدَ مَرَحِي وَكَيْتَ مِنْ خَشْيَتِكَ  
 مِثْلَ خَيْرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَا مَدَّ بَالُكَ  
 ذَلِكَ فَلَيْلًا فِي كَيْتِ مَا يَجِبُ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَلَوْ أَنَّ  
 إِلَهِي مَدَّ بَنِي مَعْدُ ذَلِكَ بَعْدَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلَاءِ لَمْ يَجْعَلْ  
 وَعَظَمَتِ النَّارُ خَلْقِي وَجَعَلِي وَمَلَأَتْ طَبَقَاتِ  
 مَوْجِي حَتَّى لَا يَكُونَ فِي النَّارِ عَذَابٌ غَيْرِي وَلَا يَكُونُ  
 يَجْعَلُ حَطَبٌ سِوَايَ لَكَ ذَلِكَ مَعْدَكَ عَلَيَّ  
 فَلَيْلًا وَكَيْتِ مَا اسْتَجِبْتُ مِنْ عَقْرَتِكَ مَعْدَكَ  
 مِثْلَ رُكُوتِ مَا رُشِبَ بِالْكَوْنِ بَعْدَ رُكُوتِ مِثْلِ  
 بَخْرَانِ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ نَادَهُ بَارِكُوا مِثْلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ  
 وَالْأَبَدِ وَارْحَمِي وَبَنِي عَلَيَّ دِينِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ

وَلَا تَرُوحَ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْتَ لِي كَذَلِكَ  
 رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الرَّهَّابُ بِرُكُوتِ اللَّهِ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ  
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّزَّاقُ الْحَيُّ الْمُبِيتُ الْبَدِيعُ  
 الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْأَمْرُ  
 وَحَدِّدْ لِي لَشَرِّكَ بَاخَالِي يَا ذَا قُوَّةٍ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ  
 يَا ذَا قُوَّةٍ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ رَحِمَ دُنِي  
 بَيْنَ بَيْنِكَ وَمَعْرِفَتِي لِيكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ  
 وَالسَّيِّئِينَ وَبَعْدَ إِذْ أَنْ دَعَاكَ كَرِهْتَ امْرَأَتِي  
 بَعْدَ إِذْ كَرِهْتَ مِثْلَ نَبِيِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ  
 مَنْ عَاوَيْكَ وَكَلْبَاءِ الْعِزِّ لَكَ وَأَسْتَظِلُّ بِفَيْتِكَ  
 وَأَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ وَلَمْ تَقْضِ لَكَ يَا جَبَلِ الْعَطَا  
 بِأَسْطَلِّ الْأَسَارَى يَا مَنْ سَمَى نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ



وَمَا بَدَأْنَاهُكَ دَاعِيًا وَنَحْنُ نَوَدُّكَ بِالْحَقِّ إِنْ كُنَّا  
 وَنَحْنُ نَوَدُّكَ بِالْحَقِّ إِنْ كُنَّا وَنَحْنُ نَوَدُّكَ بِالْحَقِّ إِنْ كُنَّا  
 قَرَارًا وَمَا نَشَاءُ وَذَاهِبًا وَنَجْمًا وَنَحْنُ نَوَدُّكَ بِالْحَقِّ إِنْ كُنَّا  
 أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْعُدَ لِي كَمَا فَعَلْتَ  
 وَتَجِيَّ بِلَاؤِي كَمَا جَاءَتْكَ نَفْسِي وَتَجِدَهُ شَاكِرًا وَتَجِدَهُ  
 دُرَاهِمًا قَدِ انْتَهَى مِنْهُ نَفْسِي بِكَ كَوْنُهُ **فصل** وپس چون  
 از مشیت رکعت نماز و تقیید آن فارغ شوی متوجه شوی به رکعت  
 شفع و بیک رکعت و نیز افضل و فزانش از هیچ کاذبست تا هیچ  
 هم که گذشت مشهور میان متاخرین فقها است که در  
 سیم است اما شایع و متعارف در احادیث معصومین  
 آنست که در هر سه رکعت است که در رکعت شفع هم داخل است  
 و روایت کرده شیخ طوسی حدیسی است در تفسیر سید محمد از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در  
 سه رکعت نماز هر رکعت را با صد مرتبه الحمد میخواند و هم او روایت  
 کرده است پس موقوفی از آن حضرت که گفته حضرت معصوم میگذازد  
 چهار رکعت تا فلان ذوال داشت در رکعت بعد از آن معنی ظهر  
 و چهار رکعت هر دو سه رکعت معرب چهار رکعت است اما اگر  
 و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت و نیز دو رکعت فجر و نماز عشاء  
 یعنی پنج دو رکعت تا آخر حلیت و روایت کرده و در التماسین مسجد  
 از جعفر ابن سالم التماسی گفته شنیدم که میگفت با کیفیت یک  
 بگذارد و معنی دو رکعت نماز پس برود و حاجت خود را بگوید  
 و بعد از آن برگردد و بخواند و بیک رکعت را او احادیث در این باب  
 بسیار است اما در عبارات متاخرین فقها شایعست و اما  
 مستندین فقها اکثر رکعت سیم را ستوده و میگویند از اینها

حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام

اگر کسی نذر کند نماز و روزه نفلت از این الزمه نمیشود مگر آنکه در  
 آن وقت بجا آورد و اگر شیخ طوسی قدس سره در کتاب مجمع البیان  
 فرموده که فاقه راسع مثانی میگویند برای آنکه دو بار  
 خوانده بشود در روز غزالی فرض نیست و جمیع آثار مخصوص  
 و اعتراض نماز و روزه و اول و دوم است بعد از آن در هر رکعت  
 شفع بعد از الحمد سورة قل هو الله احد بخوان و اگر خواهی در رکعت  
 اول قل هو الله احد و در رکعت دوم قل هو الله احد  
 و چون سلام پس این دعا بخوان **الهی قهرم کت فی هذا الدنیا**  
**المعشورون وقصد فی فیه القاصدون وامل قصلک**  
**ويعرف فک الطالبن وکف فی هذا الدنیا فکات**  
**وچنان و عطا یا و عطا یا من بیاعلی من تشاء من عیال**  
**وتمتع بها من لم یسبق له العتایة منک وها انا ذابعدک**

التفسير

الْفَقِيرَ إِلَيْكَ الْمَوْتِلَ فَطَلَّكَ وَمَعْرُوفًا فَإِنَّكَ  
 مَأْمُولًا يَفْتَضِلُكَ فِي هَذِهِ الدَّيَّانَةِ عَلَى الْغُلَامِ  
 وَعَدَّتْ عَلَيْهِ بِمَائَتَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الْعَاصِلِينَ وَجِدْ عَلَيْهِ  
 يَطْوِلُكَ وَمَعْرُوفًا يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى  
 خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ  
 الْحَسَنَ وَطَهَّرَهُمْ فَطَهَّرَ إِنْ شَاءَ مُحَمَّدٌ إِلَى دَعْوَتِكَ مَا  
 أَمَرْتَ تَأْسِجُجْ كَمَا وَعَدْتَ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْبِعَادَ  
 بِسْمِ خَيْرِ بَرَاءٍ مَعْرُوفَةٍ وَرَوْعِدَافَتِ سَيَكْبَرُ لَوْ بَعْدَ إِذَا أَتَاكَ  
 أَلْفُ مَنَامَتِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الدِّيَّانَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيَّ  
 سُوءٌ وَطَلَّكَ مَسْنِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ  
 بَعْدَ إِذَا دَعَا سَيَكْبَرُ لَوْ بَعْدَ لَوْ أَنَّكَ وَسَعْدِكَ وَالْخَيْرِ

اللهم





حَتَّى تُغْفِرَ لِي وَتُغْفِرَ لِي اسْتِجَابَةً فِي عَمَلِي  
 وَأَنْزِلْ لِي الْغَايَةَ إِلَى شَيْءٍ أَعْلَى وَأَقْلَى عَمَلِي وَلَا  
 تُنْقِ فِي عَمَلِي وَلَا تُفَكِّهْ مِنْ عَمَلِي اللَّهُمَّ إِنْ  
 رَفَعْتَنِي مِنْ ذَلِكَ لِي يَرْغِي فَإِنْ أَهْلَكَتَنِي مِنْ ذَلِكَ  
 يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي وَفَعَلْتَهُمْ  
 أَنْ لَيْسَ بِحُكْمِكَ ظَلَمٌ وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ وَأَيْتَانَا  
 يَجْعَلُ مِنْ نَحَاتِ الْعَوْنِ وَابْتِغَايَ إِلَى الظُّلْمِ  
 وَقَدْ تَعَالَيْتَ عَنْ ذَلِكَ يَا أَلَهِي فَلَا تَجْعَلْ لِي الْبَلَاءَ بَيْنَكَ  
 وَلَا تَقْبَلْ مِنْ بَيْنَا وَمَعْلَنِي وَنَفْسِي وَأَقْلَى عَمَلِي  
 وَلَا تُسَيِّعْنِي بِلَاءٍ عَلَى أَمْرِي فَقَدْ رَى صَغْفِي  
 وَقَلَّةَ حِيلَتِي اسْتَعِذْ بِكَ الْبَلَاءَ فَأَعِذْ بِي مِنْهُ  
 بِكَ مِنَ النَّارِ وَأَجِرْ بِي وَاسْأَلْكَ الْجَنَّةَ فَلَا تَحْرِجْنِي

مِنْ ذَلِكَ الَّذِي يَصْعَقُنِي  
 وَإِنْ وَصَعْتَنِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 أَنْزِلْ لِي الْغَايَةَ إِلَى شَيْءٍ أَعْلَى وَأَقْلَى عَمَلِي  
 جَعَلَ مِنْ بَيْنَا وَبَيْنَهُمْ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي وَفَعَلْتَهُمْ  
 تَأْجِلْ لِي وَفَعَلْتَهُمْ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي وَفَعَلْتَهُمْ  
 وَجَبَدَ بَارِئًا بِإِسْمَانِ جَنَّاتِكَ رَوَايَتُكَ وَفَعَلْتَهُمْ  
 وَكَرِهْتَ بَارِئًا بِإِسْمَانِ جَنَّاتِكَ رَوَايَتُكَ وَفَعَلْتَهُمْ  
 اسْتَغْفِرُكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ  
 يَجْعَلُ ظِلِّي وَجُودِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَأَنْزِلْ لِي  
 بَعْدَ إِنْ بَلَغْتُ أَسَاتِ وَطَلْتُ نَفْسِي وَبَيْتِي  
 مَا صَعْتُ وَهَذِهِ يَدَايَ يَا ذِي الْجَوَارِءِ يَا كَسْبَتَكَ  
 هَذِهِ دَقِيقَتِي خَائِفَةٌ لِمَا آتَيْتَ أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ  
 لِنَفْسِكَ مِنْ تَعْسِ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْمِي لَكَ الْعَبْدَ الْبَائِسَ



بِكَرَمٍ وَبِإِعْفٍ وَبِإِحْسَانٍ وَبِإِحْسَانٍ  
 الرَّحْمَنُ بَعْدَ أَنْ كَسِبَ بِكَرَمِهِ الْعَفْوَ بَعْدَ أَنْ كَسَبَ  
 اِعْفُوبِي وَارْحَمْنِي عَلَى إِيَّاكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ  
 وَنَسِيتُ طَوِيلَ دُرُفُوتٍ وَزَيْدَ مَنَاكَرٍ فَنَوَيْتُ كَرَمَ  
 فَنَوَيْتُ مَشَتْ رُكُوتٍ نَارَ كُورٍ وَكَرَمَ وَكَرَمَ وَكَرَمَ  
 بِاسْتِغْنَاءِ فُكْرٍ مِنْ دَعَاكَ كَرَمَ الْخَيْرِ دَوَائِدُ كَرَمَ  
 دَرَسَاتٍ بِأَلَى كَرَمَ نَزَامٍ زَيْنَ الْعَابِدِينَ بِمَنْزِلِهِ دَرَسَاتٍ  
 سَيِّدِي سَيِّدِي هَذِهِ بَدَايَ قَدَمَدَةِ هَذَا الْبَيْتِ  
 بِاللَّذَنُوبِ مَكُونَةٍ وَفِيهَا بِالرَّجَاءِ مَدَدَةٌ وَفِي  
 لَيْسَ دَعَاكَ يَا نَدِيمَ نَدَى لَأَنْ أَنْجِيَهُ بِالْكَرَمِ نَفْصَلًا  
 سَدَقَ أَمِنْ أَهْلِ الشَّفَا وَخَلَقَنِي فَأَطِيعْ لِحَاثِي أَمِنْ  
 أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقَنِي فَأَتَّبِعْ رَجَائِي سَيِّدِي سَيِّدِي

بِكَرَمٍ

سَيِّدِي

أَمِنْ لِي بِمَا خَلَقَنِي خَلَقْتَ عَشَائِي أَمْ يَشْرِبُ الرَّحِيمُ  
 أَمْعَانِي لَوَ أَنْ عَسَا السَّطَاءُ الْهَرَبِ مِنْ بَلَاءٍ لَكُنْتُ  
 أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ لَكِنِّي أَعْلَمُ إِيَّاهُ لَا أَمُوتُكَ بِمَنْزِلِهِ  
 لَوَ أَنْ عَذَابِي يَأْتِي بِكَ فِي مَلِكِكَ لَسَأَلْتُكَ الْقَبْرَ عَلَيْهِ  
 غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مَلِكِكَ طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ  
 وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةَ الْعَامِلِينَ سَيِّدِي مَا أَنَا  
 مَا خَطَرِي هَبْ لِي نَفْسَكَ وَجَلَلَتِي بِسِرِّكَ وَاعْفُ  
 أَنْ تَوْجِيحِي بِكَرَمٍ وَجَمْعِكَ الْهَيِّ وَسَيِّدِي بِمَنْزِلِهِ  
 مَصْرُوعًا عَلَى الْمَرَاغِرِ بِطَلْعِ أَيْدِي حَبْنِي وَارْحَمْنِي  
 عَلَى الْمَغْسِلِ بِفَيْسَلِي صَالِحِ الْجُحْرِ وَارْحَمْنِي حَوْلًا  
 نَدَى سَأُولَ الْأَقْرَبَاءِ أَطْرَافِ جَنَانِي وَارْحَمْنِي نَدَى  
 الْمَيْتِ بِالْغَلَمِ وَخَشَنِي وَغُرْبِي وَوَحْدَتِي وَكَرَمَ

تبتك باشد و منزهت اختصار كنند و اين قوس بنواهد اللهم  
 ان كثرت الذنوب تكفنا يدنا عن انيسا لما اليك  
 بالسؤال والمداومة على المعاصي تمتنع عن  
 ولائها ان الرجاء بحسنه سؤل لك يا ذا الجلال والاعلا  
 يطفئ السيد على عين من جنى النوال فلا تترك العنا  
 المتقعة اليك الا يبلوغ الامال و صلى الله على الشريف  
 الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين بعد از ان كونه  
 كن و چون سر از ركوع بر داري اين دعا خوانه هذا مقام من  
 حسنا فرغ منك و سياتر بعلمه و ذنبه عظيم و شكره  
 قليل اللهم طهر اجال الامال فدا بآل كذا و دعا كذا  
 اللهم قد تقطعت الامل عنك و قد هيب العقول قد تقطعت  
 الا اليك فاليك الرجاء و اليك المنجى يا اكرم المقصود

فلا كرامة

و ما ورد

و يا ارحم الراحمين استسول هت اليك ينقصي يا ملكا الهلاك  
 يا فعال الذنوب اجعلها على عهدي و ما اتيت اليك  
 شافعا شيواي معرفتي بانك اقرب من رجاء  
 الطالوتون و لما اليه الفسطون و امل ما لا يدبر  
 الراغبون يا من فتق العقول و عرفته و اطلقها  
 بحمد و جعل ما امن به على عباده كفاء لئلا يتردد  
 صل على محمد و آله فلا تجعل للمؤمن على سبيل  
 ولا للباطل على علي لئلا يرحمك يا ارحم الراحمين  
 پس نماز را تمام كن و بعد از ان سلام فاطمه زهرا بكردن  
 حزين را بخوان اما جيك يا موجود في كل مكان لعلك  
 تسمع ندائي فقد علمت حجي و مل جاني و لا يا انا  
 الاحوال انك كذا و ايها الشفي و لم يكن الا الموت و كذا



كيف وما بعد الموت اعلم وادع مولاي يا مولاي  
 حتى تصلي معي اقول لك العني بعد ائمتي ثم لا تجرد  
 عندي صدقا ولا رفاة فباعوا ثم واعونا بلاء  
 يا الله من هوى قد غلبني ومن عذو قد استكلم  
 علي ومن دنيا قد تربت لي ومن نفس امارا في الشؤ  
 الا ما دهم رب مولاي يا مولاي ان كنت تحت  
 مثل فاني ومن ان كنت في مثل فاقلي يا فاني  
 السحرة اقلني يا من لم اذكر افرقت منه الحسنى يا من  
 بعدني بالخير صابحا ومساء لا تحني يوم انك تروا  
 شاخصا اليك بعري مقلدا علي قديما جميع  
 الخلق معي نعم وابي ابي ومن كان له كدي يسبح  
 فانه لم يحني من رحم في القبر وحشي ومن يظن

سبح



لسانني اذ اخلوت بجلي وسالتني عما استأعلمهم  
 مني فان قلت لم افعل فلما لم اكن الشاهد عليك  
 فعفوك عفوكم يا مولاي قبل ان تليس من قبل  
 عفوكم عفوكم يا مولاي قبل ان تفعل الا بدني الي  
 الاعناق يا ادم الراحمين وخير الغافرين بعد ائمتي  
 سجد كن ودرجدة بكو الله صل على محمد وآلهم  
 ذلي من يد يدك وقصر عني اليك وحشي من القاتل  
 واسمي بك يا كرم يا كاشفا قبل كل شيء لا تفصحني  
 فانك في عالم ولا تعد بني فانك علي قاور اللهم  
 ابق عودك من كرب الموت ومن سوء الحجج  
 القبور ومن التمام يوم القيمة اسئلك  
 هنيئة ومينة سوية ومغفلة كريمة عن محن

نعم فاني المبرين  
 عدلك وان قلت

ين





مختللات

انك من طلائع الزمان فقد جئني في سائر الايام من احوالها  
 سعيها وانما يداني الان ان اقول انكم اهلنا انما افرقنا  
 فوينا وكبرنا سائرنا في كل ما في الارض والسموات

والسفر

44

أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ **مُحَلَّل**

و اگر وقت وسعت داشته باشد بخوان این صحیفه را که محض

امام زین العابدین علی بعد از نماز شب من و اندوم ادعای شش اینها

مسئله رکعتیه که نافله بود و در رکعت اوله اللهم مادد الملك

أَعْلَان

سَائِدِیَ بِخَلْوِیِّ سَاهِلِ مَسِیحِ یَدِیْ بِنَوَاسِرِ

وَالْغِزَّ الْبَاقِيَ عَلَى مِرَالِ الدَّهْمِ وَخَوَائِي لَأَعْوَابِ وَمَوَادِّ

الانسان والايام غرسك اهلك عن الاحد يا اوليته

وَأَمْسَى إِلَى إِخْرَاقِهِ وَأَسْتَعْلَى مَلِكًا عَلَوَّ اسْقَطَ

الاشياء دون بلوغ امدية ولا يبلغ ادنى ما استأثر

فَبَكَتْ

بِدَمْعٍ مِنْ ذَلِكَ أَقْبَى نَحْتِ الْمَاءِ عَيْنَ بَيْتِكَ الشَّمَاكَ وَتَحْتِ  
دُونَكَ الْمُتَوَشَّصَاتِ فِي كِبَرِ بَابِكَ لَهَا وَتِ الْأَوْهَامِ  
كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوَّلِيَّتِكَ وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ  
لَا زَوْلَ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَلَى الْجِسْمِ الْمَلَأْتُ  
مِنْ يَدِي سَبَابِ الْوُضَلِ الْأَسَاوِمِ وَتَحْتِ  
عَمِي مَعْصِيَتِ الْأَمَانِ الْمَأْمُوعَةِ مِنْ عَقْرِكَ قُلْ عِنْدِي  
مَا أَعْتَدْتُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ يَنْفُضَ عَلَيْكَ عَقْرُكَ  
عَبْدُكَ وَإِنْ أَسَاءَ فَاغْفِرْ عَنِّي اللَّهُ وَمَدَّ شَرِيكَ  
أَخْفَايَا الْأَعْمَالِ عَلَيْكَ وَانْكَشَفَ كُلَّ سِتْرٍ دُونَكَ  
وَلَا تَطْرُقُ عَلَيْكَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ وَلَا تَعْرَبُ  
عِيَابَاتُ الشَّرِّ ابْنِ وَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَى عَذْوِكَ الَّذِي  
اسْتَنْظَرَكَ لِقَوَائِي فَأَنْظِرْنِي وَاسْمَعْكَ إِلَى نَوْمِ

مِنْ طَاعَتِكَ وَكَثَرِ  
عَلَى مَا أَبَوَهُ بِهِ

فِي الْمَلَأْتُ

لَا مَسْلَا لِي فَا مَعْلَنَهُ فَأَوْضَعْنِي وَتَدْعُ بَيْتَكَ  
مَغَائِرُ دُونَِي وَتَقَرُّ بِمَرْحَمَتِي إِذَا قَارَكْتَ  
وَأَسْتَوْجِبَتْ لِسُوءِ سَعْيِ سَخَطِكَ فَتَلْ عَنِّي مَدَامَتِي  
وَلَمَّا نِي بِكَلِمَةٍ كُنْ وَتَوَلَّى الْهَرَاءُ مَعْنِي أَدْبَرُ  
عَنِّي فَأَصْحَرْتُ لِعِصْيَانِكَ فَرِيدًا وَأَخْرَجْتَنِي إِلَى بِنَاءِ  
نَفْسِكَ طَرِيدًا لَا شَفِيعَ لِي شَفَعُ لِي إِلَيْكَ وَلَا  
يَوْمُنِي عَلَيْكَ وَلَا حِصْنَ يَجْنِي عَنْكَ وَلَا مَلَأْتُ  
الْجَاءُ إِلَيْكَ مِنْكَ فَمَدَامَتُ الْعَائِدِيكَ وَ  
الْمُخْرِفِ لَكَ فَلَا يَنْفُضُ عَنِّي فَضْلَكَ وَلَا يَقْصُرُ  
دُونِي عَقْرُكَ وَلَا أَكُنْ أَحَبَّ عِبَادِكَ الثَّانِيْنَ  
أَقْدُوقُوكَ الْأَمْلِينَ وَاغْفِرْ لِي نَكَاحَ الْخَافِرِينَ مَرَّةً  
وَهَبْنِي فَرَكْتُ وَسَوَّلْ لِي الْغَطَاءَ خَاطِرِ السُّوءِ فَقَطَّ

وَكَبَائِرِ أَعْمَالِي

إِنَّكَ أَمَرْتَنِي



وَلَا اسْتَشْهِدْ عَلَيَّ بَإِثْمِي هَذَا وَلَا اسْجُرْ بِيْهَذَا  
 وَلَا تَتَّبِعْنِيْ عَلَى اِلْجَائِيَا سِنَّةَ حَاشَا وَمِنْكَ الَّذِي  
 مِنْ سَبَبِهَا هَلَكَ وَلَسْتُ اُقَسِّلُ اِلَيْكَ بِفَضْلِ  
 مَعَ كَثَرِ مَا اَعْقَلْتُ مِنْ وُطْأَيْفٍ قَوْضِكَ وَتَعَدَّ  
 عَنْ مَقَامَاتٍ حُدُودَ لِي اِلَى مَقَامَاتٍ اَنْتَ كَمَا لَانَ  
 كِبَارِي ذُنُوبِي اَحْرَجَهَا كَانَتْ عَافِيَتُكَ لِي مِنْ قَسَا  
 سِنَا وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ اسْحَابِ اِنْفِسِيهِ مِنْكَ  
 عَلَيْهِ اَوْ رَحِي مَعَكَ فَتَقَالُكَ نَفْسِي طَائِعَةً وَرَقِي  
 خَاطِعَةً وَطَعْرِ سَفَلٍ مِنَ الْخَطَايَا وَاقْبَابِي الرُّغْبَةِ  
 وَالرُّهْبَةِ مِنْكَ وَانْتَا وَلِي مِنْ رَحْمَةٍ وَاحِدٍ مِنْ تَهَابٍ  
 وَاقْبَاهٍ فَاعْظِمْنِي يَا رَبِّ مَا رَحِمْتَ وَامْنِي مَا حَقَّدْتَ  
 وَعُدْ عَلَيَّ بِجَائِيَةٍ تَحْتَكُ اِنَّكَ اَكْرَمُ الْمُسْتَوْدَعِينَ

وَإِذَا

وَإِذَا سَرَّحْتَنِي بِحُضْرِكَ تَعَدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ فِي اِلْقَائِي  
 بِحُضْرَةِ الْاَكْمَاءِ فَأَجِرْنِي مِنْ فَتَنِهَا وَدَارِ الْقِيَامِ  
 عَنْهَا وَاقْبَلِ الْاَسْمَاءَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرَّسُلِ  
 الْمَكْرُومِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالْعَالَمِينَ مِنْ جَارِكَتُ  
 اَكْبَرِيَّةِ سَيِّئَاتِي وَمِنْ ذُنُوبِي اَحْرَجْتَ اَحْسَنَ مِنْهَا فِي  
 لَدُنِّي يَوْمَ رُبِّ السَّيْرِ عَلَى وَفَّقْتَ يَدَكَ فِي الْعَفْوِ  
 لِي لَنْتَ اَوَّلِي مِنْ وَثْقِي يَوْمَ وَاَعْطَيْتَنِي دُعَايَ الرِّبِّ  
 وَارْوُفْتَنِي مِنْ اَسْرِهِمْ فَأَجِرْنِي اَللَّهُمَّ وَانْتَ حُدُودِي  
 مَاءٌ مَصْنُوعٌ مِنْ مَلِكٍ مَسْفُوفٍ فِي الْعِظَامِ خَرَجَ اِلَيْكَ  
 اِلَى رَحْمَتِكَ فَتَقَرَّرْ سَنَةً مَالًا بِالْحَبِي مُعْرِفَتِي حَالًا عَمَّا لَانَ  
 حَتَّى اَتَمَّيْتُ لِي اِلَى مَاءِ الصُّورَةِ وَانْتَا فِي الْخَوَالِجِ  
 كَانَتْ فِي كِتَابِكَ نَظْفَرٌ ثُمَّ عَظْمٌ ثُمَّ مَضْغَةٌ ثُمَّ عَظْمٌ

فَرَكْسَوْتَ الْعِظَامَ لِحَاوَرِ اسْتَأْذَنِي فَلَمَّا احْتَرَمَا<sup>ثَبُتَ</sup>  
 حَتَّى إِذْ أَحْبَبْتُ إِلَى رَيْنَ بَنٍ وَلَمْ أَسْتَعِزْ مِنْ خِيَارِكَ<sup>فَضَلْتُكَ</sup>  
 جَعَلْتَ لِي قُوَّةً مِنْ فَضْلِ مَعْلَمٍ وَشَرَابَ اجْرِيئِهِ لَا يَنْبَغُ<sup>مِنْكَ</sup>  
 الَّتِي اسْكَنْتَنِي جُورَهَا وَأَوْعَيْتَنِي قَرَارَ حَرْمِهَا وَلَوْ كَلِمَةً  
 يَأْتِي فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَى حِلِّي أَوْ تَقَطُّرٍ فِي الْحَوَائِجِ  
 لَكَانَ الْحَوْلُ حَقِّي مَعْتَقِلًا وَلَكِنَّ الْقُدْرَةَ مَعِي بِمَدَدِكَ<sup>بِهِ</sup>  
 يَفْضُلُكَ عِذَاءُ الْبَرِّ اللَّطِيمِ فَتَعْمَلُ ذَلِكَ فِي طَوْلَا  
 عَلَى أَلْيَ غَائِبِي هَذِهِ لَا أَعْدُ بِكَ وَلَا يَطْلُقُ فِي حَسَنٍ  
 صَبْحِكَ وَلَا تَنَاقُ كَدَمُكَ ذَلِكَ فَقِي فَاتَّقِ لِمَا هُوَ  
 أَحْفَظُ لِي عِنْدَكَ قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عَيْنِي فِي شُرْطِ  
 الظَّنِّ وَضَعُفِ الرِّقَابِ فَأَنَا اسْكُو أَسْوَأَ نَجَاوِي وَبِرِّي  
 وَطَاعَةِ نَفْسِي لَمْ أَسْتَغْفِرْكَ مِنْ مَلَكِيَّةٍ وَأَنْتَ تَعْلَمُ

رَأَيْتُكَ

إِلَيْكَ فِي أَنْ تُسَهِّلَ لِي مَدَدِي سَبِيلًا فَكَانَ الْحَمْدُ عَلَى  
 اِبْتِدَائِكَ بِالزُّمْرِ الْجَسَادِ وَالْهَامِيكَ الشُّكْرُ عَلَى  
 الْإِحْسَانِ وَالْإِفْخَارِ فَضْلٍ عَلَى الْخَيْدِ وَالْبِهْزَامِ عَلَى  
 رِزْقِي وَإِنْ تَصْعَقُنِي تَقْدِيرُكَ لِي بِأَنْ تَرْضَى حَقِيصَتِي  
 فَمَا قَسَمْتُ لِي وَأَنْ مَا ذَهَبَ مِنْ حُسْنِي وَعُمُرِي لِي  
 سَبِيلَ مَالَعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاغِبِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ<sup>دُ</sup>  
 بِكَ مِنْ نَارٍ تَعْلَقُ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ وَمِنْ عَذَابِ  
 هَامِ مَنْ مَدَّتْ عَنْ رِضَاكَ وَمِنْ نَارِ نَوْمِهَا طَلِقَةً وَ  
 هَيْبَتِهَا أَلِيمَةً وَبَيْدِهَا قَرِيبَةً وَمِنْ نَارِ بَاكِلِ بَعْضَتِهَا<sup>عَلَى</sup>  
 بَعْضٍ وَبِصُولِ بَعْضِهَا عَلَى بَعْضٍ وَمِنْ نَارِ بَذَرِ الْعِظَامِ  
 وَمِنْ نَارِ شَقِي أَهْلِهَا حَبِيبًا وَمِنْ نَارِ لَابِقِي عَلَى مَنْ تَصَرَّعَ  
 إِلَيْهَا وَلَا تَزِجْ مِنْ أَسْطَعْمَتِهَا وَلَا تَقْدِرْ عَلَى نَزَائِكِهَا



عَنْ حُجَّعٍ هَذَا فَاسْتَسْلِمَ إِلَيْهَا تَلْقَى سُكَّانَهَا يَأْتِي  
 لَهَا مِنَ الْبَيْتِ النِّكَالُ وَتَشْدُ بِذِي الْوَيْلَانِ وَأَعُوذُ  
 بِكَ مِنْ عِقَابِ رَبِّهَا الْعَاطِرَةِ أَفَوَاهُهَا وَحَيَاتُهَا  
 الصَّالِحَةِ يَا بَيْتَهَا وَشَرَّهَا الَّذِي يَقْطَعُ أَمْعَاءَ  
 وَأَفْنِدَ سُكَّانَهَا وَيَتَمَنَّيَ قُلُوبَهُمْ وَاسْتَمَدَّ بِهَا  
 بَاعَدَ مِنْهَا وَآخِرَ عَمَلِهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 وَأَجْرِ فِي مَنَاسِكِهَا بِفَضْلِ حَبِيبِكَ وَأَقْلِبْ عَنَّا فِي حُسْنِ إِفْنَانِهَا  
 وَلَا تَجْعَلْ لِي يَا حَبِيبَ الْحَبْرَيْنِ لَكَ نَقِي الْكَرْبَةِ وَتَعْلِي  
 الْعَسَنَةَ وَتَعْمَلْ مَا تُؤِيدُهُ لَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ وَصِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 وَآلِهِ مَا خَلَقْتَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَمَلَأْتَهُ لَا يَنْقُصُ  
 مَدَدُهَا وَلَا يَحْصِي عَدَدُهَا صَلَوَةٌ لِحُجَّعٍ الْمَوَدَّةِ

وَكَلَامًا

وَمَلَأَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرَى  
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الْوَيْلِ صَلَوَةٌ لِحُجَّعٍ  
 وَلَا مُنْتَفَى بِأَتَمِّ الزَّاحِقِينَ **خاتمه** سنت  
 وملاحظه کردن معنی هر چه پس از گفته میشود از ذکر ما و دعا  
 و آنچه خوانده میشود از فاتحه و سوره و باید که هر است نازل که از خود  
 دادن زبان تناسباتی ملاحظه معنی پس حکم نارس باشد  
 خواهد داشت که در این نداده و فهمد و لفظ عهد از عربی بر زبان  
 و حکم می که فارسی فهمد و نداند و لفظ عهد فارسی بر زبان گوید  
 که معنیهای آن را نداند و کافیه است برای تغییر پس معنی ذل  
 خداوند با اینها الذین آمنوا لا یفرقوا الصلوة و کلام تنقیص است  
 سکاوی حتی یصلون ما لا یصلون یعنی والله اعلم  
 این احسان که ایمان آورده اید نزدیکی شود بجاورد رسالت  
 است و اینها تنقیص است و کلام تنقیص است و کلام تنقیص است  
 ختمی است که کلام تنقیص است و کلام تنقیص است  
 ختمی است که کلام تنقیص است و کلام تنقیص است







المستزاد

گفتند بواسطه آنکه تحت آغزه عظیم و بی نهایت غلات  
 آغزه عظیم و بی نهایت نباتات باشد و از این جهت در بعضی  
 بجاها ارتفاع و اطلاق بر خودی آنها میکنند زیرا که در بعضی  
 کنده فخر شده حقیقتاً عوض او است و در بعضی جمل غل و نباتات  
 مدح و ثنای دنیا است یا برای تواضع است یا برای زایل کردن  
 از روی و رفتی کردن او و یا بهم رسیده بسبب خست یا برای  
 دور کردن کسی بجل از خود با وجود اینها ان غیر مثل اسطه است  
 زیرا که دادن اصل نعمت و قدرت دادن بر دادن و وصول  
 ساختن همه از اینها نباتات و اسطه است و تقدیم الرحمن  
 بلکه ترقی از او بی باید با علی تراز علی بادن برای اینست که ترقی  
 بسبب مخصوص بودن او بخداست یا گو یا که واسطه است میان  
 اسم و صفت پس مناسب این بوده که واسطه باشد میان علم

که الله است و میان صفت که بر حسب و ذکر این نامهای  
 شریف و بزرگ که اندای کنار کیم است برای حکم کردن  
 بنای وجود و کرم و تقویست دادن معارف و رانند و نشان  
 بالکرم رحمت الهی مابقیست و بنده است بر آنکه کسی  
 سزاوار است بسیار این از و در جمیع کارها اختیار است که  
 جامع جمیع کالات و خوشی و غایت و نایب است و همه و جمیع  
 نعمتهای دنیا و آخرت و ماحیه نعمتهای کوچک و بزرگ است **الحمد لله**  
**و رب العالمین** خداوند شایسته بر همه اشیاء اختیاری و حمد الهی  
 بعضی از صفاتش را جمعیت بخدا بر اثری که مرتب میشود بر ذات  
 مقدس بنابر آنکه صفات الهی خیر است و ان شاء الله تعالی  
 والحمد لله لا اله الا الله جل جلاله یعنی جل جلاله حق است  
 بخدا و برای استغفار است و جمیع افراد خدا برای خداوند جل جلاله

خداوند قادر از افراد خدا که لایق خداست باشد و نامش و مخصوص است  
 بنده است و رب برای مصلحت است یعنی برایت یعنی رسانیدن  
 چیزها بکمالش که مصلحت الله برسد برای مصلحت است چنانکه در این  
 عدل است مصلحت مشایخ است مشتاق است از دین و توبه بعد از آن که نقل  
 کرده است که لازم چنانکه در حق مذکور شد و چون انصاف است  
 بر العالمین اصوات و حقیقت است شایسته کرم البدر و اگر اهل نسب و شایسته است  
 پس پایدار است که مصلحت الله که معروف است و اهل نسب و شایسته است  
 نه در وقت و عالم اسم چیز است که باو علم چیزی حاصل شود اما  
 غلبه استخوان مراد از او نیست از جنس که باو خداست و ان شاء الله  
 و است بنابر آنکه گویند که عالم افلاک و عالم سموات و عالم حیوانات و عالم  
 نباتات **القرآن** مکرر ماضی این اسمهای شریف در این کتاب  
 کتاب مجید برای شمار است بر آنکه اتمام حضرت الهی بر همه چیز است





از باقی مقام و برای آنکه امید بنده گمان دنیا و خود چرت  
چون دست که مالک روز جزا هست و رحمت کو که میفرماید این  
کتاب کاران مایه شوی و از بخشش خدای تعالی گمان شمار  
در روز قیامت که او رحمت و رحمت **والله اعلم** فرات  
عالم و کس نیست یعنی صاحب روز جزا و باقی قرآن علیکم  
السلام و آنکه از معنی پادشاه روز جزا و موافقت قول خدا تعالی  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ  
اول است و مرتبه فرات دوم پنج و رحمت اول آنکه عظیم در این  
پادشاه است دوم آنکه مناسبت است با خدا و روز جزا که میگوید  
عزیم آنکه موافق بشود و آرد بقول خدا تعالی لِمَنِ الْمُلْكُ الْعَمَّ  
يَوْمَ الْوَاخِظِ الْقَهَّانِ یعنی برای کسیست پادشاهی روز جزا  
برای خدا نیست که بگوید و قمار است چهارم آنکه مشایب

بود که در آخر کتاب است و رسیده عمل خود بر لب الناس از خود  
پادشاهی بعد از وصفت بر رویه نامناسب باشد ابتدا  
بهم آنکه اضاف و او بگویم الدین تحقیقت پس معروف با پس  
آنکه معروف است با و جایز است و بعضی و تحلیف زیر اگر مثل کرم  
البدانت بخلا و مالک که اضاف است لفظ و کس معروف کرده  
پس و وصف معروف شود اندک و میگوید کلمه کویم اینجا  
مانند نیز اگر مضارع محقق الوقع قائم مقام ماضی که در این  
با آنکه انچه امر او استرا و پشت و نیز اضاف اسم فاعل نظر و  
بجای آنکه قائم مقام مفعول به است مجاز او دین جزا است  
میگوید که کائنات بدان معنی چنانکه در جزا امیدهای جزا توای است  
و وجه تسمیه مالکیت و پادشاهی خدای تعالی مالک پادشاه  
همین است در جمیع اوقات برای تعظیم روز قیامت و برای

روز قیامت مالک  
خدا تعالی













این سوره در میان این سوره ها است  
 خلدن نفس سلطانیت با او  
 گردان دهد از آن سوره ها  
 باز درین سوره از آن سوره ها  
 عارفان که در دنیا کسب و کسب  
 رده با زار حاکمیت با این سوره  
 بکمال اهل دل کان خاک و غبار  
 از آن سوره درین سوره ها  
 پیش خلق جان و دین و دنیا  
 از این سوره درین سوره ها  
 کسب ناکند شایسته با این سوره  
 کس نماندین غلبه با این سوره  
 غلبه می شود برین سوره  
 وصف قدر و کبریا با این سوره

این سوره در میان این سوره ها است  
 خلدن نفس سلطانیت با او  
 گردان دهد از آن سوره ها  
 باز درین سوره از آن سوره ها  
 عارفان که در دنیا کسب و کسب  
 رده با زار حاکمیت با این سوره  
 بکمال اهل دل کان خاک و غبار  
 از آن سوره درین سوره ها  
 پیش خلق جان و دین و دنیا  
 از این سوره درین سوره ها  
 کسب ناکند شایسته با این سوره  
 کس نماندین غلبه با این سوره  
 غلبه می شود برین سوره  
 وصف قدر و کبریا با این سوره







[illegible]

2

چون و بخشند که می و مریان رحیمی **احمد الیاس الحنفی**  
رایت ارشد و دلائلست بظن بجایند و خواه راه مطلبند  
و خواه منتقد شود بمفعول دوم بواسطه حرف جریای و احوال  
پس بعزراه مطلب بنمودند و اگر بواسطه حرف متعدد شود  
بمغیر سازند بطول است و دفع میکند این مذبحه و قول خدا  
وَعَلَيْكُمْ آيَةُ الْفَخْرَيْنِ و مذبحه دوم دارد میکند قول خدا بَعَثْنَا  
فَاسْمَحْ لِلَّهِ عَلَى الْكَلْبِ و اما قول خدا ثُمَّ إِنَّكَ لَا تَهْدِي  
مَنْ أَحْبَبَ مطلب ایشانرا ثابت میکند بلکه خص نرساند  
ایشان با آنکه ادب حضرت زینبانه اگر چه زینبانه است و عمرو  
نقداد ان مکتوبه است اما دواست و چهارم اول و اینها که برین  
و دفع مغیرت سبب اودن خوانند ظاهر از چشم و گوش و شام و لاس  
و ذاب و چون طهر از کفر و غیر آن و قوت عاقل جانکد غیراید

منفعتی  
اینها کجاست

۱۹۷۱

کُلُّ شَيْءٍ خَلَقَهُ هَدًى دوم ضرب ویدار عقل که فرق است با  
 میان حق و باطل و صلاح و فساد چنانکه میفرماید و هَدَيْنَاهُ  
 سَبِيلَ هِدَايَتِ بَرِّسَانٍ و کتابها چنانکه میفرماید و آتَانَا  
 مَوْدُودَهُمْ فَاسْتَجَبُوا لِحُكْمِ الْعَلِيِّ اعطى الهدى چهارم نمودن آن  
 بطریق در رسیدن بجهز ناب فطرس و فائز شدن بمقام انسی برزاق  
 ساختن آثار تعلقات بدن و کردن پرشهای حیاتی و غرق  
 شدن در مظاهر سراد و کمال و مظهر نور و بر حال این نوع از  
 هدایت مخصوصست با ویرا و متابعان ایشان بی هرگاه قادر در مرتبه  
 چهارم را و اگر مرتبه چهارم رسیده یا قصد کند با هدایت برشتا از  
 مار ثابت در برین هدایت کرده چنانکه در تفسیر این آیه حضرت امیر  
 فرموده تا قصد کند زیادتى که غیر هدایت را از یاده کرد آن بی  
 هدایت بنابر اول مجاز است و بنابر دوم هم مجاز است و اگر زیاده

۹  
 اِنِّى وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِينَ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَاَرْضَ حَنِفًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ  
 اِنِّىْ صَلَوْتُ وَنَسَلْتُ وَنَحَايْتُ وَاَمَّا فِىْ رَبِّىَ الْعَالَمِيْنَ اَشْهَادٌ  
 كَذٰلِكَ اُنزِلَتْ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُرْسَلِيْنَ

درین معنی است تعریف از آن نیم والا تحقیقت و مولا یا بعضی  
 جاده و راه است که با کفر و سیر راه رو با اله که باره را و او را  
 و این کسر و سیر و زنده و غیر خود از قرآن بعد از خود اشهاد میکند  
 و او را مستقیم باره حققت مطلقا بدین اسلام **صِرَاطَ الَّذِيْ**  
**اَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ** و لا یجمع این یکبار است  
 نزد جمیع ملایک و بر هر موافقت با او در کمال بیداری است الهی  
 و با حضرت زخا فاین که بیدار یکبار از الهی نمیدانند صراط الذین  
 علیهم را از ششم میدانند و بکار افتند زیرا که جمیع امت پیغمبر  
 حقیق اند و اندک سوره فاتحه بخواند و بر سر خود بخواند و از الهی  
 انعمت علیهم پس علی غافلین برین شود بخواند بعد از این آیه  
 حکم تفسیر صراط المستقیم است و مولا بد است از و مراد بالذین  
 علیهم همانند که مذکور اند در آیه اُولَئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللهُ  
 و انعمت الله علیهم و انعمت الله علیهم



五

بالمشاهد علم بالحکام اعتقاد و عمل بشریت بقدره و مقابله  
یکی ازین دورانهاست که اولاً نظیر باید که از و باصفت بلیست  
باصفت مقیده است و به تقدیر غیر مقرر و کبر معرفت از  
مضاف الیه و نمیکند مگر آنکه مضاف الیه را یک ضد باشد و موقوف  
معرفه است و معرفت موقوف بر یکو جای نیست پس اینجا باید بار کتاب  
کرده که غیر چنین مضافه بخیزد که او را یک ضد است پس کبر معرفت  
کرده با یک غیر چنین مراد بالذین بر این است که استمرارشان ایشان نیست  
پس تمام مقام معرفت بلا مخرج باشد و فقط لا بد از مخرج با کمال



قد صمد  
 في الحق المبين  
 ربنا وعلينا السلام  
 في الزمان قدود وقران الامام  
 غفر له ولجميع المسلمين  
 غفر له ولجميع المسلمين

[illegible]



[illegible]

وَالْمَلِيكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ وَأُمَّا الْفِطْرُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ  
صَدَقَتْ وَبَقِيَ رُسُلُهُ الْكَلَامُ وَتَأْخُذُ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ أَلَا  
لَكَ الْحُجْدُ وَالْعَزْمُ وَالْحُجْدُ وَلَكَ الشَّيْرُ وَالْثَغِيرُ وَلَكَ الْعَقْلُ  
وَالْحُجَّةُ وَاللَّهْمَا وَلَكَ الشَّاهِدُ وَاللَّهْمَا وَلَكَ الشَّاهِدُ وَاللَّهْمَا  
وَلَكَ الْإِثْنَانُ وَاللَّهْمَا وَلَكَ الشَّاهِدُ وَاللَّهْمَا وَلَكَ الشَّاهِدُ  
وَلَكَ الشَّاهِدُ وَاللَّهْمَا وَلَكَ مَا يُرَى وَلَكَ مَا لَا يُرَى وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَاوَاتِ  
وَالْعُلَى وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَلَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى وَلَكَ  
الْآخِرُ وَالْأُولَى وَلَكَ مَا رَضِيَ بِهِ مِنَ الشَّيْءِ وَلَكَ الْحَمْدُ  
الشَّاهِدُ عَلَى الشَّيْءِ الْأَشْهَدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ  
رَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَأَمِينِكَ وَالْقُرَى عَلَى أَمْرِكَ وَالطَّاعِ فِي سَمَوَاتِكَ وَخَلْقِكَ  
الْمُتَمَلِّكُ لِكُلِّ نَاصِرٍ لِنَبِيِّكَ الْمُدْمِرُ لِعَدَائِكَ اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَغَيْرِهِ وَعَلَى أَمِينِكَ وَغَيْرِهِ  
وَالْخَلْقِ لِلْأَمِينِ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمَعِينِ لَأَهْلِ طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَغَيْرِهِ وَعَلَى أَمِينِكَ وَغَيْرِهِ  
وَالْخَلْقِ لِلْأَمِينِ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمَعِينِ لَأَهْلِ طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَغَيْرِهِ وَعَلَى أَمِينِكَ وَغَيْرِهِ

وَاللَّيْلُ كَالْأَمْسِ وَالْأَمْسُ كَالْأَمْسِ  
وَالْأَمْسُ كَالْأَمْسِ وَالْأَمْسُ كَالْأَمْسِ  
وَالْأَمْسُ كَالْأَمْسِ وَالْأَمْسُ كَالْأَمْسِ

المجلد الثاني

تفصیل و تفسیر

10



لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلِّ عَلَى السَّفَرَةِ الْكَرِيمَةِ  
 الْبَرَّةِ وَهُوَ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ  
 الْجَنَانِ وَحَرَمَةِ النِّزَانِ وَمَلَائِكَتِ الْمَوْتِ وَالْأَعْيَانِ أَذَا الْحَلَالِ وَ  
 الْكِرَامِ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ وَعَلَى بَنِي آدَمَ نَدِيحٍ  
 وَمِعْرَاتِكَ الَّذِينَ كَرَّمْتَ لِيُجُودَ مَلَائِكَتِكَ وَأَجْنَحَتُ خَلْقِكَ اللَّهُ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ وَعَلَى أَمِينِنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّسَا  
 الْغَنَاءِ مِنَ الدُّنْيِ الْمُفْتَخَةِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْدِيَةِ بَيْنَ خَالِ  
 الْقُدْسِ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ وَعَلَى هَابِلَ وَشِيثَ  
 وَآدَمَ وَنُوحٍ وَهُودٍ وَصَالِحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
 وَيُوسُفَ وَالْإِسْبَاطَ وَلُوطَ وَشُعَيْبَ وَالْأَرْبَ وَمُوسَى وَهَارُونَ  
 وَيُوشَعَ وَبِشَا وَالْحُضُرَ وَبَنِي إِسْرَافِيلَ وَبَنِي دَاوُدَ  
 الْيَسَعَ وَبَنِي الْيَحْيَى وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَدَكْرِيَّا  
 وَشُعَيْبًا وَبَنِي وَنُوحٍ وَنُوحٍ وَآرَمِيَا وَحِيقُونَ وَدَانِيَالَ وَكَرِيمَةَ  
 وَغَيْرِهِمْ شُعُونَ وَجَرِيحِينَ وَالْحَوَارِينَ وَالْأَسْبَاحَ وَخَالِدَةَ وَغَيْرَهُمْ  
 وَحَفْظَةَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ وَعَلَى مُحَمَّدٍ  
 كَاصِلَتِ وَرَحْمَتِ وَرَحْمَتِ وَأَكْرَمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ  
 أَمَّا حَمِيدُ مُحَمَّدٍ اللَّهُ صَلِّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَالْعِدَّةِ وَالنَّبِيِّ

[illegible][illegible]







١٢٥٨  
 ١٢٥٩  
 ١٢٦٠  
 ١٢٦١  
 ١٢٦٢  
 ١٢٦٣  
 ١٢٦٤  
 ١٢٦٥  
 ١٢٦٦  
 ١٢٦٧  
 ١٢٦٨  
 ١٢٦٩  
 ١٢٧٠  
 ١٢٧١  
 ١٢٧٢  
 ١٢٧٣  
 ١٢٧٤  
 ١٢٧٥  
 ١٢٧٦  
 ١٢٧٧  
 ١٢٧٨  
 ١٢٧٩  
 ١٢٨٠  
 ١٢٨١  
 ١٢٨٢  
 ١٢٨٣  
 ١٢٨٤  
 ١٢٨٥  
 ١٢٨٦  
 ١٢٨٧  
 ١٢٨٨  
 ١٢٨٩  
 ١٢٩٠  
 ١٢٩١  
 ١٢٩٢  
 ١٢٩٣  
 ١٢٩٤  
 ١٢٩٥  
 ١٢٩٦  
 ١٢٩٧  
 ١٢٩٨  
 ١٢٩٩  
 ١٣٠٠

وَأَحْسَنَ لَكَ وَغَمْرًا لَكَ وَجَنَانًا لَكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقْلَقَ عَنِّي كُلَّ يَوْمٍ  
 بَنِي يَمِينَ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَتَقْلَقَ لِي كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْسَ لِي كُلَّ يَوْمٍ وَتَقْلَقَ  
 كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي كُلَّ يَوْمٍ  
 لِي وَمَا سَأَلْتُكَ وَتَقْلَقَ عَنِّي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي  
 وَتَقْلَقَ لِي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي  
 أَلَمْ تَكُنْ لِي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي كُلَّ يَوْمٍ خَيْرٌ مِنِّي  
 وَرَدَّ كَيْدَ الْمُسْلِمِينَ عَنِ الْمُتَّقِينَ أَسْأَلُكَ بِعِلَّةٍ تَكُنْ  
 عَلَيَّ نَشَاءً وَتَهْلِكَ لِي نَشَاءً كَيْفَ نَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ قِسْمًا عَلَيَّ  
 فِيمَا نَشَاءُ ثُمَّ أَسْأَلُكَ عَلَى الْأَرْضِ وَعَمْرُ خَلْقِكَ وَقَدْ أَلْهِمَكَ  
 سَجْدَتُ وَلَيْكَ أَسْتُ وَعَلَيْكَ وَكَفْتُ نَارِي ذِي وَفَقْرِي وَفَقْرِي  
 وَأَجْنَحِي دِي وَتَصْرُحِي وَتَسْكُنِي وَفَقْرِي إِلَيْكَ أَارْتِ وَ  
 أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْجُدَ خِيَالَكَ وَلَوْ بَعْدَ رَمَلٍ لَدَارِي مَوْجَانِ مِنْ

علامه لاجل باب  
 ١٢٥٨  
 ١٢٥٩  
 ١٢٦٠  
 ١٢٦١  
 ١٢٦٢  
 ١٢٦٣  
 ١٢٦٤  
 ١٢٦٥  
 ١٢٦٦  
 ١٢٦٧  
 ١٢٦٨  
 ١٢٦٩  
 ١٢٧٠  
 ١٢٧١  
 ١٢٧٢  
 ١٢٧٣  
 ١٢٧٤  
 ١٢٧٥  
 ١٢٧٦  
 ١٢٧٧  
 ١٢٧٨  
 ١٢٧٩  
 ١٢٨٠  
 ١٢٨١  
 ١٢٨٢  
 ١٢٨٣  
 ١٢٨٤  
 ١٢٨٥  
 ١٢٨٦  
 ١٢٨٧  
 ١٢٨٨  
 ١٢٨٩  
 ١٢٩٠  
 ١٢٩١  
 ١٢٩٢  
 ١٢٩٣  
 ١٢٩٤  
 ١٢٩٥  
 ١٢٩٦  
 ١٢٩٧  
 ١٢٩٨  
 ١٢٩٩  
 ١٣٠٠

١٢٥٨  
 ١٢٥٩  
 ١٢٦٠  
 ١٢٦١  
 ١٢٦٢  
 ١٢٦٣  
 ١٢٦٤  
 ١٢٦٥  
 ١٢٦٦  
 ١٢٦٧  
 ١٢٦٨  
 ١٢٦٩  
 ١٢٧٠  
 ١٢٧١  
 ١٢٧٢  
 ١٢٧٣  
 ١٢٧٤  
 ١٢٧٥  
 ١٢٧٦  
 ١٢٧٧  
 ١٢٧٨  
 ١٢٧٩  
 ١٢٨٠  
 ١٢٨١  
 ١٢٨٢  
 ١٢٨٣  
 ١٢٨٤  
 ١٢٨٥  
 ١٢٨٦  
 ١٢٨٧  
 ١٢٨٨  
 ١٢٨٩  
 ١٢٩٠  
 ١٢٩١  
 ١٢٩٢  
 ١٢٩٣  
 ١٢٩٤  
 ١٢٩٥  
 ١٢٩٦  
 ١٢٩٧  
 ١٢٩٨  
 ١٢٩٩  
 ١٣٠٠











